کار

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۷۸ - ۱۵ فوریه ۲۰۰۰ - دورهٔ سوم - شماره ۲۲۸

KAR. No. 228 Wednesday 15. Mar 2000

۸ مارس روز جهانی زن گرامی باد!

- خواست‌های میلیون‌ها زن بی‌پاسخ مانده است — صفحه ۳
- از ضد قدرت بودن تا نزاع بر سر سهم در قدرت — صفحه ۴
- آن زمان موعود کی می‌رسد — صفحه ۴
- آزادی پوشش در خانه، خیابان و مجلس — صفحه ۳

ششمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با موفقیت برگزار شد

اوضاع متحول جامعه و راهیابی برای افزایش حضور و تاثیر سیاسی سازمان محور مباحث کنگره را تشکیل می‌داد

- گزارش ششمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) — در صفحه ۵
- قطعنامه سیاسی — در صفحه ۸
- تزهائی پیرامون مسئله ملی — در صفحه ۷
- پیام‌ها — در صفحات ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۲

بهاران خجسته باد

آب زنید راه را، هین که نگار می‌رسد
مژده دهید باغ را بوی بهار می‌رسد
چاک شده‌ست آسمان، غلغله‌ایست در جهان
عنبر و مشک می‌دمد، سنجق یار می‌رسد
رونق باغ می‌رسد، چشم و چراغ می‌رسد
غم به کناره می‌رود، مه به کنار می‌رسد
باغ سلام می‌کند، سرو قیام می‌کند
سبزه پیاده می‌رود، غنچه، سوار می‌رسد

سال نو را به همه هم‌میهنان شادباش می‌گوئیم و برای همگان سالی توام با شادکامی، پیروزی و تندرستی آرزومندیم.

به اطلاع خوانندگان عزیز می‌رسانیم که شماره ۲۲۹ نشریه کار با یک هفته تاخیر منتشر خواهد شد.

کارکنان نشریه کار

حقوق بشر

مسئله داخلی هیچ کشوری نیست

اصلاح طلبان حکومتی مخالف رفسنجانی بر این نکته تاکید کرده‌اند که تصمیم یک دادگاه بلژیک مبنی بر انجام تحقیقات قضائی علیه رفسنجانی به اتهام نقض حقوق بشر، کمک غیرمستقیم به رئیس جمهور سابق در شرایطی است که دست رد مردم تهران به سینه او، وی را در ضعیفترین موقعیتش پس از انقلاب قرار داده است. در همین رابطه انواع و اقسام تئوری‌های توطئه در روزنامه‌ها به صورت شایعه و زمزمه مطرح شده‌اند. حتی طرح شده است که خود خانواده رفسنجانی در تصمیم دادگاه بلژیک نقش داشته است. در اینکه جناح راست و طرفداران رفسنجانی از ماجرای تصمیم مقامات قضایی بلژیک، برای زیر ضرب بردن منتقدان داخلی «عالیجناب» (لقبی که اکبر گنجی روزنامه‌نگار به رفسنجانی داده است) سوء استفاده کرده‌اند، تردیدی نیست. در این نیز تردیدی نیست که دستگاه قضایی بلژیک در سالهای اخیر از خود امتحان خوبی پس نداده است و مردم بلژیک به ویژه در ماجرای ارتباط سیاستمداران و مقامات دولتی این کشور با جنایتکاران، سئوالات زیادی در ارتباط با عملکرد پلیس و دادگستری بلژیک مطرح کرده‌اند که بی‌پاسخ مانده است. و باز در این تردیدی نیست که در بلژیک، گذشته استعماری این کشور هیچ‌گاه به اندازه کافی مورد پیگیری قضایی و سیاسی قرار نگرفته است. اما آیا همه این فاکت‌ها کافی است که تصمیم دادگاه بلژیک را توطئه‌ای حساب‌شده برای ضربه‌زدن به اصلاح‌طلبان در ایران بدانیم؟ و حتی اگر چنین باشد آیا باید اصلاح‌طلبان در ایران واکنشی مانند امثال رفسنجانی داشته باشند و دادگاه بلژیک را متهم به «دخالت در امور درونی ایران» کنند؟ آیا وقت آن فرا نرسیده است که اصلاح‌طلبان حکومتی ایران نیز بپذیرند که حقوق بشر، مسئله داخلی هیچ کشوری نیست، بلکه مسئله همه جهانیان است؟

اگر دادستانی در اسپانیا حق دارد پینوشه دیکتاتور سابق شیلی را به اتهام نقض حقوق بشر تحت تعقیب قرار دهد، دادگستری بلژیک و هر کشور دیگری نیز که قوه قضائیه آن برای متهم حق دفاع از خود قائل است و آن را رعایت می‌کند، حق دارد به نام بشریت، نقض حقوق بشر را مورد رسیدگی قرار دهد. این، یک ایده‌آل انسانی است که نقض‌کنندگان حقوق بشر، در هیچ جای دنیا از تعقیب مصون نباشند. البته ملاحظات دیپلماتیک، مانع از تحقق این آرمان است. در جریان پرونده میکونوس نیز دولت آلمان فشارهای زیادی به دادگستری این کشور وارد کرد تا

ادامه در صفحه ۲

سعید حجاریان مشاور رئیس جمهور هدف سوءقصد مسلحانه قرار گرفت

سعید حجاریان عضو رهبری جبهه مشارکت ایران اسلامی، مدیر مسئول روزنامه صبح امروز و مشاور رئیس جمهور صبح روز یکشنبه ۲۲ اسفند در ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه در مقابل ساختمان شورای شهر تهران هدف تهاجم مسلحانه دونفر موتورسیکلت‌سوار قرار گرفت و از ناحیه شانه و صورت به شدت مجروح گردید. مهاجمان سوار بر موتورسیکلت ۱۰۰۰ سی سی بودند که فقط نیروهای امنیتی چنین وسیله‌ای را در اختیار دارند و تردد مردم عادی با این نوع موتورسیکلت ممنوع است. حجاریان بلافاصله توسط نیروهای امداد به بیمارستان سینا انتقال یافت و آخرین خبرها حاکی از آن است که از خطر مرگ نجات یافته و تلاش پزشکان برای مداوای وی ادامه دارد.

در واکنش علیه اقدام مهاجمان، رئیس جمهور، جبهه مشارکت، حزب کارگزاران، نهضت آزادی ایران و سایر احزاب و سازمان‌ها با صدور اطلاعیه‌هایی سوءقصد به جان حجاریان را محکوم کردند و بر پیگیری و معرفی مهاجمان تاکید کردند. در اطلاعیه جبهه مشارکت با اشاره به کسانی که از تریبون نماز جمعه به ترویج خشونت می‌پردازند آمده است: «آنان که تریبون‌های رسمی را به تریبونی برای صدور حکم اعدام و خشونت تبدیل کرده‌اند، بدانند که با این کارها جز آن که چهره ناپسندی از خود را به نمایش می‌گذارند، هیچ خللی در اراده ملت ایران برای رسیدن به اهداف خود ایجاد نخواهند کرد». همچنین در این اطلاعیه آمده است: «اگرچه حجاریان از شخصیت‌هایی است که برای جامعه و علاقه‌مندان به اصلاحات کلیدی و محوری محسوب می‌شوند ولی فرایند موجود در ایران بیش از آنکه خواست عده‌ای از نخبگان سیاسی باشد، خواست و اراده تمامی ملت ایران است و انتخابات ۲۹ بهمن، نمادی از این خواست است».

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با ترور نمی‌توان راه اصلاحات سیاسی را بست!

در صفحه ۲

اعتراض گسترده کارگران علیه مصوبه مجلس شورا

نمایندگان محافظه کار که اکثریت مجلس شورا را در دست دارند و هشتاد درصد آنها نتوانستند به دوره ششم مجلس راه یابند، در ماه‌های آخر عمر نمایندگی‌شان مصمم شده‌اند تا در فرصت زمانی کوتاه طرح‌های ارتجاعی را به مجلس برده و به تصویب برسانند. یکی از این مصوبات ارتجاعی، معاف کردن کارگاه‌ها و مشاغل دارای پنج نفر و کمتر، از شمول قانون کار است. این مصوبه که علیه کارگران و منافع آنان است، اعتراض گسترده کارگران را برانگیخته است. در روزهای اخیر هزاران تن از کارگران واحدهای تولید در مقابل مجلس شورا گرد آمدند و صدای اعتراض خود را به گوش نمایندگان مجلس رساندند. کارگران خواستار لغو مصوبه مجلس شدند. قبل از این گردهمایی، نمایندگان کارگران تهران در تالار اجتماعات وزارت کار جمع شده بودند و به

ادامه در صفحه ۲

فرمانده نیروی انتظامی فرمانده تهاجم به کوی دانشگاه

- در دادگاه عوامل درجه دو و سه محاکمه می‌شوند
- مهاجمان با تهدید مانع حضور دانشجویان در دادگاه شدند

بعد از سکوت ۸ ماهه سرانجام پرونده متهمان حمله به کوی دانشگاه تهران به جریان افتاد. محاکمه متهمان از روز سه‌شنبه ۱۰ اسفند در محل سازمان قضایی نیروهای مسلح آغاز شده و رسیدگی به اظهارات متهمان، شاکیان و وکلای آنان هنوز ادامه دارد. به ماجرای محاکمه عوامل حمله به کوی دانشگاه اگرچه تاکنون به جز چند روزنامه، مطبوعات چندان اعتنایی نکرده‌اند اما دانشجویان و مردم جلسات دادگاه را با حساسیت و نگرانی دنبال می‌کنند.

ادامه در صفحه ۲

www.iran-archive

دانشجویان از «فاجعه ملی سال ۶۷» می‌پرسند

پرونده قتل‌عام هزاران زندانی سیاسی بازگشایی می‌شود؟

در سمینار یک روزه مطبوعات و مجلس ششم که به ابتکار روزنامه صبح امروز برگزار شد، برای نخستین بار چگونگی قتل‌عام چند هزار زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۷ در زندان‌های جمهوری اسلامی مورد پرسش شرکت‌کنندگان در سمینار قرار گرفت. همه روزنامه‌هایی که گزارش این سمینار را بطور مشروح به چاپ رسانده‌اند، در برابر این پرسش‌گری‌ها سکوت کرده و یا به اشاره‌ای از آن گذشتند. روزنامه عصرآزادگان به این اشاره عمادالدین باقی بسنده کرد که: «وی درباره اعدام تعدادی از زندانیان سیاسی در سال ۷۶ گفت: اعتراض به این موضوع تنها مختص اپوزیسیون نبود، بلکه قایم‌مقام رهبری وقت هم به این موضوع اعتراض داشت». در این سمینار موضوعات ممنوعه دیگری نیز از جمله جنایات حکومت جمهوری اسلامی در کردستان مورد پرسش حضاری قرار گرفت که بیشتر آنان جوان و دانشجو بودند.

پرونده کشتار صدها و به تعبیری هزاران زندانی سیاسی در سال ۶۷ دیر یا زود باید گشوده شود. مگر جامعه‌ای می‌تواند به سوی اصلاح و «نقد گذشته» برود و بر این زخم عمیق که هم‌اکنون نیز هزاران هزار نفر را می‌آزارد، نیشتر نزند؟ نخستین پرسش‌ها آغاز شده است و این پرسشگری را دیگر نمی‌توان متوقف ساخت. بر این فاجعه دردناک که قتل‌های زنجیره‌ای در برابر آن کوچک می‌نماید نیز باید نور تاباند و درود بر کسانی که با پرسش‌ها و روشنگری‌های خود گام در این راه گذاشته و می‌گذارند!

تابوها در هم می‌شکنند

سرعت تحولات و عطش جامعه ایران به دانستن حقایق به گونه‌ای است که تابوها با سرعتی شگرف شکسته می‌شوند و زوایایی تاریک [illegible] افشاگری در خارج از کشور دامنه می‌گسترد، و پرسشگری پیرامون ادامه جنگ خانمانسوز با عراق که دیگر نه تنها تقدیس نمی‌شود، بلکه مورد اعتراض و انتقاد قرار دارد و مقصرینش جستجو می‌شوند، تنها دو عرصه ممنوعه‌ای است که از سایه بیرون می‌آید. اکنون به نقاط دست‌نیافتنی دیگری نیز نقب زده می‌شود. دانشجویان از اعدام‌های دسته‌جمعی سال ۶۷ در زندان‌ها می‌پرسند، جوانان سرکوب خلق کرد در نخستین سال‌های انقلاب را مورد انتقاد قرار می‌دهند و کسی را که امروز یکی از چهره‌های مشهور اصلاح‌طلبی است به خاطر سابقه اعمالش در کردستان بیرحمانه به باد انتقاد می‌گیرند.

آنان که چنین شجاعانه پرسش‌های انتقادی خویش را مطرح می‌کنند، نقد عملی و واقعی «گذشته» حکومت جمهوری اسلامی را آغاز کرده‌اند. این جریان متوقف نخواهد شد و هر چه جلوتر برود، دیوارهای ممنوعه را با شهامت و صراحت بیشتری فرو خواهد ریخت و این لازمه پیشرفت اصلاحات واقعی در ایران است. بدون نقد بیست سال گذشته دشوار است که بتوان از سنگینی آن رهایی یافت و به سوی آینده‌ای روشن رهسپار شد. اکنون اصلاح‌طلبان در برابر آزمایشی بزرگ و سخت قرار گرفته‌اند. آنان در برابر این نقد چه موضعی خواهند گرفت؟ بسیاری از پیشروان اصلاح‌طلب وابسته به حکومت، از ضرورت نقد گذشته سخن گفته و می‌گویند. اگر آن‌ها هنوز آغاز نکرده‌اند، دانشجویان و جوانان و روشنفکران ایرانی در این راه گام گذاشته‌اند.

احزاب سیاسی مخالف جمهوری اسلامی، یعنی قربانیان مستقیم و زندانیان شاهد چارچوب‌های ممنوعه، در این زمینه بسیار سخن‌ها، گفته‌ها و تجربه‌ها دارند. اکنون زمان سخن گفتن آنان نیز فرا رسیده است. باید راه‌های سخن گفتن با جوانان و دانشجویان تشنه حقیقت را یافت و با آنان سخن گفت!

فرمانده نیروی انتظامی، فرمانده تهاجم به کوی دانشگاه

ادامه از صفحه اول

ترکیب چهره متهمان و متن کیفرخواست دادستان نظامی علیه آنان، اظهارات طباطبایی قاضی دادگاه، تهدیدها و ارعاب شاکیان، محدود بودن موضوع جلسات دادگاه فقط به حوادث شب ۱۷ تیر و مصونیت «لباس شخصی‌ها» از پیگیری قضایی نشان می‌دهد که آمران پشت پرده تهاجم علیه دانشجویان و عوامل اصلی ایجاد فجایع ۱۸ الی ۲۲ تیر ماه همچنان پنهان خواهند ماند، رای دادگاه از گزارش کمیته تحقیق شورای امنیت ملی و چارچوب تعیین شده فراتر نخواهد رفت و رسماً نام کسی به عنوان آمر اصلی و چهره پشت صحنه تایید نخواهد شد.

در دادگاه ۲۰ نفر به عنوان متهم محاکمه می‌شوند. ۸ نفر از متهمان سرباز وظیفه هستند، ۶ تن از آنان درجه گروهبانی دارند. بقیه عبارتند از: فرهاد نظری فرمانده و سرپرست ناحیه انتظامی تهران بزرگ، میراحمد فرمانده یگان ویژه ناحیه انتظامی تهران بزرگ، جمشید خدابخشی فرمانده یگان ویژه پاسداران، فرهاد ارجمندی فرمانده گروه نوپو(نیروی ویژه پاسدار ولایت)، امین نظری جانشین فرمانده نوپو، عروجعلی بدرزاده جمعی یگان ویژه.

این متهمان، چهره‌هایی هستند تحقیق شورای امنیت ملی به عنوان عاملان اصلی فجایع دانشگاه معرفی شدند و به جای نام کسانی که قرار بود به عنوان راز سر به مهر باقی بمانند و مردم از نقش آنان در ایجاد حوادث خونین دانشگاه باخبر نشوند، «نقطه‌چین» گذاشته شد. در دادگاه محاکمه مهاجمان به کوی دانشگاه، این «نقطه چین»ها ادامه دارد و در میان متهمان جای آنان خالی است. در دادگاه به جای این چهره‌های پشت نقطه چین عاملان درجه دو و سه را بر کرسی اتهام نشانده‌اند.

نقش لباس‌شخصی‌ها و لطفیان

تیمسار لطفیان فرمانده نیروی انتظامی تاکنون از سخنگویی در مورد دخالت خود در ماجرای دانشگاه طفره رفته است. اما یک بار آن هم تحت فشار افکار عمومی در حضور نمایندگان مجلس ارتباط خود را با لباس شخصی‌ها تایید کرده و گفته است از این افراد برای سرکوب تظاهرات استفاده می‌شود. این افراد از چه کسی فرمان می‌برند. از لطفیان و یا چهره و چهره‌های بانفوذتر از او که در لباس شخصی در هرم قدرت اکنون به نظاره دادگاه نشسته‌اند و منتظرند بعد از چند جلسه، قاضی پرونده با صدور حکم علیه چند سرباز وظیفه و گروهبان، آتش فجایعی را که چهره‌های پشت پرده و دشمنان آزادی آفریده‌اند، در خاکستر فراموشی بپوشاند.

در دادگاه، رهامی وکیل شاکیان علیرغم مخالفت قاضی بر این نکته تاکید کرد که متهمان پرونده تنها آن ۲۰ نفری نیستند که نامشان فاش شده است. رهامی خطاب به دادگاه گفت: «این قضیه، تنها منحصر به ۲۰ نفر نیست و دادگاه نظامی در تهیه کیفر خواست بایددقت بیشتری می‌کرد و باید رابطه بین اینها مشخص شود». کدام رابطه؟ رهامی این رابطه را توضیح می‌دهد: «در کیفرخواست نسبت به مسئولیت آقای میراحمدی هیچ اشاره‌ای نگردید. در کیفرخواست آمده است که سردار نظری با پاسدار انصاری تماس گرفته‌اند ولی در گزارش کمیته تحقیق آمده که سردار نظری تا چند دقیقه قبل از حمله به کوی با سردار لطفیان در تماس بوده‌اند. لطفیان به ایشان گفته‌اند عقب‌نشینی کنید این لغو دستور است و اگر سردار لطفیان گفته‌اند که بگویید، مسبب اصلی آیا مسئولیتش با خود ایشان است یا برمی‌گردد به آنهایی که در تماس بوده‌اند... قرائن نشان می‌دهد که لباس شخصی‌ها با دستور و هماهنگی ایشان هم وارد شده‌اند. یک هماهنگی در پشت قضیه همه اینها را ایجاد کرده و بحرانی را ایجاد کرد که زمینه‌ساز بحران بعدی شد که داشت برای کل نظام بحران ایجاد می‌کرد».

تهدید شاکیان توسط مهاجمان

در فاصله ۸ ماه گذشته مهاجمان به کوی دانشگاه با دستگیری، آزار و شکنجه و تهدید، صدها دانشجو را که در جریان یورش صدمه جانی و مالی دیده‌اند وادار کردند برای نجات جان خود از طرح شکایت و حضور در دادگاه خودداری کنند. دکتر حسین فیضی‌پور رئیس دانشگاه تبریز یکی از شاکیان است که به خبرنگاران گفته مهاجمان وی را تهدید کردند و وادار ساختند از شکایت خود صرف‌نظر کند. رامین کریمی دانشجوی سال آخر رشته حقوق دانشگاه تهران که در جریان حمله به شدت صدمه دیده، علیرغم تهدیدها، در نخستین جلسه دادگاه شرکت کرد و با اشاره به صحنه‌ای از یورش ماموران حکومتی به کوی دانشگاه گفت: «من به لحاظ مجروحیت در جبهه‌های جنگ قرص مصرف می‌کنم. شب هفدهم تیر خوابیده‌بودم که حدود ساعت ۷ صبح در به شدت باز شد و چندین نفر نیروی انتظامی و باطوم به دست وارد اطاق شدند و مرا به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند. خون از سر و صورتم جاری شده بود. ماموریـن بعد از چند مرحله کتک‌کاری من را از طبقه سوم با گفتن «یا حسین این را از ما بپذیر»، به پایین پرتاب کردند که باعث شکسته شدن چندین نقطه از پا و دستم شد. به دنبال این حادثه من رمقی نداشتم ولی با این حال ماموران نیروی انتظامی که عده‌ای با لباس شخصی هم همراه آنان بودند، گفتند مثل اینکه زنده است و شروع به ادامه کتک زدن کردند».

نوروزی شاکی دیگر گفت:«من نمی‌دانم به چه دلیل در اتفاقات چند ساعت اول حادثه کوی دانشگاه رسیدگی می‌شود». وی افزود:«واقعه مثل کابوس وحشتناک بود. اتاق‌ها به هم ریخته، شیشه‌ها شکسته و وسایل خرد شده بود. پدر من به تازگی مرحوم شده است اما تاثیر من در ماجرای کوی دانشگاه بیشتر از فوت پدرم بود. من خیلی بدی از نیروی انتظامی شنیده بودم ولی از روز حادثه کوی با دیدن هر مامور نیروی انتظامی حسی از نفرت به من دست می‌دهد و نمی‌توانم اعتقاد داشته باشم این ماموران حامی نظم جامعه باشند».

یکی از این شاکیان که در نخستین جلسه دادگاه مشاهدات خود را بیان کرده بود پس از خروج از ساختمان دادگاه در خیابان توسط دو نفر از «لباس شخصی»ها هدف حمله قرار گرفت و از ناحیه سینه و دست مصدوم شد. بدون شک این تهاجم فقط یک «بی‌قانونی» کم‌اهمیت و گستاخی برای گرفتن زهرچشم از یک شاکی نیست. نه این رویداد تصادفی است و نه همزمانی محکومیت شدید رهبران حزب ملت ایران با آغاز رسیدگی به اتهام عاملان حمله به کوی دانشگاه. همه این حوادث از یک چشمه آب می‌خورند و لباس شخصی پوش از همان مرکزی فرمان می‌برند که بر قوه قضائیه حاکم است. هدف قوه قضائیه از بررسی پرونده متهمان حمله به کوی دانشگاه پیش از آن رسیدگی به خواسته‌های دانشجویان باشد نوعی فرار به جلو و بستن پرونده ماجرای کوی دانشگاه است. کسانی که افسار قوه قضائیه را به دست گرفته‌اند و مخالفان سیاسی را به اتهام اقدام علیه نظام در جریان ۲۲ تیر ماه به اعدام و زندان محکوم می‌کنند، می‌دانند که به زودی با آغاز کار مجلس ششم طوفان تازه‌ای از راه خواهد رسید و مردم برای رسیدگی به کارنامه قوه قضائیه و تغییر ساختار آن مجلس را زیر فشار قرار خواهند داد. پیش از شروع طوفان آمران پشت‌پرده به فکر مختومه کردن پرونده افتاده‌اند.

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با ترور نمی‌توان راه اصلاحات سیاسی را بست!

سعید حجاریان عضو رهبری جبهه مشارکت ایران اسلامی، نائب رئیس شورای شهر تهران، مدیر مسئول روزنامه صبح امروز و مشاور رئیس جمهور صبح روز یکشنبه در ساعت ۸/۵ به هنگام ورود به ساختمان شورای شهر هدف اصابت گلوله مهاجمان قرار گرفت و به شدت مجروح شد. حجاریان بلافاصله به بیمارستان سینا انتقال یافت و تلاش پزشکان برای نجات جان وی ادامه دارد. مهاجمان دو نفر موتور سیکلت سوار بودند که بعد از سوقصد محل را سریعاً ترک کردند.

خبر سوقصد به جان حجاریان در ایران و خارج کشور بازتاب وسیعی داشت و نفرت و انزجار عمومی را علیه مهاجمان برانگیخت. توجه و تاثر افکار عمومی از این رویداد ناشی از نقش مهم حجاریان در رهبری اصلاح‌طلبان حکومتی و در میان روشنفکران دینی است. حجاریان در سالهای اخیر در مبارزه علیه دشمنان آزادی و نزدیکی اصلاح‌طلبان حکومتی به خواسته‌های مردم و پذیرش ضرورت توسعه سیاسی از طرف بخشی از نیروی مذهبی نقش برجسته‌ای برعهده داشته و روزنامه صبح امروز که با مسئولیت وی منتشر می‌شود یکی از روزنامه‌های موثر در شناخت و خنثی کردن توطئه‌های پیوسته خشونت‌طلبان علیه جنبش دوم خرداد بوده است. حجاریان در شکل‌گیری جبهه مشارکت ایران اسلامی، افشای چهره هاشمی رفسنجانی و مخالفت با حضور وی در لیست نیروهای دوم خرداد در انتخابات و پیروزی جبهه مشارکت نقش موثری داشته است.

سوقصد علیه حجاریان و همه کسانی که علیه اقتدارگرایان و کوتاه‌کردن دست آنان از قدرت برخاسته‌اند، دور از انتظار نبوده و نیست. همه شواهد نشان می‌دهد که حجاریان به دست عوامل نیروهای امنیتی و همان کسانی هدف سوقصد قرار گرفته که قتل‌های زنجیره‌ای را آفریدند. اگر برای معرفی آمران قتل‌ها و دستگیری و محاکمه عاملان ترور و خشونت با قاطعیت برخورد می‌شد ما شاهد گستاخی تازه عوامل امنیتی نبودیم و در میان خشونت‌طلبان این فکر عبث تقویت نمی‌شد که با حذف فیزیکی مخالفان قادر به حذف اندیشه و دوام عمر استبدادگران خواهند شد.

مهاجمان و آمران سوقصد علیه حجاریان را باید بلادرنگ به مردم [illegible] همه می‌دانند که مهاجمان از موتورسیکلتی استفاده کرده‌اند که آن نوع وسیله فقط در اختیار نیروهای امنیتی است و شهروندان عادی حق تردد با این موتور سیکلت را ندارند.

ما سوقصد به جان سعید حجاریان را محکوم می‌کنیم. امیدواریم وی از این ترور جان سالم بدربرد و خواهانیم شناسایی و معرفی آمران این اقدام غیر انسانی با قاطعیت پی‌گیری شود.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

حقوق بشر

مسئله داخلی هیچ کشوری نیست

ادامه از صفحه اول

ماجرا پیگیری نشود. گاه چنین فشارهایی مؤثر واقع می‌افتد (مانند قضیه قتل خلبان شخصی رفسنجانی در آلمان، ترور زنده‌یاد قاسملو در وین و اکثر موارد دیگر تروریسم دولتی جمهوری اسلامی در اروپا) و در مواردی نادر، قضات و دادستانهایی پیدا می‌شوند که وظیفه وجدانی و حرفه‌ای خود را بالاتر از مصالح دیپلماتیک دولت متبوع خود قرار می‌دهند.

وظیفه یک نیروی آزادیخواه و حقیقت‌جو، حمایت از چنین قضاتی است نه متهم‌کردن آنها به انواع و اقسام توطئه‌ها. اگر کسانی که در حکومت جمهوری اسلامی این روزها با شعار دفاع از حاکمیت ملی به قاضی بلژیکی حمله می‌کنند واقعاً دغدغه عدم دخالت بیگانگان در امور ایران را دارند و از تعقیب موارد نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی هراسی ندارند، باید از خواست رسیدگی به همه اتهامات علیه رفسنجانی و سایر سران جمهوری اسلامی توسط یک کمیته ملی حقیقت‌یاب با تمام توان دفاع کنند.

اکنون در جمهوری اسلامی وضع هنوز به گونه‌ای است که روزنامه‌نگاری مانند اکبر گنجی که سئوالاتی در باره عملکرد رفسنجانی مطرح کرده است، امنیت جانی ندارد و هر روز او را به ترور یا بازداشت تهدید می‌کنند. هر کس که می‌خواهد راه را بر دعاوی بعدی مشابه در دادگاههای خارج از ایران را ببندد، باید همین امروز شرایط طرح دعاوی علیه رفسنجانی در داخل ایران فراهم کند. ده‌ها هزار نفر از مردم ایران حاضرند به شرط تأمین امنیتشان و عادلانه‌بودن روند تحقیقات، دعاوی خود را علیه «عالیجناب» سردار سازندگی طرح کنند. این دعاوی از قتل نزدیکان تا شکنجه و زندانی‌شدن خود شاکیان را در بر می‌گیرد. علیرغم همه سوءاستفاده‌ای که مخالفان اصلاحات در ایران از اقدام دادگاه بلژیک کرده‌اند، این تصمیم قاضی بلژیکی حداقل این تأثیر مثبت را داشته است که در ایران در سطحی گسترده در باره دعاوی ایرانیان خارج از کشور علیه سران جمهوری اسلامی بحث می‌شود. تاکنون پرداختن به موارد نقض حقوق بشر در مطبوعات ایران، عمدتاً محدود به قتلهای «غیرقانونی» وزارت اطلاعات بوده است. اکنون وقت آن است که به فریاد آن دسته از هموطنانی نیز رسیدگی شود که ۲۰ سال است قربانی خودسری دستگاه امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی در زندانهای این رژیم شده‌اند.

اعتراض گسترده کارگران...

ادامه از صفحه اول

عنوان اعتراض به مصوبه مجلس نوارهای مشکی به سینه نصب کرده بودند. آنها در این اجتماع فریاد می‌زدند: اعتصاب، اعتصاب. کارگران می‌گویند که هدف اصلی عده‌ای آن است که قانون کار را به زیان کارگران تغییر دهند. احمدی رئیس کانون شوراهای اسلامی کار استان در همان گردهمایی گفت:«مجلس شورای اسلامی به جای تصویب طرح مغایر با قانون اساسی و مقاوله نامه‌های بین‌المللی، می‌بایست جزئیات طرح بازنشستگی پیش از موعد را تصویب کند و فکری به حال کارگرانی که ۲۷ ماه است حقوق نگرفته‌اند، بکند.» و اضافه کرد:«از این پس کارگران در اجتماعات اعتراض‌آمیز کارگران واحدهایی که حقوق نمی‌گیرند، شرکت خواهند کرد.» احمدی در این گردهمایی اعلام نمود:«یازدهم اردیبهشت (روز جهانی کارگر) نشان خواهیم داد که کارگران زنده هستند و با برپایی راهپیمایی سراسری با لباس کار و کفن، از حقوق صنفی خود دفاع خواهند کرد».

کارگران در بیانیه خود در گردهمایی جلو مجلس، قانون جدید مجلس را یکی از بدترین قوانین در تاریخ مجلس کشور خواندند و آن را مغایر با قوانین سازمان‌های بین‌المللی دانستند و از شورای نگهبان خواستند به عنوان صیانت کننده از قانون اساسی، مصوبه مجلس را رد کند. علاوه بر کارگران دولت و وزارت کار، خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار مخالف تصویب این قانون ضدکارگری بودند. نمایندگان بی‌توجه به این مخالفت‌ها و اعتراضات گسترده کارگری، تنها به خاطر تامین منافع کارفرمایان به این اقدام دست یازیدند.

کارگران کشور مصمم هستند که همچنان اعتراضات خود را علیه تصویب قانون ضدکارگری توسط مجلس شورا ادامه دهند.

پرده‌ی دوم خمیه شب‌بازی «پیگیری» قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای

هفته‌ی گذشته با تغییر مسئول قضایی رسیدگی به پرونده‌ی قتل‌های سیاسی زنجیره‌ئی در دادسرای نظامی تهران و تعیین کارشناسان وزارت اطلاعات رژیم به عنوان ضابطان این پرونده، پرده‌ی اول خیمه شب‌بازی «پی‌گیری» این قتل‌ها فرو افتاد و پرده‌ی دوم بالا رفت.

در پرده‌ی اول که قریب یک سال و نیم طول کشیده مسئولان معینی در رژیم کوشیدند که در اسرع وقت سر و ته قضیه‌ای را که به اصرار خاتمی برملا شده بود، هم بیاورند. آنان در چند دور، گروهی از عاملان و همدستان قتل‌ها را دستگیر کردند و به شیوه‌ی مألوف خویش بر متهمان آنگونه رفتار کردند که آنان بر آزادگان و دگراندیشان روا می‌داشتند. سناریویی برایشان نوشتند و به زور شکنجه و ارعاب و محرومیت از تماس با دنیای خارج، آنان را وادار کردند که بازیگر نقش‌هایی باشند که در بازی به آنها محول شده بود.

هفته‌ی گذشته ۱۶ تن از خانواده‌های متهمان قتل‌ها با ۸ تن از نمایندگان مجلس ملاقات کردند. آنان ادعا کرده‌اند که متهمان یک سال و سه ماه است که در زندان انفرادی به سر می‌برند، در این ۱۵ ماه شکنجه شده‌اند و اجازه‌ی ملاقات با بستگانشان را نداشته‌اند، از یکی خواسته‌اند اعتراف بگیرند که بهائی است تا راحت‌تر او را مهدورالدم معرفی کنند و همسر سعید امامی را آن‌قدر شکنجه کرده‌اند که اینک با دیالیز به حیات خود ادامه می‌دهد. خانواده‌ی متهمان خواستار برگزاری دادگاه علنی برای آنان و پاسخگویی آمران قتل‌ها شدند.

فیلم ویدئویی که بر مبنای این سناریو تهیه شد و قرار بود از سیمای جمهوری اسلامی پخش شود، به گواه گروهی از کارشناسان اطلاعاتی رژیم در وهله‌ی اول و نمایندگان مجلس در مرحله‌ی بعدی چنان مفتضح بود که آنان صلاح را در آن دیدند که مردم به عمق اقدامات نابخردانه‌ی آنان پی‌نبرند. ای کاش که این فیلم که در آن متهمان علاوه بر اعتراف به جاسوسی برای بیگانگان و توطئه بر ضدنظام از اقدامات غیراخلاقی (بسیار فراتر از آنچه که در واقع مرتکب شده بودند و قابل اثبات است) خود سخن گفته‌اند، از تلویزیون پخش می‌شد تا مردم به شناخت بهتری از ابلهانی که آنان را ابله می‌شمرند دست یابند.

اکنون پرده‌ی دوم نمایش بالا می‌رود. مقامی «مسئول» از سازمان قضایی نیروهای مسلح که نامش مشخص نیست اعلام می‌کند که متهمان قتل‌های زنجیره‌ای در سلامت در زندان به سر می‌برند و ادعاهایی مبنی بر زیر شکنجه بودن و از کار افتادن کلیه‌ی برخی از آنان کذب محض است. او اظهار امیدواری می‌کند که گروه جدید رسیدگی‌کننده که روشن نمی‌شود متشکل از چه کسانی است نسبت به تکمیل پرونده‌ی قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای با سرعت لازم و به طور جامع اقدام کنند. ادعای این مقام «مسئول» مبنی بر عدم کاربرد شکنجه در مورد متهمان به قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای هشدار دهنده است. همه می‌دانند که تا امروز نیز اِعمال شکنجه در زندان‌های رژیم نه تنها برای گرفتن اطلاعات و اعترافات، بلکه برای مسخ شخصیت دربندافتادگان، اقدامی عادی و روزمره تلقی می‌شود، همانگونه که هیچ‌کس باور نمی‌کند که دانشجویان بازداشت شده به دنبال وقایع ۱۸ تا ۲۳ تیرماه امسال زیر شکنجه قرار نگرفته‌اند، کسی هم باور نمی‌کند که متهمان قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای شکنجه نشده‌اند.

اظهارات مقام «مسئول» سازمان قضایی نیروهای مسلح، نگرانی آزاداندیشان و خانواده‌های قربانیان قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای را برطرف نمی‌کند. تمام شواهد نشان می‌دهد که بررسی پرونده از دستی درون رژیم به دستی دیگر سپرده شده است تا آنان نیز دور از چشم پی‌جوی وکیلان خانواده‌های قربانیان و همراهان آن، سناریویی دیگر را بنویسند و با «نرمش» بیشتری متهمان را مجبور به بازی نقش تعیین شده بنمایند. اما بعید است که آنان در نمایش این پرده از خیمه شب‌بازی خویش نیز موفق باشند. مردم کشور ما بارها و بارها نشان داده‌اند که هشیارتر از آن‌اند که بتوان هر هجوی را به آنان قبولاند. ▣

چه کسی رئیس مجلس می‌شود

نگاهی به وضعیت کاندیداهای ریاست مجلس ششم

تاکنون رسم بر این بوده است که نماینده اول تهران ریاست مجلس شورای اسلامی را برعهده گیرد، اما در مجلس ششم درآمده است و محافل قدرتمندی مایلند این رابطه ساده و منطقی را وارونه سازند و نفر آخر تهران را در راس مجلس بنشانند. انتخاب رییس مجلس ششم در واقع نخستین چالش بزرگ میان محافظه کاران و اصلاح‌طلبان در مجلس جدید است که هر چند هنوز وارد مراحل نهایی و تعیین‌کننده خود نشده است، اما زورآزمایی‌های اولیه در مورد آن مدت‌هاست جریان دارد.

بخشی از اصلاح‌طلبان، زمانی که شکست سنگین رفسنجانی اتفاق نیفتاده بود و از او به عنوان کاندید اول و بدون رقیب ریاست مجلس نام برده می‌شد، کوشیدند زمینه را برای محدود کردن اختیارات رییس مجلس و فروکاستن نقش او تا حد سخنگوی پارلمان فراهم سازند، اما به خوبی معلوم بود که در سلسله مراتب قدرت در حکومت اسلامی چنین تلاشی جز با تغییر ساختار هرم بالای قدرت امکان‌پذیر نخواهد بود و چنین تغییری دست‌کم در آینده نزدیک ناممکن است. رییس مجلس مطابق قوانین، یکی از پنج مرد قدرتمند جمهوری اسلامی است که در مهم‌ترین سطوح تصمیم‌گیری حضور دایم دارد و از همین روست که حساسیت بیشتری نیز در مورد گزینش آن پدید می‌آید.

سوی بخشی از حکومت به عنوان مناسب‌ترین رییس مجلس آینده مطرح می‌شود و شکست سنگین او در انتخابات نه باعث شده است که محافظه کاران از پیش انداختن او صرف‌نظر کنند و نه خود وی در عطش سیری‌ناپذیرش به سوی قدرت تجدیدنظری نماید. در حالی که برخی از خیرخواهان رفسنجانی به او توصیه کرده‌اند از داعیه ریاست مجلس بگذرد و به صورت یک «نماینده عادی» دوران چهار ساله وکالت خویش را طی کند، از محافل محافظه کار نزدیک به وی خبر می‌رسد که او و دوستان محافظه کارش از این شکست هیچ نیاموخته‌اند. آقای امیر محبی عضو شورای سردبیری روزنامه رسالت گفته است رفسنجانی تصمیم دارد کاندیدای ریاست مجلس بشود و «تا آخر خط» پیش رود.

جبهه مشارکت اسلامی، اصلی‌ترین رقیب هاشمی رفسنجانی و جریانی که به اعتقاد خیلی‌ها عامل اصلی در «زمین زدن» رفسنجانی بود، موضع مخالفت خود را با ریاست وی کماکان حفظ کرده است. محمدرضا خاتمی دبیرکل این جبهه در آخرین اظهارنظرهای خود نیز تایید کرده است کاندیدای این جبهه برای ریاست مجلس، تنها از میان لیست انتخاباتی این جبهه خواهد بود.

محافظه کاران تاکنون موضع صریح و کمتر مورد مناقشه‌ای داشته است، در درون جبهه خود درگیر اختلافاتی فرساینده است. این اختلافات بیش از همه با رقیب قدرتمندی به نام مجمع روحانیون مبارز در جریان است. شنیده‌ها حاکی است روحانیت مبارز بر کروبی پافشاری می‌کند. مهدی کروبی کسی است که می‌تواند انتخاب دوم محافظه کاران نیز باشد. مواضع او بگونه‌ای است که بیشترین نزدیکی را در طیف دوم خردادی‌ها با روحانیت مبارز دارد، چهره‌ای است روحانی و به تعبیر روزنامه جمهوری اسلامی «امتحان پس‌داده» که گول شعارهای دل‌فریب را هم نمی‌خورد، هر چند صباحی به «لیبرال»ها حمله می‌کند و خطر «تکرار مشروطه» را نیز یادآور می‌شود و مهم‌تر از همه این‌ها، مواضع سفت و سخت و خصمانه‌ای علیه آیت‌الله منتظری دارد. این احتمال وجود دارد که با پیچ خوردن موضوع، حمایت مشترک محافظه کاران و «چپ سنتی» مهدی کروبی را بار دیگر بر صندلی ریاست مجلس قرار دهد.

به همان دلایل که محافظه کاران به مهدی کروبی علاقه دارند، جبهه مشارکت اسلامی می‌داند تن دادن به ریاست او مشکلات بزرگی را جوانان رادیکالی که این حزب بر آنها متکی است و کروبی را تا رده‌های پایینی فهرست تهران فروکشیدند، به وجود می‌آورد. تمایل این حزب به محمدرضا خاتمی است. هم دبیرکل این حزب است و هم نفر اول تهران. اما محمدرضا خاتمی به همان اندازه که در جبهه مشارکت اسلامی محبوب است، مورد مخالفت دو قطب دیگر مجلس یعنی محافظه کاران و کارگزاران سازندگی قرار دارد. کارگزاران سازندگی حتی حاضر نشدند او را در بین سی نفر لیست خود در تهران قرار دهند. مشکل دیگر محمدرضا خاتمی آن است که برادر رییس‌جمهوری است و خیلی‌ها خوشایند نمی‌دانند دو برادر در راس دو قوه از سه قوه اصلی حکومت باشند.

این مشکل را هادی خامنه‌ای نیز دارد، هر چند از او نیز به عنوان یکی از کاندیداها نام برده می‌شود. مواضع فعالانه او در روزهای پس از انتخابات به این گمان دامن می‌زند که او نیز به صندلی ریاست چشم دوخته است. شاید اگر کار به توافق روحانیون مبارز و جبهه مشارکت بستگی یابد، او کاندیدای پرشانس‌تری نسبت به مهدی کروبی و محمدرضا خاتمی باشد.

بهزاد نبوی چهره بعدی است. او این توفیق را داشته است که در جبهه دوم خرداد قرار بگیرد و دبیر هماهنگی این ائتلاف برای انتخابات باشد که نشانه میزان بالایی از مقبولیت او در بین دوم خردادی‌هاست. اما در کارنامه بهزاد نبوی دو امتیاز منفی نیز وجود دارد. اولا محافظه کاران از دوران دولت‌های رجایی و موسوی با او دشمنی داشته‌اند و نام او هنوز نیز حساسیت آن‌ها را برمی‌انگیزد. و دوم این که بهزاد نبوی روحانی نیست. وی در میان نیروهای بیرون از طیف حکومت نیز به دلیل مواضع بسته خود چندان محبوب نیست، هرچند این عدم محبوبیت در تصمیم تصمیم‌گیرندگان جایی ندارد.

در میان کاندیداهای احتمالی ریاست مجلس ششم، گاه به گاه نامی هم از جمیله کدیور برده می‌شود. محافظه کاران گفته‌اند که این یک «شوخی» است که جبهه مشارکت برای امتیازگیری بیشتر از رقیب بر سر زبان‌ها انداخته است. در این مورد شاید حق با آن‌ها باشد. در جمهوری اسلامی ایران ریاست یک زن بر مجلس بیشتر به شوخی می‌ماند، حتی اگر آن زن جزو انتخاب‌های اول مردم پایتخت باشد! ▣

خواست‌های میلیون‌ها زن بی‌پاسخ مانده است

● کارنامه دولت اصلاح‌طلب در رفع ستم از زنان:

چیزی برابر صفر!

دو سالی است که زن ایرنی با قلبی پرشورتر و سری برافراشته‌تر به استقبال هشت مارس می‌رود. هشت مارس روز جهانی زن است و این روز سمبلی است برای زنان که در راه احقاق حقوق خود و برخورداری از برابری‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و خانوادگی مبارزه می‌کنند. زنان ایران سربلندند که در این دو سال در این جهت و در جهت از میان بردن استبداد که پایه همه این نابرابری‌ها است چنان کرده‌اند که نام زن ایرانی، این بار نه از سر دلسوزی، که با احترام و ستایش بر سر زبان‌ها در سراسر جهان جاری است

همه آگاهان، مفسرین و تحلیل‌گران داخلی و خارجی مسایل ایران در این عقیده متفقند که زنان ایرانی یکی از ستون‌های هر تحولی بوده‌اند که از دوم خرداد تا به امروز میهن ما را در نوردیده و امید به آینده را در آن بارور ساخته است، هم در پیروزی عظیم دوم خرداد و هم در پیروزی عظیم‌تر ۲۹ بهمن، زنان یک نیروی پیشرو و تعیین‌کننده بوده‌اند.

این قاطعیت، شور و اراده از سال‌ها تحمل نابرابری‌هایی بدست آمده است که در جهان امروزی ما شاید جز یکی دو کشور نمونه دیگری برای آن نتوان یافت. زنان ایرانی که بیست سال بزرگ‌ترین تحقیرها و نابرابری‌ها را تحمل کردند، در نخستین فرصت چنان کردند که جهانیان را به تحسین خویش واداشتند و نام زن ایرانی را سربلند کردند

از همه این فداکاری‌ها هنوز نتیجه معینی به دست نیامده است. برای زنان به مفهوم یک «زن» هنوز دوم خرداد و جریان رسمی اصلاح‌طلبی هیچ به همراه نیاورده است. زنان هنوز درجه دو محسوب می‌شوند و در کشوری که همه مردمش درجه دو هستند، تبدیل شدن به نیمه انسان بسیار دشوارتر است. در قوانین حقوقی جمهوری اسلامی که رسما برابری زن و مرد را نقض می‌کند، کوچکترین تغییری به وجود نیامده است و بر محدودیت‌های آن افزوده هم شده است. در همین دو سال ممنوعیت «استفاده ابزاری» از زن و جدایی امور درمانی او از هیچ زنی نتوانسته است از سطح نمایندگی مجلس بالاتر رود. درهای دولت و مقامات بالای قوه قضاییه بر روی زنان بسته است و حتی روزی که همه زنان جهان به آن دلخوش دارند و پاسش می‌دارند، برای زن ایرانی ممنوع است. میلیون‌ها زن کارگر و زحمتکش، بدون برخورداری از هیچ حمایتی بار سنگین تامین زندگی‌هایی را بر دوش می‌کشیدند که هر لحظه دشوارتر می‌شود.

کارنامه اصلاح‌طلبان حکومتی در رسیدگی به ده‌ها مساله و مشکل عمومی زنان و ویژه زنان ایرانی، چیزی نزدیک به صفر است. در انواع وعده‌هایی که آنان برای آینده می‌دهند نیز، کمتر نام و نشانی از مشکلات ویژه زنان و قصدی برای تعدیل نابرابری‌های جنسی دیده می‌شود. شاید همین واقعیت تلخ، خود دلیلی باشد که زنان ایرانی را از اصلاح‌طلبی سرخورده سازد. اما در ایران درست برعکس، زنان میدان‌دار هر اعتراض و پیشگام هر تحول هستند. آنان برای این اعتراضات و برای این تحولات انگیزه‌های بسیاری دارند

زنان ایران در دو سال و نیم اخیر بهتر دریافته‌اند که اگر راهی برای دستیابی آنان به خواست‌هایشان و از میان بردن نابرابری‌ها و ستم جنسی باشد، همان راهی است که آنان برگزیده‌اند و رو به دموکراسی دارد. مطالبات ویژه آنان هر چه شفاف‌تر و صریحتر باشد، بر دامنه جنبش دموکراتیک می‌افزاید و چنین نیست که باید برای تحقق آنان منتظر ظهور فرشته نجاتی به نام «دموکراسی» بود. از همین رو بی‌توجهی کامل سردمداران جنبش اصلاح‌طلب کشور به مسایل و مشکلات زنان را نباید در درایت و درک به موقع آنان از مراحل پیشبرد شعارها، مطالبات و خواست‌های فوری و مبرم جنبش دموکراتیک دانست و باید در عدم درک اهمیت مساله زنان از سوی آنان ارزیابی کرد. طرح خواست‌های ویژه زنان به صورت هر چه شفاف‌تر در جامعه و گسترش دادن به جنبش مستقل زنان برای احقاق حقوق خود جنبش دموکراتیک در کشور ما را غنای بیشتری می‌بخشد و حامیان آن را به دفاع از حقوق زنان بیشتر متقاعد می‌کند.

آزادی پوشش در خانه، خیابان و مجلس

هفته‌ی گذشته این سخن خانم طاهره رضازاده‌ی شیرازی نماینده‌ی منتخب مجلس ششم از شیراز و همسر ابراهیم اصغرزاده عضو شورای شهر تهران که گفته بود قصد دارد پوشش کنونی خود در اجتماع را حفظ کرده، با مانتو و روسری وارد مجلس شود، مسئله‌ی آزادی پوشش در محدوده‌ی معینی را بار دیگر در جامعه مطرح کرد. با این سخن چند گونه برخورد شد. سنت‌گراهایی چون مرضیه دباغ و عباس عباسی نمایندگان راه نیافته به مجلس ششم به ارعاب دست زدند. مرضیه دباغ گفت هر نماینده‌ای که بدون چادر وارد مجلس شود با کتک روبرو خواهد شد و عباسی اظهار داشت که همه زنان اعم از نماینده و غیرنماینده باید چادر به سر کنند.

کسانی چون فاطمه کروبی راه میانه‌ئی پیش گرفتند و به مصلحت ندانستند که خانم‌های نماینده بدون چادر وارد مجلس شوند. اما اصلاح‌طلبان حکومتی از هادی خامنه‌ای گرفته تا جمیله کدیور حضور بانوان نماینده در مجلس را به همان شکلی که در انظار ظاهر می‌شوند و در پوسترهای تبلیغاتی انتخابات مجلس عکسشان چاپ شده است، مجاز دانستند.

بحث آزادی پوشش در جامعه‌ی ما از دیرباز همواره مطرح بوده است در اوایل این قرن رضاشاه پهلوی با اِعمال زور، بسیاری از زنان و دختران را مجبور به «کشف حجاب» کرد و جمهوری اسلامی از بدو تأسیس به زور سعی کرد که «حجاب» یا پوشش دلخواه خود را به زنان تحمیل کند. اما با گذر از یک فراز اکنون چند سالی است که زنان مبارز میهنمان به تدریج از طریق ابتکارات خود تنوعی در شکل و رنگ لباسشان پدید آورده، حدفاصل پوشش خود در خانه و خیابان را کاهش داده‌اند. اما با این حال بخش قابل توجهی از مردم میهن ما اعم از مردان و زنان هنوز هم قادر نیستند آن‌گونه که می‌خواهند لباس بپوشند. آنان مترصد فرصت‌هایی هستند که با استفاده از آن بتوانند با حجاب تحمیل شده به ایشان در حد امکاناتشان مقابله کنند. روزهای جشن و شادی عمومی همواره بهترین فرصت‌هایی بوده‌اند که جوانان از آن استفاده کرده‌اند. دور از انتظار نیست که در این روزها که با چهارشنبه سوری آغاز و با سیزده‌بدر به اتمام می‌رسد زنان و به‌خصوص دختران جوان آزادانه‌تر در اجتماع ظاهر شوند و چه بسا در جاهایی حجاب از سربرگیرند. اما آنها در عین حال از آن بیم دارند که نیروهای «شبه فاشیستی» چون باند مسعود ده‌نمکی و ع.پناه با حملات فیزیکی خود به شادی آنان لطمه زنند. با این حال همه‌ی شواهد نشان می‌دهد که در این عرصه نیز زورگویان ره به جائی نخواهند برد و ناچار به عقب‌نشینی و تن دادن به خواست مردم خواهند بود. ▣

www.iran-archive.com

آن زمان موعود کی می‌رسد یا شاید که گذشته است

شهلا فرید

باز هم یک استدلال قدیمی، ابتدا دمکراسی و حق حاکمیت مردم بایستی حل شود و پس از حل مسائل کلان نوبت به زنان خواهد رسید. استدلال آقای باقی تکان دهنده‌تر است. ایشان مدعی هستند که میان اجزای گوناگون نظام اجتماعی تعادل کارکردی برقرار بوده است و در حقیقت می‌گویند که زنان در کشور ما لایق همان حد از حقوقی هستند که از آن برخوردارند.

دراین استدلال که پس از حل مسائل کلان نوبت زنان خواهد شد، درک ناقص و غیر واقعی از اصلاحات خود را می‌نمایاند. در این درک راه اصلاحات نه از طریق شکل‌گیری نهادهای مدنی و تشکل شهروندان و مبارزه همه‌جانبه برای حقوق دمکراتیک و حقوق زنان، ... می‌گذرد بلکه اصلاحات جاده باریکی است که گویا نخبگان در آن راه می‌پیمایند و در دو سوی آن خیل مردم نقش تماشاچیانی را دارند که بایستی در صورت نیاز نقش مشوقان را ایفا کنند و این نخبگان و در اینجا روشنفکران دینی هستند که تعیین می‌کنند اکنون کدام مسئله اولویت دارد. روشن نیست که چگونه می‌توان برای اصلاحات رزمید ولی در مقابل قوانین قرون‌وسطایی تحمیلی بر زنان سکوت کرد. آقای باقی در مصاحبه خود می‌گوید که «دموکراسی فارغ از مفهوم جنسیت» است.

آیا سرکوب‌کنندگان آزادی و دموکراسی نیز در بیست سال گذشته فارغ از مفهوم جنسیت عمل کرده‌اند و سرکوب حقوق مردم فارغ از مفهوم جنسیت بوده است. آیا زنان از همان روزهای اول جزو اولین قربانیان سرکوب حقوق نبوده‌اند و بیشترین فشارها را در این مدت تحمل نکرده‌اند؟

در حالی که زنان از نظر سیاسی، اجتماعی، حقوقی و قضایی در جامعه بشدت از تبعیض رنج می‌برند، روشنفکران دینی می‌گویند که هنوز باید منتظر حل مسائل کلان بمانند و مسائلشان در دستور نیست. اگر در کشوری مانند ایران و در شرایطی که زنان کشور ما درگیر آن هستند، مسائل زنان در دستور نیست، می‌توانید بگوئید چه شرایطی باید بوجود بیاد که مسائل‌شان در دستور قرار گیرد.

آقای عمادالدین باقی می‌گوید: «میان بافت جامعه، سطح توقعات زنان، نقش‌های اجتماعی آنان و امکانات و توانایی‌هایشان شکاف وجود ندارد». البته این موضع آقای باقی از این نظر کاملا بی‌تناقض است، در صورتی که معتقد باشد که بین آن چیزی که هست و آن چیز که باید باشد شکافی وجود ندارد، در این صورت سکوت در مقابل آنچه که بر زنان می‌رود، کاملا منطقی و معقول می‌نماید. در این صورت این مسئله ناروشن است که اگر این تعادل کارکردی برقرار بوده است، چگونه در بیست سال همواره بحث زنان از پرتنش‌ترین مسائل بوده و یا شاید مبارزات زنان و همچنین شرکت فعال آنان دراین دو ساله روند تحولات صرفاً به منظور دستیابی به یکسری حقوق واهی و غیر مربوط بوده است.

آقایان اصلاح‌طلب، زمان طرح بحث‌های حقوق زنان نرسیده است یا مدتهاست که بایستی مطرح می‌شده و شما از روند آن عقب مانده‌اید و یا اینکه به رفع تبعیضات جنسی معتقد نیستید و در این صورت به زنانی که از این دستور سرپیچی کرده و طلب حقوق می‌کنند چه جوابی می‌دهید؟ آیا بایستی با دستورات شداد و غلاظ سعی کنید آنان را سرجایشان بنشانید. در این صورت یکبار دیگر باید جایگاه خود را بررسی کنید. ▣

مسئله زنان از منظر روشنفکران دینی

عمادالدین باقی:
مسئله زنان: کدام مسئله؟

«با توجه به اینکه زنان نیمی از پیکر اجتماعند و در همه اقشار و اصناف توزیع می‌شوند، اگر پدیده‌ای بنام مسئله زنان وجود داشته باشد، مرکز توجه همگان خواهد بود. موضوع زن، احکام مربوط به آن ... در فقه و علوم اجتماعی و ادبیات به‌طور طبیعی مانند دهها موضوع دیگر مطرح بوده‌اند اما زن به مثابه یک مسئله چنان‌که جنبش فمینیستی به آن می‌پردازد، در جامعه ایرانی مطرح نبوده است.

نخست باید این پرسش را درافکند که چرا در چند دهه گذشته همواره انگاره‌های فمینیستی یا مسئله زنان طرح شده، در بازار عرضه و تقاضای ایران طالبانی نیافته و جامعه زنان را برنینگیخته است. ... به دلایل جامعه شناختی، چنین استعداد فراگیری برای پیدایش مسئله‌ای بنام زنان در ایران فراهم نیامده است، زیرا در جامعه سنتی ایران میان اجزای گوناگون نظام اجتماعی تعادل کارکردی برقرار بوده است و میان بافت جامعه سطح توقعات زنان، نقش‌های اجتماعی آنان و امکانات و توانایی‌هایشان شکافی وجود ندارد».

عباس عبدی:

روشنفکر دینی و مسائل فوری‌تر از مسئله زنان

«به نظر من روشنفکر دینی، به طور کلی، با دو مسئله اصلی مواجه است: یکی دمکراسی و حق حاکمیت مردم و دیگری اندیشه دینی و حواشی آن. قدر مسلم آن است روشنفکری دینی در رویارویی با هر دو مسئله خواه‌ناخواه با مسئله زنان مواجه خواهد شد. اما این جریان در شرایط کنونی برای حل دو مسئله فوق با مسائل فوری‌تر و کلان‌تری روبروست که فارغ از مفهوم جنسیت است.

راه حل «مسئله زنان» قبل از حل کلیت دو مسئله مذکور، یعنی دموکراسی و انتظارات از دین برای روشنفکری دینی بی‌معنا خواهد بود مگر آن که بتوان از مسئله زنان به عنوان ابزاری برای حل آن در مشکل اساسی استفاده کرد».

برگرفته از مجله زنان

از ضد قدرت بودن تا نزاع بر سر سهم در قدرت

کریستاویشتریش*

ربع قرن سیاست بین‌المللی زنان درباره دستاوردها، اهداف و مشکلات سازمان‌های غیردولتی زنان در شمال و جنوب

دوره نوین سیاست بین‌المللی زنان ۲۵ ساله شد. این دوره با سال ۱۹۷۵ که سازمان ملل متحد آن را «سال بین‌المللی زنان» نامید، شروع می‌شود. در مقابل این *امر عکس‌العمل دوجانبه‌ای بروز پیدا کرد.* بر مشکلات ساختاری توسعه و بیش از همه در مقابل فقر جستجو شد، و از سوی دیگر جنبش نوین زنان در غرب نهادهای دولتی کشور خود و سازمان ملل را برای پذیرفتن توافقاتی تحت فشار قرار دارند. سال بین‌المللی زنان به دهه زنان تبدیل شد. سه کنفرانس سازمان ملل آغاز، نیمه و پایان دهه زنان را رقم می‌زند و این کنفرانس‌ها تبدیل به عرصه توافقات سیاسی شد که از درون آن جنبش جهانی نوین زنان برون آمد.

«سنیورا لطفا به من بگویید وضعیت شما شباهتی به وضعیت من دارد»؟

اولین کنفرانس جهانی زنان در مکزیکو تشکیل شد و موازی با آن سازمان‌های غیردولتی زنان NGO شکل گرفتند. از این زمان روند پرتنش سمت‌گیری‌های گوناگون و سازمان‌یابی‌های گروه‌های زنان از همه قاره‌ها و فرهنگ‌ها آغاز شد. اولویت‌های متفاوتی که گروه‌های مختلف در مقابل خود گذاشتند و ادعای رهبری فمینیست‌های غربی تا حدی «نزاعات خواهرانه» را به سمت آشتی‌ناپذیر هدایت کرد.

دومیتلا باری دو کونگار همسر یک معدن‌چی بولیویایی مسئله روز را این طور بیان می‌کند، او خطاب به یکی از زنان طبقه ممتاز مکزیکی می‌گوید:

«سنیورا لطفا به من بگویید وضعیت شما شباهتی به وضعیت من دارد؟ در مورد کدام برابری ما صحبت می‌کنیم؟ گویا نمی‌دانید که دراین لحظه ما به عنوان زنان نیز نمی‌توانیم برابر باشیم؟»

در سال ۱۹۸۰ در کپنهاک نیز در ابتدا اختلافات بیش از تفاهم‌ها بروز یافتند، تیتر درشت بحث‌های کنفرانس این مضمون را داشتند: «به زنی که آب آشامیدنی، تغذیه و سرپناه ندارد، موعظه کردن فمینیسم بی‌معنی است.»

هم زمان این آمادگی که زنان با مشکلات مختلف، آرزوها و اهداف متفاوت یکدیگر را بهتر درک کنند، گسترش یافت و اولین تارهای پیوند جهانی تنیده شد. ماری آنجل ساوانه از سنگال می‌گوید:

«علیرغم تمام مشکلات ما به خواهری اعتقاد داریم»

«فمینیسم نمی‌تواند در موضوعات، اهداف و

جوانه‌های «خواهری که در کپنهاک زده شده بودند در نایروبی به بار نشستند. «آنچه که ما را به هم پیوند می‌دهد، بیش از چیزهایی است که ما را از یکدیگر جدا می‌کند.»

و تمایل به اتحاد و همبستگی بر تمایلات دیگر غلبه کرد.

درین زمان مسایلی مانند سلاح‌های اتمی، تخریب محیط زیست، تکنولوژی مدرن شناخت مشکلات زنان را تحت‌الشعاع قراردادند.

ولی اولین بار در تاریخ جنبش جهانی زنان، زنان جنوب بیشترین تاثیر را در تعیین سمت بحث‌ها داشتند. شبکه زنان جنوب DAWN کلید غلبه بر قطب‌بندی قدیمی را ارایه داد: «فمینیسم نمی‌تواند در موضوعات، اهداف و استراتژی بر سنگ بنای یگانه‌ای استوار باشد.»

از طرف DAWN طرح قدرت‌زدایی ارایه شد که برای سال‌های آتی استراتژی را ترسیم کرد: مسئله قدرت بین دو جنس، در درون جوامع جداگانه و ملیت‌ها و در بلوک‌های قدرت از نو در دستور قرار گرفت. مسئله سازمان‌یابی زنان از کوچکترین واحدها تا بالاترین سطح سیاسی به عنوان استراتژی مرکزی در ساختار قدرت مورد توجه واقع شد.

فرا روئیدن از متقاضیان حق به فعالان

خوش‌بینی اوایل دهه درباره نهادینه کردن سیاست زنان و پیشرفت روند برابری به دلیل بیلان منفی که در سال ۱۹۸۵ عرضه شد، درهم‌شکست. به جای آن اتکا به خود جدیدی که ناشی از قدرت کار جمعی جنبش زنان در نتیجه ارتباطات فرهنگ‌های مختلف بود، شکل گرفت.

بتی فریدان در مورد تحرک بین‌المللی چنین می‌گوید: «اکنون نه پایان یک دهه، که آغاز یک جنبش به تمام معنی است.» آنگاه که سازمان ملل پس از پایان‌گیری نظام دوقطبی جهانی، یک سری کنفرانس‌های بزرگ را برای پاسخ‌گویی به مشکلات جهانی مانند محیط زیست و توسعه سازماندهی و برگزار کرد، شکبه جهانی زنان به صحنه سیاسی با هدف مشارکت وارد شد. برای اولین بار آنها این هدف را به طور سیستماتیک دنبال کردند که به عنوان یک جریان اصلی، صرفا نه تنها در مسایل خاص زنان به عنوان [illegible] دیدگاه زنان در تمام سطوح سیاسی حضور پیدا کنند. هم زمان سازمانهای زنان زیادی به طرح‌های حقوق بشر جذب شدند، آن‌ها حقوق بشر را از زاویه فمینیستی دوباره تعریف کردند و گسترش دادند، بدین طریق آنها حرکت جدیدی را آغاز کردند و آن حرکت از موضع حقوق اولیه به جای حرکت از موضع احتیاجات اولیه بود.

ازین پس زنان نه به عنوان تقاضا کنندگان بلکه به عنوان بازیگران جامعه مدنی حضور یافتند، که خواست‌های حقوقی را نمایندگی می‌کردند، خواست‌هایی از قبیل حق آموزش، حق سلامتی و حق رهایی از خشونت. تفاوت دهه ۹۰ با دهه زن (دهه هشتاد) در سازمان‌یابی حول کنفرانس‌های سازمان ملل و با سمت‌گیری دخالت فعال‌تر در سیاست بود.

«استراتژی خواهرانه» تاکتیک مرکزی شد، سیاست گام‌های کوچک برای تاثیرگذاری بر اسناد و مذاکرات مبنا قرارگرفت.

«جنبش اعتراضی به جنبش پروژه‌ای تبدیل می‌شود.»

مد سیاسی پیش‌گفته تغییراتی در سازمان‌ها و جنبش‌های زنان را باعث شدند، تعداد زیادی خیابان‌ها راترک کردند و مارش طولانی به سوی نهادها را شروع کردند و جنبش اعتراضی تبدیل به جنبشش پروژه‌ای شد، که بیش از پیش تخصصی کار می‌کردند و برخی از وظایف اجتماعی دولت‌ها را به عهده گرفتند.

آنها که در دهه ۸۰ تلاش کردند علیه ساختار پدرسالاری و دولت، قدرت‌های مستقل برپا کنند، اکنون برای شرکت منادینه شده در قدرت می‌رزمیدند.

«دگرگونی از طریق مشارکت» استراتژی جدید DAWN در چهارمین کنفرانس جهانی پکن در سال ۱۹۹۵ بود که در آن هدف رهایی با دگرگونی و مشارکت پیوند خورده بود. سازمان‌های غیردولتی زنان پکن به بزرگترین مجمع تحرک و سازمان‌دهی مدنی زنان تبدیل شدند. بیش از ۳۰ هزار مجموعه که تنوع جهانی سیاست زنان را منعکس می‌کردند، تنوع و کثرت‌گرایی بدین‌گونه معنی یافت: «تنوع ما قدرت ماست» و بدین گونه تفاوت‌ها و حتی تناقضات پذیرفته‌شد و هم‌چنین [illegible]

بحث اصلی حول سه محور بود: حقوق بشر و حقوق زنان، تجارب خشونت در شیوه‌های مختلف و دموکراتیزه کردن، این سه محور در اسناد پایانی کنفرانس و برنامه عمل آن نیز بازتاب یافت. این محورها توانستند راهنمای عمل سیاست زنان در سطح جهانی شوند. البته در ابتدا این‌ها چیزهایی به روی کاغذ و برنامه تبلیغاتی بیش نیستند. سئوال اساسی این است آیا این خواست اعلام‌شده سیاسی رژیم‌ها از حربه تبلیغاتی فراتر می‌رود.

«فمینیزه شدن فقر و مسئولیت اجتماعی»

۳ سال پس از کنفرانس پکن، شبکه بین‌المللی توسعه زنان WEDO که در نیویورک است، گزارشی را منتشر کرد: دوسوم دولت‌ها برنامه‌های اجرایی را تصویب کردند، یک سوم معیارهای سیاسی و حقوقی برای حل مسئله را معین کردند، هم زمان تغییر ساختارهای اقتصادی و گلوبالیسم به طور فزاینده‌ای به عامل تهدیدکننده برای اجرای برابری حقوق زنان در عرصه‌های سلامتی، آموزش و اشتغال تبدیل شدند. این دو عامل به طور کلی برابری جنسی را به خطر می‌اندازند. سازمان‌های غیردولتی زنان در بسیاری از کشورها، نیروی محرکه اجرای تصمیمات پکن بودند. بیش از همه استراتژی اعمال فشار در راستای تغییر قوانین علیه خشونت بر زنان، علیه تجارت زنان و کودکان و برای سلامتی و بهداشت و شرکت در قدرت موفقیت‌آمیز بود.

در ماه ژوئن امسال سازمان ملل بیلان ۵ ساله را ارائه می‌کند.

بزرگترین دستاورد جنبش جهانی زنان در ربع قرن گذشته این بود که موضوع خشونت علیه زنان به عنوان نقض حقوق بشر در سطح بین‌المللی، مطرح شد و به عنوان یک مسئله سیاسی به آن نگریسته شد. مبارزه علیه خشونت بر زنان راهنمای عمل زنان سازمان‌های غیردولتی در سال‌های آینده است. زیرا که طلب حقوق زنان هم‌چون دموکراسی پروژه ناتمامی است، بر اساس محاسبه سازمان ملل با شتاب فعلی زنان در سطح جهان ۴۷۰ سال وقت لازم دارند که به شرکت برابر در تصمیم‌گیری‌ها و آرایش قدرت دست‌یابند.

تاکنون زنان فقط در عرصه سیاست‌های نرم، مانند موضوعات اجتماعی یک‌پا به درون گذاشته‌اند، در موضوعات اقتصادی و سیاست‌های سخت آنها هنوز پشت در مانده‌اند.

تغییر ساختارهای اقتصاد ماکرو و سیاست ماکرو مقاومت علیه لیبرالیزه کردن و خصوصی‌سازی و یا حذف تامین اجتماعی مسئله مرکزی سیاست زنان در [illegible] روشن‌تر می‌شود که گلوبالیسم رفاه وعده داده شده و برابری را به ارمغان نیاورده است بلکه بدانسو هدایت شده است که فقر و فمینیزه شدن فقر افزایش یابد و هم‌چنین البته مسئولیت‌های اجتماعی زنان و تحمیل کار بدون مزد و یا کم‌مزد بر زنان نیز افزون‌تر شود.

شمال: فمینیسم در جستجوی ترقی
جنوب: فمینیسم برای حفظ حیات خود

این مسئله اکنون برجسته است که سازمان‌های زنان مبارزات خود را در آینده در چندوجه به پیش می‌برند: در سطح کوچک با پروژه‌ها و گروه‌های خودیاری، در سطح ملی به وسیله مبارزه در سطح افکار عمومی و سیاست مداخله و مشارکت و در سطح کلی‌تر از طریق تاثیرگذاشتن بر سیستم عمومی. البته با توجه به همه این‌ها در بسیاری از کشورها فمینیسم آرامتر شده است و قیام فمینیست‌ها به پایان رسیده است. در شمال نسل جوان توجه خود را به برابری در سطوح رهبری متمرکز کرده است و در جنوب برعکس فمینیسم در سطح پایه‌ای تلاش برای ادامه حیات دارد:

مبارزه برای اصلاح از زاویه دید زنان

با وجودی که ارتباطات زنان در سازمان‌های غیردولتی گسترش یافته است اما هنوز در سطوح توافقات و مذاکرات بایستی که گره‌ها به یکدیگر محکم‌تر شود.

در مبارزه در سطح محلی و ملی زنان هر چه بیشتر بر استانداردهای بین‌المللی مانند کنوانسیون رفع تبعیض از زنان تکیه می‌کنند یا مثلا در مورد رفتار شرکت‌های چندملیتی تکیه بر استانداردهای حداقل اکولوژیکی شعار این است:

Take the global and make it lokal

در مقابل سیاست نئولیبرالی که از بالا جهانی می‌شود، جنبش زنان خود را برای جهانی کردن حقوق زنان از پایین سازماندهی می‌کند.

* کریستاویشتریش از پژوهشگران عرصه زنان در آلمان می باشد. عمده تحقیقات و موضوعات کتاب‌های او در مورد گلوبالیزم و تاثیر آن بر زندگی زنان بویژه در کشورهای جنوب است. ▣

برگردان: شهلا فرید

www.iran-archive.com

پیام‌های سازمان‌ها و احزاب ایرانی به کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیام حزب دمکراتیک مردم ایران

بخش‌هایی از سخنرانی رفیق بابک امیرخسروی در کنگره ششم سازمان.

رفقای محترم هیات رئیسه، رفقای کنگره و مهمانان عزیز!

قبل از هر چیز لازم می‌بینم مراتب سپاس خود را از دعوت ما برای حضور در کنگره ششم، صمیمانه ابراز کنم. برگزاری کنگره، چند روز پس از رویداد بزرگ ۲۹ بهمن را که در جریان آن، ملت بزرگوار و با درایت ایران حماسه‌ای بزرگ‌تر و پرمعناتر از دوم خرداد آفرید، به فال نیک می‌گیرم و امیدوارم پژواک آن در تصمیمات و سمت‌گیری‌های سیاسی کنگره شما شرایط ذهنی لازم را برای مشارکت موثرتر و کارآراتر در روند سیاسی داخل کشور فراهم آورد.

با سپاس فراوان از فرصتی که از وقت گرانبهای کنگره برای صحبت با شما عزیزان در اختیار من گذاشتید، چند کلامی در رابطه با رویداد بزرگ ۲۹ بهمن و وظایفی که به باور من در قبال ما، در مقام چپ‌های دمکرات و معتقد به مشی سیاسی مسالمت‌آمیز در تحولات سیاسی - اجتماعی قرار می‌دهد، به عرضتان برسانم: کسب آراء نزدیک به ۸۰٪ مردم از سوی جبهه دوم خرداد، به ویژه جبهه مشارکت ایران اسلامی که حامیان اصلی دولت محمد خاتمی و اصلاحات بنیادی هستند، خلاصه اشغال سنگر قوه مقننه به دنبال قوه مجریه، بی‌گمان شرایط نوینی را برای پیشبرد برنامه‌های توسعه سیاسی - فرهنگی و اقتصادی فراهم آورده است. با این حال نباید دچار شیفتگی و باورهای شتابزده شد. پیروزی دوم خردادی‌ها در انتخابات مجلس ششم آغاز یک مرحله جدید، اما بسیار حساس یک مبارزه است که می‌باید با هوشمندی با آن مواجه شد. هنوز راه درازی در پیش است که چندان هم هموار نیست. نیروهای هیجده‌گانه جبهه دوم خرداد که در انتخابات به پیروزی دست یافتند، طیف گسترده و ناهمگون است. به هنگام از قوه به فعل درآوردن وعده‌های انتخاباتی، اختلاف‌ها و عوامل بازدارنده بروز خواهد کرد. جناح راست هنوز امکانات مهمی در اختیار دارد و به سادگی دست بر نخواهد داشت. چپ دمکرات و اصلاح‌طلب ایران می‌باید بر اساس اولویت‌ها و ممکن‌ها، برنامه مشخصی در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و تنش‌زدایی تدوین کند و نتایج کار خود را به داخل کشور برساند و در مطبوعات ایران مطرح سازد تا مشارکت مستقل و خاص ما در مباحث روز و مبتلابه کشور باشد.

به نظر من، در یک سال آینده مسائلی نظیر پیگیری قتل‌های زنجیره‌ای با تعمیم آن به سایر قتل‌های سیاسی، طرح لغو نظارت استصوابی، طرح انحلال دادگاه‌های ویژه و کلاً اصلاح نظام قضائی کشور، لایحه مطبوعات در جهت تحکیم آزادی بیان، اصلاح لایحه احزاب و برداشتن قید و بندهای موجود، طرح لایحه‌ای در دفاع از حقوق زن و کودک، موضوع تعریف جرم سیاسی، اقدام در جهت تحقق شعار ایران برای همه ایرانیان و و طرح لایحه‌ای در باره بازگشت مهاجران سیاسی به کشور با رعایت و احترام به حقوق مدنی و انسانی آنها، در زمره اولویت‌هاست. سود نیروهای چپ و دمکرات و اصلاح‌طلب در تحقق این خواست‌ها و تعمیق هرچه دمکراتیک‌تر آنها و پیشتربردن آنهاست. لذا ما باید از نیروهای اصلاح‌طلب و آزادی‌خواه درون جبهه دوم خرداد که در راه تحقق خواسته‌های بالا گام برمی‌دارند فعالانه حمایت کنیم. منظور من از حمایت فعال، داشتن دید انتقادی، ابتکار عمل و ارائه پیشنهادات مشخص در جهت دمکراتیزه شدن آنهاست. لذا حمایت توام با انتقاد سازنده و نه دنباله‌روی، محور مناسبات ما با اصلاح‌طلبان است.

هم اکنون وضع مادی و معیشتی مردم و اوضاع اقتصادی کشور و اشتغال به مرزهای خطرناک رسیده است. اگر جنبش اصلاح‌طلبی و حکومت محمد خاتمی نتوانند در آینده‌ای نه چندان دور، راه‌حل‌های مناسبی برای مشکلات اقتصادی و مالی کشور و امر اشتغال بیابند، خطر دلسردشدن و رویگردانی همین مردم و شکست این جنبش در انتظار اوست. چپ دمکرات اصلاح‌طلب که موضوع عدالت اجتماعی از پایه‌های فکری و بینشی اوست، وظیفه دارد در این طرح‌های مشخص و عملی ارائه دهد و برای تحقق آنها فشار بیاورد.

سازمان شما و حزب ما سال‌هاست که با زحمات فراوان جبهه جمهوری‌خواهان آزادی‌خواه را به وجود آورده و منشور آن را تدوین و تصویب کرده است. متاسفانه در سال‌های اخیر فعالیت آن چندان چشمگیر نبوده است. به نظر ما، در شرایط کنونی احیاء دوباره آن و تعمیم آن به برخی دیگر از سازمان‌های ملی نظیر نهضت مقاومت ملی و جبهه ملی و دیگر سازمان‌هایی که واقعاً به تحولات آرام و مشی مسالمت‌آمیز مقیدانند، از کارهای مبرم مشترک ماست.

امیدوارم تصمیمات و اسناد کنگره ششم، در این زمینه نیز راهگشا باشد.

رفقای گرامی!

از حوصله‌ای که برای شنیدن عرایض من نشان دادید سپاسگزارم و از طرف هیات نمایندگی حزب دمکراتیک مردم ایران موفقیت‌تان را در کارهای کنگره و در پیکار برای آزادی و عدالت اجتماعی از صمیم قلب آرزومندیم. زیرا حزب ما به سازمان فدائیان خلق ایران(اکثریت) به گونه حزب واقعاً برادر و متحد درازمدت و استراتژیک خود می‌نگرد و هیچ‌گاه از کوشش در راه تحکیم آن کوتاهی نخواهد کرد. ▣

پیروز و پایدار باشید

پیام سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران به کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

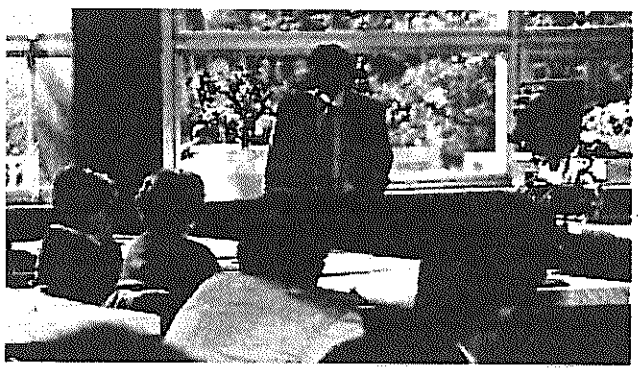

رفقای عزیز!

بدین وسیله برگزاری ششمین کنگره سازمانتان را به شما تبریک می‌گوئیم و موفقیت شما را در انجام این امر مهم آرزو می‌کنیم.

ششمین کنگره سازمان شما در یکی از حساس‌ترین شرایط سیاسی در جامعه ما برگزار می‌شود و از این نقطه‌نظر نیز توجه هرچه مسئولانه‌تر نسبت به تحولات اخیر و اتخاذ سیاست روشن در برابر آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

جامعه ما در طول چند سال گذشته تحولات مهمی را پشت سر گذاشته است. جنبش مردم در مبارزه با استبداد گام‌های مهمی به جلو برداشته و توازن قوا را در هر روز بیشتر از روز پیش به نفع خود تغییر داده است. گسترش دامنه جنبش‌های دمکراتیک، تاثیر خود را در دخالت آگاهانه مردم در انتخابات تحت کنترل رژیم و به شکست‌کشاندن ساخت و در تداوم خود، رژیم را وادار نمود که مسئولیت قتل‌های سیاسی سال‌های اخیر را به عهده بگیرد و حمله سازمان‌یافته به کوی دانشگاه که در واقع آغاز یورش برنامه‌ریزی‌شده‌ای علیه جنبش رو به رشد دانشجویی بود، محکوم کند و حداقل در حرف وعده مجازات عاملین آن را بدهد.

از مهمترین تحولات سال‌های اخیر، علاوه بر گسترش دامنه مبارزات دمکراتیک، هم‌چنین استفاده همه‌جانبه مردم از وسائل و ابزارهای مختلف در مبارزه با جمهوری اسلامی بوده است. از انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد سال ۷۶ به بعد، مقاومت مردم کشور ما در مقابل استبداد مذهبی حاکم، ابزار کارآمد دیگری را با موفقیت به کار گرفته است. با حرکت غیرمترقبه دوم خرداد، جنبش مردم نه فقط یک گام اساسی در اعلام حضور امکان عملی تاثیرگذاری بر تحولات سیاسی و دخالت در تغییر صف‌بندی‌ها را با استفاده از رای خود در انتخابات کشف کرده و در ضددمکراتیک‌ترین انتخابات نیز از حق دمکراتیک خود در حد ممکن آن به نحو احسن بهره جسته است. انتخابات شوراها و بخصوص انتخابات ششمین دوره مجلس، یکی پس از دیگری، جهت‌گیری‌ها و اهداف مبارزات مردم را، با تبدیل هر دوی این انتخابات، به میدان تسویه حساب با عوامل و حامیان سرسخت استبداد، به نمایش گذارده‌اند.

جناح‌های مختلف رژیم، هر کدام از نقطه نظر منافع خود در حفظ حکومت اسلامی، حضور مردم در انتخابات را، دلیلی بر حمایت توده‌ها از نظام دانسته و به تفسیر این حضور پرداخته‌اند. عوامل اصلی استبداد، با هر وسیله‌ای در تقلای زدودن آثار آن برآمده‌اند. جناحی که از نعمت حضور مردم متمتع بوده است، در تلاش توجیه اهداف محدود خود به نام اهداف مردم با توجه به همسویی‌های خود با آن برآمده است.

اما شرکت گسترده مردم در انتخابات تحت کنترل رژیم حاکم، با توجه به رای قاطع آنها، در برابر عوامل و نهادهای حافظ استبداد، مفهومی جز اعلام انزجار از حکومت مذهبی ندارد. مردم کشور ما با انتخاب جناح به اصطلاح اصلاح‌طلب رژیم، قبل از همه رای نه خود به عاملین بیست سال حکومت سیاه جمهوری اسلامی را برجسته‌تر می‌کنند. آنها با این کار به جمهوری اسلامی اصلاح‌شده، رای نمی‌دهند، بلکه با نفی دو دهه سلطه سیاه آن، انزجار خود از ادامه حیات آن را به نمایش می‌گذارند. مردم با گوشت و پوست خود لمس کرده‌اند که حکومت مذهبی جمهوری اسلامی مغایر با هر نوع دمکراسی و تحولات دمکراتیک در جهت اعاده حق آن‌ها در تعیین سرنوشت جامعه است. این آن واقعیتی است که نیروهای چپ، مترقی و آزادی‌خواه، در تلاش برای تقویت جنبش مردم، توضیح جهت‌گیری‌ها و اتخاذ سیاست در قبال آن باید مدنظر قرار دهند. این نیروها، مجاز نیستند دفاع مردم از رفرم‌ها را، به دفاع از جناح به اصطلاح رفرمیست حکومت اسلامی تقلیل دهند و خود به دنبال این توهم روانه شوند. آنها ضمن درک اهمیت این رفرم‌ها در تغییر شرایط به نفع مردم، باید بر مغایرت ذاتی حکومت مذهبی با رفرم‌های دمکراتیک و حقوق اولیه مردم انگشت تاکید گذاشته و از خواست برداشتن مانع جمهوری اسلامی بر سر راه اعاده حق حاکمیت مردم دفاع کنند.

امید ما آن است که کنگره شما نیز با عطف توجه به این واقعیت به اتخاذ سیاست در قبال تحولات جاری در کشورمان پرداخته و با صراحت آن را اعلام دارد. ▣

با آرزوی موفقیت و درود به همه شرکت‌کنندگان
هیات اجرایی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

پیام جبهه ملی ایران ـ آمریکا، سوئد و هلند

دوستان و همرزمان گرامی
نمایندگان شرکت‌کننده در کنگره و رفقای عزیز

سازمان‌های جبهه ملی ایران در آمریکا، سوئد و هلند ششمین کنگره سازمان فدائیان خلق اکثریت را به تمام اعضا، فعالین و رهبری تبریک و تهنیت می‌گوید.

ما خوشوقتیم که به سازمانی پیام تبریک موفقیت می‌فرستیم که در حال مبارزه برای استقرار آزادی و دمکراسی در ایران است.

مردم وطن ما، سال‌ها و روزهای سخت و تاریخی‌ای را می‌گذرانند. و این روزهای خطیر وظایف سنگینی را برای آنها که احساس مسئولیت اجتماعی می‌نمایند تعیین می‌نماید.

سازمان شما راه بسیار طولانی و دشواری را در راه مبارزه برای احراز آزادی در ایران پیموده است. راهی که پستی و بلندی‌های بسیاری در مسیر داشته است. سازمان شما را بسیاری از فعالین سازمان جوانان جبهه ملی ایران در زمان فعالیت مجدد در سال‌های ۳۹ تا ۴۳ ساختند. احمدزاده‌ها، سرمدی و چندی دیگر در سازمان‌های جبهه ملی ایران شکل سیاسی یافتند و بالاخره بیژن جزنی در صف فعالین جبهه ملی سوم به فعالیت پرداخت.

آنچه امروز در ایران می‌گذرد حضور توده‌های وسیع مردم در مبارزه است، اکثریت زنان و مردان جوان برای کسب آزادی به پا خاسته‌اند. حوادث در سال اخیر نشان داد که مردم آگاه حاضر در مبارزه می‌دانند که چه می‌خواهند و در عمل رهبران مبارزه را به جلو می‌رانند. دیکتاتوری مذهبی حاکم در شرایط ورشکستگی اقتصادی نمی‌تواند در مقابل مبارزات مردم بایستد، و این خود سبب رشد و نضج مبارزات مردم می‌شود. مبارزات آزادی‌خواهانه مردم، خودی و غیرخودی، ندارد. مبارزات آزادی‌خواهانه مردم برای کسب همه آزادی‌هاست و برای همه شهروندان ایرانی می‌باشد. مبارزات آزادی‌خواهانه ۲۲ میلیونی برای آزادی اندیشه است، برای آزادی فردی است، برای آزادی زنان است، برای آزادی اجتماعات است، برای آزادی احزاب است، برای آزادی داشتن عقیده و مذهب است. این مبارزات تنها برای آزادی این یا آن دسته و گروه مذهبی علاقمند به حفظ سنت‌های مذهبی و حفظ رژیم با تمام کاستی‌های آن، فقط از جهات حقوق بشر و آن هم از نوع اسلامی آن نمی‌باشد. برای آزادی دگراندیشان نیز هست، برای ایرانی است که یک زن هم بتواند رئیس جمهور شود. برای ایرانی است که هر شهروند یا هر دین و آئین و عقیده‌ای بتواند رئیس جمهور شود. این حرکت تشبث برای حفظ قانون اساسی سراسر تبعیض و عدم تساوی حقوق شهروندان نیست. این حرکت برای نگهداشتن اجباری زنان در چادر نیست. برای اجرای قانون قصاص و برای حفظ افراد غیرمسئول نیست. این حرکت برای درهم ریختن نهادهای غیرقانونی و غیرمردمی متشکله در مملکت است که عمده درآمد مملکت را در خود نگهداشته و مسئولیت در برابر هیچ مقامی ندارد، این حرکت برای درهم‌شکستن دهها گروه غیرقانونی است که مردم را به زیر مهمیز نگهداشته‌اند. بالاخره این حرکت برای درهم‌شکستن دیکتاتوری و برقراری آزادی، برای همه شهروندان است.

ما باید مطالعه کنیم که چگونه می‌توانیم در خدمت مبارزات مردم کشور قرار گیریم، ما می‌توانیم و وظیفه داریم که مبارزات مردم را به طور شایسته‌ای در جهان امروز منعکس نماییم. ما می‌توانیم و وظیفه داریم که چهره کریه دیکتاتوری مذهبی با تمام اشکالش را به دنیا بشناسانیم. ما می‌توانیم و وظیفه داریم که قوانین دست و پاگیر انتخابات و حضور نهادهای مذهبی در انجام نادرست و غیردمکراتیک آن را بیش از پیش برملا نماییم و وظیفه داریم که نظرات و آرا دگراندیشان و «غیرخودی»ها و غیرمذهبی‌ها را به گوش مردم جهان بخصوص ایرانیان خارج از کشور برسانیم. ما باید از تمام وسائل موجود برای انجام این منظور استفاده نمائیم.

سازمان ما بسیار امیدوار است که این نهضت، نهضت آزادی‌خواهی و استقرار دمکراسی در ایران به پیروزی خواهد رسید.

حضور و گسترش نام دکتر محمد مصدق در نهضت دانشجویی و نهضت آزادی‌خواهی کنونی در ایران، خود نشان‌دهنده این است که مردم به دنبال حفظ حکومت مذهبی در ایران نیستند. بدون جهت نیست که نهضت دانشجویی را به خاک و خون می‌کشند و افراد و رهبرانش را به زندان می‌اندازند و محکوم به اعدام می‌کنند. این فشارها به آن جهت است که می‌بینند جوانان ایران و روشنفکران حکومت مذهبی نمی‌خواهند بلکه حکومت قانون می‌خواهند، آزادی و دمکراسی می‌خواهند. عناصری که در این قانون اساسی و در این حکومت یافت نمی‌شود.

ما آرزو داریم که همه نیروهای مترقی بتوانند در یک صف علیه ارتجاع ایستاده و مبارزه نمایند. ما دست و آغوش خود را برای یک اتحاد منطقی برای همه آزادی‌خواهان و روشنفکران دمکرات ایران باز نموده‌ایم.

برای رسیدن به این منظور احتیاج به ایجاد جمعی است تا نمایندگانی از همه گروه‌های دمکرات و آزادی‌خواه که این ضرورت را درک کرده‌اند می‌باشد تا مضامین این حرکت را روشن کرده و هر چه زودتر در این راه گام‌برداریم.

ما پیشنهاد می‌کنیم که روابط خود را برای ایجاد و شرایط چنین اتحادی هر چه بیشتر نزدیک نمائیم و بکوشیم که وحدت و اتحاد عمل ما در خدمت پیشبرد حرکت آزادی‌خواهی و ایجاد دمکراسی در ایران قرار گیرد. ▣

برای راهتان موفقیت و برای
کنگره شما پیروزی آرزو داریم.

پیام سازمان جمهوری‌خواهان ملی ایران به کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دوستان و همرزمان، کنگره شما در زمانی برگزار می‌شود که مردم ایران با شرکت گسترده خود در ششمین انتخابات مجلس قانون‌گذار ایران دست رد به سینه تاریک‌اندیشان و انحصارطلبان نظام حاکم زدند و خواهان تسریع روندی شدند که به مردم‌سالاری، آزادی، دمکراسی و به تبع آن احیای قانون اساسی ملت، اجرای قانون، آزادی مطبوعات و اجتماعات بیانجامد.

ما از هم‌اکنون می‌توانیم بر آن باشیم که این انتخابات در تغییر چشمگیر توازن قدرت میان خشونت‌گرایان و اصلاح‌طلبان بازتاب خواهد یافت. و این خود زمانی اقبال عمل خواهد یافت، که مبارزه همسو و هدفمند نیروهای سیاسی داخل و خارج کشور با مبارزه مشترک برای آزادی به شکل‌گیری نهادهای لازم برای گذار به دمکراسی و تسهیل شرایط مبارزه یاری رساند.

در این راستا ما امیدمندیم که کنگره سازمان شما به پاسخ‌های راهگشا دست یابد و همکاری مشترکمان با دیگر آزادی‌خواهان هرچه زودتر به حضور ثمربخش در صحنه جامعه و سیاست ایران بیانجامد. ▣

با درود از طرف شورای مرکزی،
مهران براتی
جمعه، ۲۵ فوریه ۲۰۰۰

www.iran-archive.com

گزارش ششمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

ششمین کنگره نوبتی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از صبح شنبه ۷ اسفند (برابر ۲۶ فوریه) تا ۱۱ اسفند ۱۳۷۸ (برابر ۲ مارس ۲۰۰۰) برگزار شد. برگزاری انتخابات ششمین دوره مجلس شورا، هفته‌ای پیش از کنگره، و اوضاع متحول جامعه‌مان بر فضا و مباحثات کنگره نشان آشکاری به جا گذاشته و به آن ویژگی می‌بخشیدند. اظهارنظر نمایندگان پیرامون عملکرد شورای منتخب کنگره پنجم اساسا متوجه کنش‌ها و ابتکارات شورا در قبال آن اوضاع متحول، راهیابی‌ها برای تقویت حضور سیاسی سازمان در جنبش اصلاح‌طلبانه و آزادیخواهانه جاری در کشور، و پیام کنگره پیام خوشنودی پیروزی‌های حاصله و امید پیروزی‌های بیشتر بودند.

حضور میهمانان از دیگر نیروهای اپوزیسیون، با پیام همدلی و همراهی، سیمای ویژه کنگره ششم را تکمیل می‌کردند.

لازم به ذکر است که رفقا بابک امیرخسروی و فرهاد فرجاد از حزب دموکراتیک مردم ایران، از سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و ذوالفقاری از جبهه ملی ایران میهمانانی از سایر احزاب بودند که در کنگره حضور داشتند. از سوی حزب دمکرات کردستان و سازمان جمهوری‌خواهان ملی ایران نیز که امکان حضور در کنگره را نیافته بودند پیام‌هایی به کنگره داده شده بود.

افتتاح کنگره

ششمین کنگره سازمان با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد همه شهدای راه آزادی، که دیگر در میان یارانشان نیستند تا تجلی دیگری از پیروزی مردم میهنمان را در نیل به آزادی شاهد باشند، و به یاد رفیق از دست‌رفته در فاصله دو کنگره رفیق ماندنی، توسط مسئول هماهنگی شورای مرکزی منتخب کنگره پنجم گشایش یافت سپس هیات رئیسه سنی کنگره هدایت آن را تا انتخاب هیات رئیسه دائمی کنگره به عهده گرفت. گزارش مسئول تشکیلات از روند برگزاری و ترکیب نمایندگان صورت گرفت و اعتبارنامه آنان مورد تائید قرار گرفت. با حصول حدنصاب لازم برای رسمیت کنگره شرایط برای انتخاب هیات رئیسه دائم فراهم آمد. پیش از این انتخابات پیشنهاد شد که میهمانان کنگره نیز حق عضویت در ارگان‌های دائم کنگره را داشتند. این پیشنهاد به پس از انتخاب هیات رئیسه دائم موکول شد.

انتخاب هیات رئیسه دائمی کنگره صورت گرفت و ۵ نفر صاحبان بیشترین آرا به عنوان اعضای آن برگزیده شدند. با انتخاب هیات رئیسه کنگره رسما کار خود را آغاز کرد و مقدمتا به پیشنهاد فوق‌الذکر رسیدگی کرد. رای کنگره به پیشنهاد مثبت بود. به این ترتیب میهمانان کنگره نیز می‌توانستند در ارگان‌های دائمی کنگره عضویت یابند. در کنگره پنجم تصویب شده بود که هر کس حق عضویت در تنها یک ارگان دائمی را دارد. پیشنهادی دایر بر لغو این مصوبه و تبدیل «یک ارگان به» به «حداکثر دو ارگان» مطرح شد، این پیشنهاد رای نیاورد.

دستور کار کنگره

کنگره با تعیین دستور کار خود ادامه یافت. شورای مرکزی پنجم پیشتر دستوری را به کنگره پیشنهاد کرده بود که موضوعات زیر را شامل می‌شد.

۱ ـ بررسی عملکرد شورای مرکزی منتخب کنگره پنجم
۲ ـ تدقیق جهات سیاسی فعالیت سازمان
۳ ـ تصویب برنامه عمل سیاسی دوساله آتی
۴ ـ ابزار ساختاری ـ سازمانی ضرور برای برنامه عمل
۵ ـ تدقیق طرح دستگاه رهبری و انتخاب آن

در کنگره پیشنهادهایی برای ادغام پاره‌ای موارد فوق و نیز برای افزودن به دستور مطرح شدند، پس از بحث موافق و مخالف پیرامون این پیشنهادها دستور نهایی زیر تعیین شد:

۱ ـ بررسی عملکرد شورا،
۲ ـ جهان و جایگاه ما،
۳ ـ جهات سیاسی و برنامه عمل دو ساله سازمان،
۴ ـ تصویب قطعنامه سیاسی،
۵ ـ ابزار ساختاری، سازمانی ضرور برای برنامه عمل دوساله،
۶ ـ تصویب طرح در باره مساله ملی،
۷ ـ تصویب طرح در موضوع جوانان،
۸ ـ تدقیق طرح دستگاه رهبری،
۹ ـ انتخابات و
۱۰ ـ قرارهای احتمالی

اساسنامه نیز مطرح شد، اما این پیشنهاد رای نیاورد.

در سطور زیر موارد دستور فوق‌الذکر گزارش می‌شوند. این گزارش نه بر حسب ترتیب زمانی روند کنگره بلکه موضوعی است.

۱ ـ بررسی عملکرد شورای مرکزی منتخب کنگره پنجم

شورای مرکزی منتخب کنگره پنجم، پیشتر جمعبندی عملکرد ۲ ساله خود را در اختیار تشکیلات گذاشته بود. علاوه بر این در ۳ نوبت ۶ ماهه نیز گزارش عملکرد شوراهای پنجم تهیه و به تشکیلات ارائه شده بود.

اعضای کنگره در اظهارات خود بیش از هر چیز به برآمدهای سیاسی شورا، از جمله در قبال حرکات اعتراضی دانشجویان و انتخابات ششمین دوره مجلس شورا، مناسبات با دیگر نیروهای سیاسی کشور و نیز مناسبات بین‌المللی توجه نشان می‌دادند. همچنین دشوارهای کار برای حضور مؤثرتر سازمان در تحولات جاری کشور مورد پرس و جو و بحث اعضای کنگره بود.

سخنرانان، ضمن تائید رئوس فعالیت‌های شورا و مواضع آن، بر تشدید فعالیت‌ها و ابتکارات سیاسی سازمان در پاسخگویی به تحولات مذکور، جلب حمایت وسیعتر نیروهای خارجی با تحکیم مناسبات با آنان و اطلاع‌رسانی به آنان، کاربرد گسترده‌تر شبکه اینترنت، و جدیت بیشتر در کار سخنگویی تاکید می‌ورزیدند.

۲ ـ جهان و جایگاه ما

طرح سند پیشنهادی در این مورد، نوشته‌ای زیر همین عنوان توسط رفقا ماشاءالله سلیمی و حشمت رئیسی، مندرج در کار شماره ۲۲۱، بود چنان که پیشتر آمد، شورا چنین دستوری را به کنگره پیشنهاد نکرده بود و پیشنهاددهندگان این دستور نیز نه بررسی و تصویب تفصیلی آن، بلکه اظهار نظر کنگره پیرامون کلیات نوشته مذکور، در صورت تائید سپردن آن به شورای آتی برای تکمیل آن را خواستار بودند.

پس از دوری از بحث طرح سند به رای کنگره گذاشته شد تا توافق کنگره با آن به عنوان سند پایه کار روشن شود. برنامه هیات رئیسه این بود که در صورت تائید سند به عنوان سند پایه کار کمیسیونی روی آن انجام شود اما ماحصل کار به رای کنگره جهت تصویب جزئیات آن گذاشته نشود.

کنگره سند را به عنوان سند پایه نپذیرفت و متعاقب پیشنهادی دایر بر خارج‌کردن موضوع از دستور کنگره این پیشنهاد را پذیرفت، موضوع از دستور خارج شد.

۳ ـ جهات سیاسی فعالیت و برنامه عمل دوساله سازمان

این مورد که پیشتر در دستور کار کنگره پیش‌بینی شده بود، دارای بیشترین طرح‌ها بود: در این موضوع مجموعا ۷ سند به کنگره ارائه شده بودند:

۱ ـ طرح مصوب کمیسیون اسناد کنگره زیر عنوان «اهداف سیاسی، پیشنهادها و سیاست‌های فدائیان خلق ایران (اکثریت)» مندرج در کار شماره ۲۲۷،
۲ ـ طرح رفیق امیر ممبینی زیر عنوان «برای توسعه سیاسی و بهسازی زندگی مردم» مندرج در کار شماره ۲۲۱ با اندکی تغییر،
۳ ـ طرح رفقا ماشاءالله سلیمی و حشمت رئیسی بخش سیاسی طرح پیشگفته زیر عنوان «جهان و جایگاه ما» مندرج در شماره‌های ۲۲۱ و ۲۲۳ نشریه کار،

۴ ـ طرح رفقا رضا جوشنی و فرخ نگهدار زیر عنوان «در راه» ژرفش جنبش اصلاح‌طلبی در کشور مندرج در کار شماره ۲۲۱،
۵ ـ طرح رفیق علی اکبر زیر عنوان «برای عدالت و آزادی و حقوق انسانی، علیه نابرابری و استبداد و تخریب طبیعت در ایران» مندرج در کار شماره ۲۲۳،
۶ ـ طرح رفیق منوچهر مقصودنیا زیر عنوان «برنامه دگرگونی دمکراتیک ساختار سیاسی موجود، برای دستیابی به یک جمهوری دمکراتیک پارلمانی» مندرج در کار شماره ۲۲۴ و
۷ ـ طرح رفیق مهدی فتاپور زیر عنوان «گسترش و تعمیق اصلاحات» مندرج در کار شماره ۲۲۲.

پس از دوری از بحث عمومی و نیز معرفی و مدافعه از طرح‌های ارائه‌شده نوبت به تعیین سند مبنا رسید و کلیه اسناد به رای گذاشته شدند. در مورد نحوه تعیین سند مبنا این پیشنهاد نیز مطرح شد که ابتدا به تدوین‌کنندگان اسناد و نیز اعضای کنگره فرصت داده شود تا برای تدقیق آنها، ارائه پیشنهاد روی آنها به تدوین کنندگان و محتملا یکی کردن ۲ یا چند تا از آنها اقدام شود، آنگاه حاصل کار به کنگره ارائه شود و کنگره در مورد سند مبنا اخذ تصمیم کند. این پیشنهاد پذیرفته نشد و کنگره مستقیما وارد کار تعیین سند مبنا شد، پیش از رای‌گیری رفیق سلیمی (طرح شماره ۳) اعلام کرد که به نفع طرح شماره ۱ از طرح خود صرفنظر می‌کند. نتیجه به قرار زیر شد:

طرح شماره یک: ۶۶ درصد موافق، ۲۴ درصد مخالف، ۱۰ درصد ممتنع
طرح شماره دو: ۳۸ درصد موافق، ۳۰ درصد مخالف، ۳۶ درصد ممتنع
طرح شماره ۴: موافق ۳۲ درصد، مخالف ۵۷ درصد، ممتنع ۱۱ درصد
طرح شماره ۵: موافق ۲۲ درصد، مخالف ۲۶ درصد، ممتنع ۵۲ درصد
طرح شماره ۶: موافق ۲۶ درصد، مخالف ۱۷ درصد، ممتنع ۵۷ درصد
طرح شماره ۷: موافق ۴۶ درصد، مخالف ۴۷ درصد، ممتنع ۱۷ درصد

به این ترتیب طرح شماره یک (طرح مصوب کمیسیون اسناد کنگره) با دوسوم آرای موافق به عنوان سند مبنا انتخاب شد.

پس از کار کمیسیونی سند با تغییرات اندکی مجددا به اجلاس کنگره ارائه شد.

پیشنهاد ارائه‌شده از سوی رفیق سلیمی برای افزودن به سند جهات سیاسی فعالیت سازمان در زمینه سیاست خارجی:

ـ پیروی از سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز بین ملل و کشورهای مختلف جهان و عدم مداخله در امور داخلی آنها،
ـ تلاش برای ایجاد و تحکیم رابطه دوستانه و برابرحقوق با تمامی کشورهای جهان و بخصوص ممالک منطقه
ـ دفاع از تمامیت ارضی میهن‌مان در برابر تهدیدات خارجی و تلاش برای حل اختلافات لزومی و یا سایر اختلافات از طریق گفتگو و دیالوگ سیاسی،
ـ برقراری رابطه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با تمامی ملل و دولت‌های گیتی با در نظرداشت منافع ملی،
ـ دفاع و همبستگی با تمامی جنبش‌های آزادیخواهانه در سرتاسر دنیا.

این جهات به یکباره به رای گذاشته شدند. نتیجه رای‌گیری ۵۱ درصد موافق، ۱۰ درصد مخالف و ۳۹ درصد ممتنع بود. به این ترتیب پیشنهاد تصویب شد.

از رفیق جواهری:

ما خواهان مخالفت علنی و قانونی در کشورمان هستیم، جمهوری اسلامی تاکنون حق فعالیت قانونی و علنی نیروهای سیاسی اپوزسیون را نادیده گرفته است. ما معتقدیم تلاش و مبارزه برای به رسمیت شناختن این حق از طرف جمهوری اسلامی وظیفه همه نیروهای سیاسی معتقد به دمکراسی در جامعه است. ما ضمن استفاده از همه امکانات برای نیل به هدف فوق مذاکره علنی با جمهوری اسلامی را در دستور کار قرار می‌دهیم. بحث موافق و مخالف در باره این پیشنهاد صورت گرفت. اما به هنگام رای‌گیری رفیق جواهری اعلام انصراف از پیشنهاد در این بخش از دستور راکرد.

لازم به تاکید است که در جریان بحث‌ها پیرامون جهات سیاسی فعالیت سازمان، از بحث‌های جنبی کنگره، از سخنرانی‌های پیش از دستور و نمایندگان احزاب میهمان... آشکار شده بود که موضوع «التزام به قانون اساسی» و «فعالیت علنی و قانونی» موضوعاتی گرهی و مرکزی در کار کنگرداند. در این ارتباط چندین پیشنهاد، از جمله پیشنهاد رفیق جواهری، به کمیسیون «جهات سیاسی» و نیز به کمیسیون «قطعنامه سیاسی» ارائه شده بودند و هیات رئیسه در این ارتباط بر آن شده بود که این موضوعات را به استقلال به بحث و تصمیم‌گیری بگذارد.

پس از رسیدگی به پیشنهادهای پذیرفته نشده کمیسیون «جهات سیاسی» کلیات سند به رای گذاشته شد و در نتیجه کلیات سند با ۷۲ درصد آرا موافق، ۲ درصد مخالف و ۲۶ درصد ممتنع به تصویب رسید.

۳ ـ التزام به قانون اساسی، فعالیت قانونی و علنی

چنان که در بالا آمده اهمیت این دو موضوع در روند کنگره آشکار و آشکارتر گردید و به بحثی مستقل متجر شد. پیرامون این دو موضوع ۵ پیشنهاد به کنگره ارائه شده بودند:

۱ ـ پیشنهاد ۱۲ نفره (پیشنهادی که به تحریر رفیق ف. تابان و امضای ۱۲ تن از رفقا ارائه شد): کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با تاکید برخواست قاطعانه مردم ایران در جهت استقرار دمکراسی در ایران ـ که از جمله یک بار دیگر در جریان انتخابات ۲۹ بهمن ۷۸ اعلام شد، از دولت و مجلس جمهوری اسلامی می‌خواهد با منطبق ساختن قوانین جمهوری اسلامی ایران بر اصول دمکراتیک و التزام به بیانیه جهانی حقوق بشر، راه فعالیت آزادانه احزاب سیاسی کشور و تحقق شعار «ایران برای همه ایرانیان» را هموار سازند.

۱ ـ پیشنهاد ۵ نفره (رفقا: امیر ممبینی، رضا جوشنی، فرخ نگهدار، منوچهر مقصودنیا و مهدی فتاپور):

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که فعالانه در انتخابات مجلس شورا مشارکت داشته است اعلام می‌کند که مجلس جدید و دولت وقت موظف هستند وظیفه و تعهد خود را در التزام به آزادی سیاسی عملی کنند و در یک رابطه مبتنی بر التزام متقابل به قانون حق حضور و فعالیت سازمان ما و دیگر احزاب و سازمان‌های سیاسی را تامین کنند. ما به عنوان یک سازمان ملتزم به فعالیت قانونی خواهان تعیین شرایط فعالیت قانونی سازمان خود و دیگر نیروهای دمکراتیک هستیم.

۳ ـ پیشنهاد رفیق بهزاد کریمی، جمهوری اسلامی تاکنون حق فعالیت قانونی و آزاد نیروهای سیاسی اپوزیسیون را نادیده گرفته است. کنگره همه نیروهای سیاسی معتقد به دمکراسی و مبارزه مسالمت‌آمیز سیاسی را به تلاش و مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن این حق از طرف جمهوری اسلامی فرامی‌خواند. ما ضمن بهره‌گیری از همه امکانات برای نیل به هدف فوق، مذاکره علنی با دولت جمهوری اسلامی پیرامون تامین حق فعالیت قانونی و آزاد سازمان را در دستور کار خود قرار داده و برای پیشبرد این امر کمیسیونی را جهت پیگیری تشکیل می‌دهیم.

۴ ـ پیشنهاد رفیق حسین جواهری: به سطور پیشین (بخش «جهات سیاسی») رجوع کنید.

۵ ـ پیشنهاد رفیق علی پورنقوی: سازمان برای تأمین حق فعالیت علنی و قانونی، خود را دانست. این التزام مشروط به تأمین حق فعالیت سازمان در چارچوب قانون اساسی برای حصول به قانون اساسی مورد نظر خویش است.

پیشنهاددهندگان فرصت یافتند تا پیشنهادیشان را تشریح کرده و از آنها دفاع کنند. آنگاه رای‌گیری شد. نتیجه رای‌گیری به قرار زیر شد.

پیشنهاد ۱ ـ موافق ۵۲/۳ درصد، مخالف ۳۵/۶ درصد، ممتنع ۱۲/۱ درصد
پیشنهاد ۲ ـ موافق ۴۲/۴ درصد، مخالف ۵۱ درصد، ممتنع ۱۷/۶ درصد
پیشنهاد ۳ ـ موافق ۴۶/۵ درصد، مخالف ۳۴/۳ درصد، ممتنع ۱۹/۲ درصد
پیشنهاد ۴ ـ موافق ۴۱/۶ درصد، مخالف ۴۶/۷ درصد، ممتنع ۱۱/۳ درصد
پیشنهاد ۵ ـ موافق ۵۱/۹ درصد، مخالف ۴۴/۲ درصد، ممتنع ۳/۹ درصد

به این ترتیب پیشنهاد نخست بیشترین درصد آرا موافق را آورد. اما نظر به این که پیشنهاد پنجم نیز بیش از نیم آراء موافق را کسب کرده بود و اختلاف بین درصد آرا موافق این دو پیشنهاد اندک بود کنگره اعلام یکی از این دو پیشنهاد به عنوان مصوبه را، بر پایه رای‌گیری صورت گرفته، شتابزده دانست. آیا بایست رای‌گیری روی این دو تجدید می‌شد، یا هر دو پذیرفته تلقی می‌شدند یا ترکیبی از دو پیشنهاد به کنگره ارائه می‌شد؟ پس از رسیدگی به پیشنهادهای پروسدوری در این باره، پیشنهاد زیر از تصویب کنگره گذشت.

«شورای مرکزی منتخب کنگره ششم بحث پیرامون این موضوعات (التزام به قانون، فعالیت علنی و قانونی، و مذاکره) را در تشکیلات جاری می‌کند و حداکثر در مدت ۶ ماه، با جمع‌آوری آرای اعضای تشکیلات، بر این اساس اتخاذ سیاست می‌کند».

۴ ـ تصویب قطعنامه سیاسی

این مورد نیز در دستور پیشنهادی شورای مرکزی پنجم به کنگره پیش‌بینی نشده بود. اما تحولات جاری در کشور و خاصه برگزاری ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، و اعلام نتایج آن که مقارن روز نخست کنگره در قبال این تحولات را ایجاب می‌کردند. به لحاظ پیشگفته طرح پیشنهادی‌ای در این باره وجود نداشت و رسیدگی به موضوع با بحث عمومی آغاز گردید و سپس کمیسیونی جهت تهیه طرح اسناد ضرور انتخاب شد. کمیسیون

ادامه در صفحه ۸

www.iran-archive.com

اهداف سیاسی، پیشنهادها و سیاست‌های سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مصوب کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اهداف سیاسی ما

سازمان ما، با تاکید مجدد بر مفاد دو سند مصوب کنگره پنجم سازمان تحت عناوین «دیدگاه‌ها و آماج‌ها» و «برای دمکراسی و عدالت اجتماعی»، بار دیگر اعلام می‌کند که:

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مدافع دمکراسی، پیشرفت عدالت اجتماعی و سوسیالیسم... و مدافع حقوق بشر است و بر همین پایه علیه هر گونه ستم طبقاتی، ملی، جنسی، نژادی، مذهبی و عقیدتی مبارزه می‌کند....

کشور ما نیازمند حکومتی دمکراتیک در شکل جمهوری است. ما برای تحقق چنین هدفی مبارزه می‌کنیم، تلاش ما این است که این هدف از طریق مسالمت‌آمیز متحقق شود.

در حکومت دمکراتیک دین رسمی وجود ندارد، دین و مکاتب فلسفی از دستگاه دولتی و آموزشی جدا است و آزادی وجدان و حق فعالیت سیاسی و اجتماعی پیروان عقاید و ادیان تامین می‌شود.

سازمان سیاست‌های جاری خود را بر مبنای آرمان‌ها و اهداف سیاسی و بر پایه تحلیل اوضاع سیاسی کشور تدوین می‌کند.

ارزیابی از جنبش آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه

● جامعه ما از یک سو با بحران عمیق اقتصادی روبرو است که نشانه‌های بارز آن در بیکاری وسیع، کاهش مداوم قدرت خرید مردم و فقر و فلاکت فزاینده آنها، تشدید شکاف طبقاتی، تورم واحدهای تولید و دیگر ناهنجاری‌های اقتصادی متجلی است و چشم‌اندازی هم برای برون‌رفت از این بحران مشاهده نمی‌شود. از سوی دیگر مقابله دامنگستر جامعه با حکومت دینی و مظاهر آن خصلت فراگیر و ملی پیداکرده و جنبش آزادیخواهانه و اصلاح‌طلبانه روز به روز در حال تعمیق و گسترش است و نیروهای وسیع‌تری از مردم را به صحنه پیکار سیاسی می‌کشاند.

روندهای سیاسی و اجتماعی در کشور را عمدتا این دو شاخص سمت می‌دهند.

● جنبش آزادیخواهانه و اصلاح‌طلبانه مردم ما که از دوم خرداد سال ۷۶ فراز جدیدی یافت، بازتاب نیاز جامعه و از خواست‌های مردم ریشه گرفته است. هدف این جنبش، طرد استبداد حاکم و استقرار آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در کشور است. این جنبش از طریق مبارزه مسالمت‌آمیز برای پیشبرد رفرم‌های سیاسی و اجتماعی در راه اهداف خود گام بر می‌دارد. آرای میلیونی مردم در انتخابات دوم خرداد، انتخابات شوراها و انتخابات مجلس ششم نشان داد اکثریت مردم کشور ما نیروی اصلی جنبش آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه هستند. نیروی بالفعل این جنبش شامل آگاه‌ترین گروه‌های مردم از میان کارگران و زحمتکشان، روشنفکران و اقشار متوسط است. در این جنبش، نقش روشنفکران، زنان، جوانان و دانشجویان چشمگیر و بارز است.

● روحانیت سنتی حاکم، تجار متحد این روحانیت و عوامل و حامیان استبداد در دستگاه بوروکراتیک - نظامی جمهوری اسلامی، منافع طبقاتی خود را مغایر با اهداف جنبش جاری آزادی‌خواهی می‌بینند و با این جنبش مقابله می‌کنند. این گروه‌بندی استمرار قدرت خود را در دوام و قوام ولایت فقیه می‌داند.

● نبرد سرنوشت‌سازی بین نیروهای آزادیخواه و اصلاح‌طلب با نیروهای تمامیت‌گرا و سرکوبگر مخالف جنبش ۲ خرداد، جریان دارد. جنبش آزادیخواهانه و اصلاح‌طلبانه علیرغم افت و خیزها، پیش رفته و موقعیت آن در جامعه تقویت شده است. و امید در بین مردم برای حل مشکلات جامعه از راه اصلاحات دمکراتیک و کاربست شیوه‌های مسالمت‌آمیز افزایش می‌یابد.

● مطبوعات مستقل و منتقد در صف مقدم مبارزه علیه تمامیت‌گرایان و خشونت‌طلبان قراردارند. آنها علاوه بر تحقق وظیفه اطلاع رسانی، در پیشبرد توسعه سیاسی و فرهنگی و مبارزه برای تامین آزادی بیان و عقیده نقش جدی دارند.

● تظاهرات دانشجویان در تیرماه سال جاری که ارکان حکومت ولایت فقیه را به لرزه انداخت، نشان داد که جوانان و به ویژه دانشجویان، در شرایط کنونی فعال‌ترین نیروی پیشبرد توسعه سیاسی در کشورند.

● فعالیت فرهنگی، ادبی و هنری نویسندگان، شعرا، هنرمندان و روشنفکران مستقل کشور در پی‌ریزی تحولات فکری و فرهنگی و اشاعه فرهنگ دمکراتیک و مبارزه علیه دیدگاه‌های ارتجاعی نقش مهمی دارد. در سال‌های اخیر، مبارزه فرهنگ‌سازان ایران علیه سانسور گسترش یافته است. نویسندگان ایران با احیای فعالیت کانون صنفی مستقل خود به موفقیتی بزرگ در این مبارزه دست یافته‌اند.

● نقش زنان در فعالیت‌های اجتماعی و مبارزات سیاسی و حقوقی و مقاومتشان در برابر فشارهای حکومت در حال افزایش است.

● اعتراضات کارگری در سال‌های اخیر علیه تعطیل واحدهای تولیدی، اخراج وسیع کارگران، به تعویق افتادن پرداخت دستمزد، تغییر قانون کار و به خاطر افزایش دستمزدها گسترش یافته سیاسی در جامعه مبارزه می‌کند.

● در سال‌های اخیر، حضور نیروهای آزادیخواه و اصلاح‌طلب غیرحکومتی (ملی ـ مذهبی، ملی و چپ) در صحنه سیاسی و فرهنگی کشور افزایش یافته است. این حضور، در اشکال مختلف، از وجود نهادهای مدنی گرفته تا نشریات مستقل و غیر وابسته به حکومت مشهود است. افزایش این حضور، به تعمیق، شتاب‌گیری و پیشرفت رفرم‌های سیاسی و اجتماعی یاری می‌رساند و در عین حال، به ارتقای ظرفیت اصلاح‌طلبانه بخش حکومتی جنبش دوم خرداد و تصحیح و تدقیق مواضع آن کمک می‌کند.

● اصلاح‌طلبان حکومتی نقش مثبت در پیشبرد رفرم‌های سیاسی و فرهنگی ایفا نموده‌اند. آنان با این حال به علت پایبندی به ولایت فقیه، ارجح‌شمردن منافع حکومت اسلامی بر منافع جنبش آزادیخواهانه و اصلاح‌طلبانه و دیدگاه محدود نسبت به امر دمکراسی و جامعه مدنی، نتوانسته‌اند همپا با حد رشد جنبش در جامعه گام بردارند. شتاب حرکت و خواست‌های جنبش آزادی‌خواهی فراتر از عملکرد و ظرفیتی است که اصلاح‌طلبان حکومتی تاکنون از خود نشان داده‌اند. برای تداوم و گسترش جنبش دوم خرداد ضروری است که اصلاح‌طلبان حکومتی هر چه بیشتر بر نیروی اجتماعی این جنبش متکی شوند.

● هر چند تاکنون، سیاست تمامیت‌گرایان حکومت در مقابله با جنبش آزادیخواهانه مردم، اعمال سرکوب بوده است، اما به تناسب پیشرفت و قدرت گرفتن جنبش اصلاحات، برای این جناح بهره گرفتن از شیوه‌های خشونت‌آمیز با هزینه سیاسی بیشتری همراه می‌شود.

انتخابات پیروزمند مجلس شورا در بهمن ماه امسال فراز بزرگ دیگری در جنبش آزادیخواهانه و اصلاح‌طلبانه و پیروزی شکوهمندی برای آزادی و مردم آزاده ایران بوده است. مردم ستمدیده ایران که از دیکتاتوری و سرکوب و خشونت به جان آمده‌اند یک بار دیگر با صدای هر چه رساتر عزم خویش را برای تامین آزادی و دموکراسی و پیشرفت اجتماعی نمودار ساختند. در شرایطی که همه دگراندیشان و نیروهای آزادی‌خواه مخالف و منتقد ولایت فقیه از شرکت در انتخابات محروم شدند، در شرایطی که بخش بزرگی از نیروهای حکومتی جبهه دوم خرداد با کاربست روش‌های انحصارطلبانه از گردونه انتخابات دور شدند، مردم ایران نومید نشدند و با شرکت حداکثر خود در انتخابات از امکانات موجود به سود آزادی بهره جستند و سرانجام مجلس را از چنگ مخالفین اصلاحات بیرون آوردند.

پیشنهادها و سیاست‌های

ما برای پیشبرد اصلاحات

اصلاحات آری، ولایت‌فقیه نه!

پیشنهادهای ما برای تداوم و تعمیق اصلاحات سیاسی و فرهنگی

– تامین آزادی بی قید و شرط بیان، قلم، مطبوعات، اجتماعات، تظاهرات و تامین آزادی‌های اجتماعی و فردی و لغو ممنوعیت‌ها در این زمینه.

– تامین آزادی فعالیت احزاب سیاسی، سندیکاهای کارگری، تشکل‌های مستقل زنان و دانشجویان و تشکل‌های دمکراتیک.

– تامین حق برابری زن و مرد و لغو کلیه قوانین و مقررات ضدزن و تامین آزادی پوشش.

– ممنوعیت شکنجه جسمی و روحی و لغو کلیه قوانین جزائی اسلامی نظیر سنگسار، قصاص، حد و لغو تبعیضات مذهبی.

– [illegible] منع پیگرد همگانی و رفع موانع بازگشت مهاجرین.

– لغو نظارت استصوابی و انحلال نهادهای گزینش، دادگاه ویژه روحانیت، دادگاه‌های انقلاب و تامین مشارکت برابر حقوق همه شهروندان در حیات سیاسی کشور.

– حق دسترسی کلیه شهروندان به اخبار و اطلاعات.

– پیروی از سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز بین ملل و کشورهای مختلف جهان و تلاش برای ایجاد و تحکیم رابطه دوستانه و برابرحقوق با تمامی کشورهای جهان و بخصوص ممالک منطقه.

برای تداوم و تعمیق اصلاحات سیاسی و فرهنگی ضروری است قانون اساسی بر پایه موازین دمکراسی و حقوق بشر تغییر یابد، ساختار سیاسی دمکراتیک جایگزین ساختار سیاسی ولایت فقیه گردد، همه ارگان‌های سیاسی بطور مستقیم و یا غیرمستقیم از سوی مردم در انتخابات آزاد برگزیده شوند، قوانینی که ناقض حقوق بشر است، ملغی و اصول ناظر بر حقوق بشر پایه تغییر قانون اساسی اعلام گردد و نظام قضائی بر مبنای عرف و اصول دمکراتیک بازسازی شود. مجازات اعدام لغو گردد.

برای مهار بحران اقتصادی و بهسازی زندگی مردم

برای برون‌رفت از بحران اقتصادی و ساماندهی اقتصاد کشور، تغییر ساختار اقتصادی از طریق پیشبرد برنامه توسعه امری است ضرور. ما خواهان پیشبرد آن برنامه توسعه‌ای هستیم که بر تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، گسترش دمکراسی، بهسازی زندگی مردم و تامین عدالت اجتماعی مبتنی باشد. اصلاحات سیاسی شرط رشد اقتصادی است اما در عین حال همزمان با اصلاحات سیاسی ضروری است اقدامات مناسب جهت مهار بحران اقتصادی و بهبود زندگی مردم صورت گیرد. در این راستا ما اقدامات زیر را پیشنهاد می‌کنیم:

– سرمایه گذاری در بخش مولد صنعتی، تکنولوژی، پژوهشی و کشاورزی در کلیه مناطق کشور مورد تشویق و حمایت قرار گیرد و موانع موجود در این عرصه برطرف شود.

– برنامه‌ریزی برای جلوگیری از متورم شدن بیشتر سرمایه‌های تجاری – دلالی و سرمایه‌های سرگردان و سرازیر شدن آنها بسوی بخش‌های مولده جامعه اتخاذ گردد.

– برقراری رابطه اقتصادی با تمامی ملل و دولت‌های گیتی با در نظرداشت منافع ملی.

– بنیاد مستضعفان و دیگر نهادهای مشابه آن تحت نظارت و هدایت دولت قرار گیرد و از آنها مالیات اخذ گردد.

– رانت‌های اقتصادی حذف و کمک‌های اقتصادی به جریان اسلامی در دیگر کشورها قطع گردد.

– نهادهای موازی در هم ادغام شود و نهادهای زاید و هزینه‌زا منحل گردد.

– از اهرم مالیاتی، بودجه گذاری و سوبسید برای افزایش قدرت خرید اقشار کم‌درآمد و کاستن از فاصله فقر و ثروت بهره گیری شود.

– دستمزد کارگران و کارمندان در شرایط بحران اقتصادی کنونی، از طریق افزایش آن به میزان تورم سالانه، تثبیت شود.

– تدابیر ضرور برای کاهش بیکاری در کشور اتخاذ گردد.

– درمان و بهداشت همگانی تامین و از صندوق‌های بیمه، بازنشستگی و سازمان‌های تامین اجتماعی حمایت شود و سیاست‌های ضرور برای حذف واسطه‌ها و دلال‌ها اتخاذ گردد.

ما و نیروهای اجتماعی جنبش آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه

[illegible] جنبش‌های دانشجویی، کارگری و زنان، نویسندگان و هنرمندان، خلق‌های محروم از حقوق ملی و فرهنگی و مدافعان محیط زیست، نیروهای اجتماعی جنبش آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه کشور هستند. ما در مبارزه برای پیشبرد اصلاحات سیاسی و فرهنگی بر این نیروها تکیه داریم. رئوس سیاست‌های ما در قبال این نیروها عبارتند از:

– دفاع از مطبوعات مستقل و منتقد در برابر یورش ارتجاع و حمایت از مبارزه آنها برای تامین آزادی بیان و عقیده در برابر مدافعان جامعه تک‌صدایی و پیشبرد همکاری با آنها.

– حمایت از خواسته‌های جوانان و نوجوانان، مشارکت و فعالیت آنها در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور، دفاع از آزادی فعالیت گروه‌های دانشجویی با دیدگاه‌ها و گرایش‌های سیاسی متفاوت، از تامین استقلال جنبش دانشجویی از حکومت و جناح‌های حکومتی.

– دفاع از نویسندگان، هنرمندان و فرهنگ‌سازان در مقابل اقدامات سرکوبگرانه و حمایت از تشکل‌های مستقل آنها بویژه کانون نویسندگان.

– مبارزه علیه مقررات ضدزن، فرهنگ مردسالاری و مبارزه برای تامین حق برابری زن و مرد و دفاع از ایجاد تشکل‌های مستقل زنان.

– کوشش در جهت تقویت پیوند جنبش کارگری با جنبش آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه، حمایت از مبارزات و مطالبات صنفی کارگران و از تلاش فعالان کارگری برای ایجاد سندیکاهای مستقل.

– مبارزه با هرگونه ستم ملی، فرهنگی و مذهبی علیه اقلیت‌های ملی و مذهبی در کشور، حمایت از خواسته‌های دمکراتیک و وحدت‌طلبانه جنبش‌های ملی، تقویت تفاهم و اتحاد بین همه خلق‌های ایران به منظور تقویت جنبش برای توسعه سیاسی کشور که زمینه‌ساز تحقق فدرالیسم و عدم تمرکز در کشور است.

– مبارزه برای حفظ محیط زیست و تلاش برای فارویاندن آن به یک جنبش فراگیر.

موضع ما نسبت به اصلاح‌طلبان حکومتی

ـ اصلاح‌طلبان حکومتی در مبارزه برای گشایش فضای سیاسی در کشور و در مبارزه علیه نیروهای تمامیت‌گرا و خشونت‌طلب با نیروهای آزادیخواه و اصلاح‌طلب همسو هستند. مواضع سیاسی اصلاح‌طلبان در وجوهی با مواضع ما دارای اشتراکاتی است. ما از سیاست‌ها و اقدامات آنها در پیشبرد وجوه مشترک و از مبارزه آنها برای تحقق اصلاحات سیاسی و فرهنگی استقبال کرده و در جهت تقویت آن می‌کوشیم و تعلل و محافظه کاری‌های آنها را در این زمینه مورد انتقاد قرار می‌دهیم و تلاش می‌کنیم تناقض در مشی نیروهای اصلاح‌طلب حکومتی بین سیاست رفرم و پایبندی به مبانی غیردمکراتیک نظام سیاسی ولایت فقیه، بسود سیاست رفرم حل شود. ما گفتمان سیاسی با اصلاح‌طلبان حکومتی را پیش می‌بریم.

– در بین نیروهای چپ مذهبی تفکیک‌های بارزی صورت گرفته است. طیفی از آنها همچنان در مواضع سنتی باقی مانده و طیف دیگری در جهت پذیرش دیدگاه‌ها و مواضع نو در زمینه تفکر مذهبی، جمهوریت، مشارکت مردم، مسائل بین‌المللی و بخشاً در رابطه با نیروهای اپوزیسیون گام‌های مثبتی برداشته‌اند. ما این تحول را به سود اصلاحات سیاسی و فرهنگی در کشور می‌دانیم و در جهت تقویت آن تلاش می‌کنیم.

– در میان کارگزاران که یکی از نیروهای اصلاح‌طلب حکومتی است، هم تمایل به تمامیت‌گرایان و هم تمایل به چپ‌های مذهبی وجود دارد. ما بر تقویت گرایشات مثبت در درون صفوف کارگزاران تاکید داریم.

موضع ما نسبت به تمامیت‌گرایان و خشونت‌طلبان حکومتی

تمامیت‌گرایان و خشونت‌طلبان در سال‌های اخیر مجبور به تحمل عقب‌نشینی‌ها و شکست‌های جدی‌ای شده‌اند. تمامیت‌گرایان در حال فاصله گرفتن از جریان‌های افراطی و خشونت‌طلب هستند. این روندها می‌تواند امکانات نیروهای آزادیخواه و اصلاح‌طلب را افزایش دهد.

تمامیت‌گرایان و خشونت‌طلبان مانع پیشرفت اصلاحات سیاسی و فرهنگی در کشور هستند و سیاست ما همچنان افشاء برنامه، سیاست‌ها و اقدامات آنهاست. ما ضمن مخالفت با حذف فیزیکی مخالفین، بر طرد و انزوای نیروهای افراطی، خشونت طلب و انحلال باندهای جنایتکار تاکید داریم.

قانونیت و فعالیت علنی، آزاد و قانونی

ما از قانونیت مدنی و برابری همه شهروندان در مقابل قانون دفاع می‌کنیم و معتقدیم که قوانین باید بر پایه حقوق بشر و حقوق دمکراتیک مردم و توسط نهادهای منتخب مردم تدوین شود و حق نافرمانی مدنی هر شهروند علیه قوانین غیردمکراتیک و ناقض حقوق‌بشر و علیه کاربرد قهر برسمیت شناخته شود.

ما لازمه پیشرفت اصلاحات سیاسی و فرهنگی در کشور را در آن می‌دانیم که جنبش جاری آزادیخواهی و اصلاح‌طلبی در قالب احزاب و سازمان‌های سیاسی و تشکل‌های دمکراتیک متشکل شود و حضور سیاسی آنها شکل قانونی بخود بگیرد. به نظر ما دولت ملتزم است حق فعالیت آزاد احزاب سیاسی را تامین و تضمین نماید و شرایط فعالیت قانونی ما و سایر نیروهای سیاسی را فراهم آورد.

سازمان برای دستیابی به فعالیت علنی، آزادانه و قانونی در ایران تلاش میکند و اقدامات خود را متناسب با پیشروی جنبش آزادیخواهانه و اصلاح‌طلبانه، گشایش فضای سیاسی و تغییر توازن قوا به زیان نیروهای تمامیت‌گرا و خشونت‌طلب پیش می‌برد. ▣

www.iran-archive.com

پیام کنگره ششم سازمان به مردم ایران

هم‌میهنان!

کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در فاصله دو جشن بزرگ ما ایرانیان برگزار شد. یک هفته پس از جشن عظیمی که شما در ۲۹ بهمن ماه برپا کردید و در آن، متحد و آگاه یکبار دیگر به ارتجاع و استبداد، «نه!» گفتید و نیز دیگر بار اراده سترگ خود برای تحقق آزادی و دمکراسی در کشور را نشان دادید؛ و سه هفته پیش از جشن نوروز که نشانه تازگی، شادی و امید به پیروزی در پیش ما ایرانیان است. کنگره ششم سازمان این دو جشن را به شما هم‌میهنان شادباش می‌گوید و با ستایش عظمت کار شما در پایانه سال ۱۳۷۸، سال نو را برای شما، سال کامیابی‌های بیشتر در راه غلبه بر موانع اصلاحات سیاسی و اقتصادی در کشور آرزو می‌کند.

مردم آزاده ایران!

جنبشی که همه ما آغاز کرده‌ایم، جنبشی است بی‌بازگشت. ایران ما، دیگر نمی‌تواند به قیودات ارتجاعی و تحمیل‌های استبدادی بیست سال گذشته تن در دهد. ایران ما دیگر نمی‌خواهد در سیطره گروهی انحصارطلب که همه کشور را در خدمت خود می‌خواهند، قرار بگیرد. به یمن خیزش همگانی، استبداد ناچار از واگذاری مواضع خود است و همچنان سنگرهای مقاومت را یک به یک از دست خواهد داد. جوانان ما دیگر نمی‌خواهند مقهور حکومت سیاه ناله و ندبه باشند. آنها شادی می‌خواهند، آزادی می‌طلبند و کار و پیشرفت می‌جویند. زنان ما حاضر نیستند در برابر تحقیری که جنبه حکومتی و قانونی به خود گرفته است، سر بر زمین بسایند. زنان ما، آزادی و برابرحقوقی با مردان را می‌خواهند و آن را هم مرحله به مرحله بدست می‌آورند. کارگران، کارمندان، هنرمندان و فرهنگ‌سازان کشور در برابر استبداد دینی به پا خاسته‌اند و حتی اکنون بسیاری از اهل دین و مذهب نیز علیه حکومت ولایت فقیه هستند. در چنین شرایطی که اصلاحات، خواست عمومی است و مخالفت با ولایت فقیه به تمایل همگانی بدل می‌شود، قطعی است که سیستم استبداد، امریت و انتصاب مجبور به عقب‌نشینی دیرتر نظام مردم‌سالاری، جمهوریت و انتخاب است. راه شما مردم، راهی بی‌بازگشت است.

نیروهای آزادیخواه!

در این روزهای آستانه عید نوروز که کام همه ما از پیروزی بزرگمان شیرین است، بکوشیم تا این همدلی عمومی برای به فرجام‌رساندن مبارزه علیه آمران و عاملان قتل و پیگرد آزادی‌خواهان و علیه غارتگران اموال عمومی را از دست ننهیم. ایران برای همه ایرانیان است و هرگاه همه ایرانیان امکان یابند که با فکر خود، با برنامه و سیاست‌های خود به شیوه‌ای که خود می‌پسندند در صحنه حضور یابند. آن‌گاه و فقط آن‌گاه است که اتحاد واقعی و پایدار مردمی در برابر بدخواهان مردم معنی خواهد یافت. ما در کنگره خود بر این حقیقت تاکید کردیم و اتحاد از این دست را راه پیشرفت جنبش آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه در کشور دانستیم. ما دست اتحاد را به سوی هر نیرو، جریان و فردی که در مبارزه علیه مستبدان انحصارطلب، خود نخواهد از نوع دیگری از استبداد پیروی کند و خود نخواهد که دست به نحوه دیگری از انحصارطلبی دست بزند، دراز می‌کنیم و یقین داریم که چنین اتحادی می‌تواند رهگشای مردم مادر ایجاد ایرانی آزاد و دمکراتیک باشد. ایرانی که در آن، همه توان‌ها و خلاقیت‌ها برای پیشرفت و ترقی کشور هزینه شود و ما طرفداران عدالت اجتماعی نیز بتوانیم بر زمینه این پیشرفت، در راه تحقق اهداف مردمی خود پیش برویم.

زنده باد جنبش عظیم مردم ایران‌در راه آزادی و اصلاحات
کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
اسفند ماه ۱۳۷۸

پیام ششمین کنگره سازمان به اعضاء و هواداران سازمان

رفقا!

ششمین کنگره سازمان به یاری همه شما اعضاء و هواداران سازمان که از جان و جوانی خود مایه گذاشته‌اید تا سازمان را به این منزلگه رسانده‌اید، با موفقیت برگزار شد. این کنگره نیز همچون کنگره‌های پیشین، با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد همه یارانی که در بیست و نه سال گذشته در راه پاسداری از آرمانهای سازمان و برای تحقق اهداف آن جان باخته‌اند، آغاز به کار کرد. کنگره ششم ما، اگرچه همچون پنج کنگره پیشین متاسفانه در خارج از کشور برگزار گردید، اما خوشبختانه فضای کنگره تماماً در تسخیر تحولات سیاسی شگرفی بود که ایران ما را درمی‌نوردد. ما جای همه رفقایی را که می‌خواستند ولی نتوانستند در این کنگره حضور یابند، خالی یافتیم، اما در طول پنج روز کار کنگره همواره دل‌نگرانی و چشم‌انتظاری این رفقا را مد نظر داشتیم.

دوستان سازمان در داخل کشور!

جنبش عظیم مردم ما برای عقب راندن نیروهای مرتجع و راستگرا، و اراده ملی در کشورمان برای انجام اصلاحات در جریان انتخابات مجلس ششم، برآمد دیگری و اینبار برآمد قدرتمندی کرد و صحنه سیاسی کشور را به نحو تکان‌دهنده‌ای به سود آزادی، اصلاحات و پیشرفت تغییر داد. همگان، اعم از مخالفان و یا موافقان ما می‌دانند که شما در این حرکت مردمی چه میزان مؤثر بوده‌اید. شما با آگاهی از خصلت تحولاتی که طی این سال‌ها در کشور جریان دارد، فعالانه در صحنه حضور یافته‌اید و با اتکا به اندوخته‌های غنی خود و با بکارگیری خلاقیت و ابتکار در روش کار، نقش خود را به نحو موثری ایفا نموده‌اید. جنبش دوم خرداد، جنبش مردم برای آزادی و اصلاحات است و این جنبش قبل از همه بر نیروهایی تکیه دارد که از سال‌های دور، برای آزادی، دمکراسی و پیشرفت مبارزه می‌کنند. کنگره، نقش تحسین‌برانگیز شما دوستداران خود در داخل کشور را در گسترش و تعمیق این جنبش می‌ستاید و به شما که بی‌هیچ چشم‌داشتی و در شرایط سخت، پیگیرانه به وظیفه خود عمل می‌کنید درود می‌فرستد. این شما و دیگر فعالان پیگیر دمکراسی هستید که می‌توانند و باید افق‌های وسیع‌تری را پیش‌روی جنبش بگشایند.

فعالان سازمان در خارج از کشور!

ما به جنبش عظیم مردمی در داخل کشور زنده‌ایم. ما ادامه حیات بالنده سیاسی خویش را مدیون حرکت زندگی‌ساز در جامعه هستیم. ما، در همانحال وظائف بس خطیری در قبال جنبش آزادی و اصلاحات در کشور داریم. ما باید نقشه‌ها و توطئه‌های مخالفان این جنبش راکه با هر شکست و عقب‌نشینی چون حربا رنگ تازه‌ای به خود می‌گیرند، در گسترده‌ترین شکل عیان کنیم و به افکار عمومی جهان که اوضاع ایران را با حساسیت تعقیب می‌کنند، بشناسیم. ما باید قاطعانه از حقوق همه کسانی که بخاطر جانبداری از جنبش آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه جاری در کشور تحت فشار مرتجعان و راستگرایان حکومتی شده‌اند و می‌شوند، دفاع کنیم. ما باید از هر حرکت و جنبش مردمی آزادی‌خواهانه، ترقی‌خواهانه و عدالت‌طلبانه، به هر طریق ممکن حمایت به عمل آوریم و در خدمت آنها باشیم.

رفقا!

کنگره ششم موفق شد سندی را تحت عنوان «اهداف سیاسی، پیشنهادها و سیاست‌های سازمان» از تصویب بگذراند که راهنمای سمتگیری سیاسی ما در اوضاع و احوال جدید است. این سند، بیانگر آن است که فدائیان خلق با همه قوا در راه گسترش و ژرفش جنبش اصلاح‌طلبانه گام برمی‌دارند، با ولایت فقیه و هر نهاد غیرانتخابی مخالف هستند، برای تغییر قوانین و مقررات ارتجاعی و ضددمکراتیک می‌کوشند و از اصلاح‌طلبان حکومتی دعوت می‌کنند تا در راه اصلاحات گام‌های در خور جنبش مردم بردارند و در عمل به وعده‌های خود پیگیری نشان دهند. این سند زمانی ارزش واقعی خود را خواهد یافت که هر فدائی خلق و دوستدار سازمان، مفاد آنرا به میان مردم ببرد و آنرا در جنبش به راهنمای عمل تبدیل کند.

سازمان ما مانند دیگر نیروهای اپوزیسیون، بیش از بیست سال است که از حضور قانونی و آزاد در داخل کشور محروم است. جمهوری اسلامی، این حق طبیعی ما را از ما سلب کرده است. کنگره سازمان، وقت زیادی را صرف این بحث کرد که ما در شرایط جدید پدید آمده در کشور چگونه باید جویای استیفای این حق پایمال شده باشیم. اکنون که بخشی از حکومتیان اعلام کرده‌اند «ایران برای همه ایرانیان»، اینک که در میان اصلاح‌طلبان حکومتی از «برگشت شرافتمندانه ایرانیان به داخل کشور» است، و حال که روندها در سمتی سیر می‌کند که پوچی نظریه «خودی و غیرخودی» بیش از پیش آشکار می‌شود، این اندیشه در میان ما قوت گرفته است که باید راهکارهایی یافت تا جمهوری اسلامی را به تامین حق حضور قانونی سازمان در داخل کشور واداشت. کنگره سازمان، با عنایت به اینکه باید قوی‌ترین اراده در جهت اعمال این سیاست تامین شود، تصمیم گرفت که طی چند ماه آتی در اینباره بحث‌های گسترده سازمان یابد و آنگاه در یک اجلاس وسیع و صاحب اراده سازمانی، نتیجه بحث‌ها به سیاست سازمان فرا بروید. کنگره، همه اعضای سازمان را فرا می‌خواند که با همه توان در این بحث شرکت جویند و خود را برای این تصمیم‌گیری سیاسی آماده کنند.

رفقا!

کنگره ششم سازمان، موفق شد سندی را پیرامون نظر و مواضع سازمان در قبال مسئله ملی در کشورمان و ارائه راهکارهایی برای غلبه بر این معضل دیرپا تصویب کند. این سند می‌تواند مبنای مناسبی برای پیوند سازمان با جنبش‌های دمکراتیک و حق‌طلبانه در مناطق ملی کشور باشد و از این طریق توان دمکراسی در میهنمان، ایران را، افزایش دهد. کنگره، همه دوستداران سازمان را فرا می‌خواند تا در تبلیغ و ترویج ایده‌ها و مواضع سازمان در زمینه حل مسئله ملی در کشورمان بکوشند.

رفقا!

ایران متحول ما در انتظار تحولات بزرگی است. بکوشیم تا سهم خود در این تحولات مثبت و سازنده را به شایستگی ایفا کنیم. کنگره ششم سازمان ملهم از عظمت جنبش آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه در کشور و با امید به آینده همه شما دوستداران سازمان دعوت می‌کند که دست در دست دیگر نیروها و جریان‌های آزادی‌خواه، و با گام‌های استوار در مسیر جنبش سرنوشت‌ساز کنونی پیش بروید. کنگره از شما دوستداران سازمان که عمری را در راه اهداف جنبش چپ و در راه سوسیالیسم و عدالت‌طلبی طی کرده‌اید، برای متشکل کردن کارگران و زحمتکشان در ایفای حقوق‌شان و در تقویت جنبش مردمی علیه زورگویان و غارتگران بکوشید. پیروز باشید.

کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران(اکثریت)

تزهایی پیرامون مسئله ملی در ایران

الف) بنیانهای ناظر بر حل دمکراتیک مسئله ملی

تجارب دور و نزدیک چه در کشور ما و چه در سطح جهانی نشان داده است که حل مسئله ملی بر اساس دیدگاه‌های ایدئولوژیکی، مذهبی، شوونیستی و تمرکزگرایانه نتیجه‌ای جز تنفر، تفرقه و خصومت میان ملل ندارد. انتخاب دمکراتیک بنیان حل مسئله ملی است و از این رو، حق تعیین سرنوشت، اصل ناظر بر روابط خلق‌هاست.

اجرای اصول دمکراسی و رعایت حقوق‌بشر، تامین شرایط رشد موزون هر بخش از کشور صرفنظر از تعداد ساکنین و سطح رشد اجتماعی – اقتصادی و تعلقات فرهنگی و مذهبی آن‌ها، و برابری حقوق همه ملیت‌های ساکن در میهن مشترک ایران، راهنمای ما برای حل مسئله ملی در جامعه ما است.

ب) ساختار حکومتی و شیوه اعمال حکومت مردم بر مردم

۱ – ایران کشوریست چند ملیتی که در آن فارس‌ها، آذری‌ها، کردها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها، عرب‌ها و دیگر گروه‌های قومی هزاران سال است که در ایجاد، گسترش، غنا و تداوم تمدن ایران کوشیده‌اند و در طی قرنها، باهم از نظر تباری، قومی، فرهنگی و اقتصادی در آمیخته و با همه تفاوت‌ها و ویژگی‌ها، ایران امروز را بوجود آورده‌اند. با وجود اشتراکات ساکنین ایران با یکدیگر، در عین حال آنان به لحاظ ویژگی‌های ملی و فرهنگی، از یکدیگر متمایز هستند. هر حکومت و ساختار دمکراتیک در ایران، این واقعیت را باید در قانون اساسی خود بازتاب دهد.

۲ – ایجاد حکومت‌های خودمختار ملی در چارچوب جمهوری فدراتیو ایران، مناسب‌ترین اهرم رفع ستم ملی و رشد و شکوفایی ملیت‌های ساکن‌ایران می‌باشد. حکومت‌های خودمختار ملی، توسط نمایندگان منتخب مردم در مجلس‌های ملی مناطق تشکیل خواهد شد.

۳ – هر مجلس ملی از حق وضع قوانین محلی در چارچوب قانون اساسی جمهوری فدراتیو برخوردار می باشد. هر حکومت خودمختار ملی حق دارد باتوجه به امکانات و ویژگی های منطقه خود، شکل اداره امور منطقه خود را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تنها در چارچوب سیاست‌های عمومی جمهوری فدراتیو پیش ببرد.

۴ – بر اساس اصل برابر حقوقی همه ملیت‌های ساکن ایران، نمایندگان مناطق خودمختار ملی، در اداره امور دولت مرکزی شرکت مستقیم خواهند داشت.

۵ – اقلیت‌های ملی و مذهبی که در مناطق ملی ساکن می‌باشند، از حق کامل آزادی‌های ملی، فرهنگی و مذهبی خود برخوردار بوده و حکومت خودمختار موظف به رعایت و پاسداری این حقوق می باشد.

۶ – سازمان ما مناسب‌ترین شیوه تحقق حق تعیین‌سرنوشت ملیت‌های ایران را اتحاد داوطلبانه آن‌ها در چارچوب ایرانی یک‌پارچه، آزاد و دمکراتیک در مرزهای کنونی می‌شناسد و با همه قوا در ترویج این برنامه و اجرای آن می‌کوشد. سازمان هر آنچه در توان دارد در راه تفاهم و اتحاد خلق‌های ایرانی به‌کار می‌گیرد. ساکن ایران نمی‌داند و استفاده از خشونت برای حل مسئله ملی را از طرف هر نیرویی رد می‌کند.

۷ – سازمان ما می‌کوشد خواست‌های فدرالیسم و عدم‌تمرکز با سایر خواست‌های دمکراتیک جنبش آزادی‌خواهانه جاری مردم ایران پیوند یابد. سازمان با استقبال از جنبش فرهنگی جاری در مناطق ملی کشورمان، در راه شکوفایی این جنبش‌ها و پیوند خوردن آن‌ها با جنبش آزادی‌خواهانه عظیمی که در سراسر کشور جریان دارد، تلاش می‌کند.

۸ ـ در اتخاذ سیاست کلان در مورد توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورمان،باید اولویت با آن مناطقی باشد که بدلیل سیاست تبعیض‌آمیز حکومت کنونی و رژیم سابق، بشدت عقب نگه داشته شده‌اند.

پ) مسئله زبان در ایران

۱ – زبان مشترک همه ملیت‌های ساکن ایران، زبان فارسی است که همراه زبان هر ملیت در موسسات آموزشی کشورمان تدریس می گردد.

۲ – به رسمیت شناختن حق تحصیل به زبان مادری هر ملیت در مدارس و دانشگاههای کشورمان. دولت مرکزی موظف می‌باشد که امکانات کافی و ضرور را برای این امر مهم فراهم نماید.

۳ – اقلیت‌های ملی ساکن در مناطق ملی از حق تحصیل به زبان مادری برخوردار می‌باشند.

ج) واحدهای سازمان در مناطق ملی و مناسبات ما با نیروهای ملی

۱ – واحدهای سازمان در مناطق ملی در چارچوب سمت‌گیری برنامه‌ای سازمان از استقلال کامل سیاسی – تشکیلاتی برخوردار می‌باشند.

۲ – نماینده واحدهای سازمان در مناطق ملی با حق رای قطعی به عنوان عضو شورای مرکزی سازمان محسوب می‌شوند. این نماینده‌ها توسط خود واحدهای مناطق ملی انتخاب می‌شوند.

۳ – سازمان مناسبات خود را با احزاب و سازمان‌های ملی و دمکراتیک در مناطق ملی، بر پایه حفظ رابطه برابرحقوق، گسترش همکاری‌های متقابل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر برقرار می‌نماید.

www.iran-archive.com

پیام کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به نمایندگان اصلاح طلب مجلس ششم

نمایندگان اصلاح‌طلب دورهٔ ششم مجلس شورای اسلامی!

ما اعضای کنگرهٔ ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که از روز ششم اسفندماه همایش رسمی خود را آغاز کرده و هم اینک آنرا با حضور بخشی از نمایندگان دیگر احزاب و جریان‌های فکری ـ سیاسی اپوزیسیون ادامه می‌دهیم، تصمیم گرفتیم تا نظر به اهمیت لحظه تاریخی که همه ما در آن قرار داریم، از طریق صدور این پیام، با شما سخن به نیکخواهی بگشائیم و آرزو کنیم که شما در عمل به مسئولیت بزرگی که مردم بر دوش شما قرار داده‌اند، سرافراز از آزمون درآئید.

بیش از هر چیز، با مسرت بسیار، پیروزی بزرگ مردم کشور علیه مقاومت تمامیت خواهان حکومتی در جریان انتخابات دورهٔ ششم مجلس شورای اسلامی را به شما که در تحقق این پیروزی ملی نقش داشتید، شادباش می‌گوئیم. میزان کامیابی و محبوبیتی که شما در این چند سال بدست آورده‌اید، متناسب است با حد چهره‌نمایی شما در عرصه اصلاح‌طلبی و تحول خواهی؛ و لازمه حفظ و ارتقای آن نیز، همانا پایبندی و پیگیری شما در این عرصه می‌باشد.

آنچه که در روز ۲۹ بهمن ماه رخ داد، نه یک انتخابات معمولی که در عمل یک رفراندوم تاریخی بود. درست در شرایطی که همه دگراندیشان و نیروهای آزادیخواه مخالف و منتقد ولایت فقیه از شرکت در انتخابات محروم شدند، و درست در وضعیتی که بخش عمده‌ای از شاخص‌ترین چهره‌های اصلاح‌طلبان حکومتی با کاربست روش‌های انحصارطلبانه و بویژه در نتیجه عملکرد زورمدارانه شورای نگهبان از گردونه انتخابات دور ماندند، مردم سرشار از انگیزه تحول جویی و امید به تحول درکشور، یکبار دیگر همچون دوم خرداد و اینبار در فرازی بمراتب بالاتر، دست به اعمال اقتدارجویان و خشونت‌گرایان «نه» گفتند و با صراحت تمام پیام‌های آزادیخواهانه، تحول‌طلبانه و مسالمت‌جویانه خود را هم به شما و هم به مخالفان شما در حکومت رساندند. وعده‌های انتخاباتی اصلاح‌طلبانه و بویژه شعار «ایران برای همه ایرانیان» که جبهه مشارکت اسلامی آنرا به درستی به پرچم مبارزات انتخاباتی خویش بدل کرد، بالاترین سطح از ابراز اعتماد مردم از آنها را به نمایش گذاشت و امکان فراهم آورد تا مردم به این وسیله نفرت سیاسی خود را از بیست سال استبداد، تبعیض و قتل‌های آشکار و پنهان نشان دهند. از قاطعیت مردم ما همین بس که در تهران حتی یک نفر از اقتدارگرایان را نگذاشتند به مجلس راه یابد و از شفافیت تصمیم آنان این یک نشانه بس که کسی را که مدعی اصلاح بود اما در صدر لیست محافظه کاران و اقتدارگرایان جا گرفت، به آخر جدول راندند و اثبات کردند که بهیچ رو با کسانی که پیام جامعه مدنی را نگرفته و از توسعه سیاسی چیزی نفهمیده‌اند، کنار نخواهند آمد.

نمایندگان اصلاح طلب مجلس ششم!

امروز در نتیجهٔ برآمد تاریخی مردم ایران، تغییرات بزرگی در صحنه سیاسی کشور صورت گرفته و تحولات باز هم بزرگتری پیش روی جامعه ماست. اگر دوم خرداد سال ۱۳۷۶ تجلی برگشت‌ناپذیری روند تحولات در جامعه بود، ۲۹ بهمن ماه سمبل شتاب‌گیری این روند است. اکنون دیگر، هیچکس نمی‌تواند در انجام رفرم‌ها تأخیر ورزد و تعلل جوید و نرفتن پای اصلاحات جدی و ضرور را با سرعت و بزرگ‌بودن موانع توجیه کند. ۲۹ بهمن ماه نشان داد که اصلاحات در کشور، خواست قاطع اکثریت عظیم مردم ایران است و اصلاح‌طلبی نیروی خود را از همه جامعه می‌گیرد و در همه جای کشور نیرو دارد. اینک به یمن دخالت تاریخی مردم، و تیزهوشی و تلاش شورانگیز زنان و جوانان ایرانی دومین سنگر بزرگ اقتدارگرایان تسخیر شده و راه برای وضع [illegible] آمده است که لوایح اصلاح‌طلبانه از سوی دولت آقای خاتمی با طرح‌های اصلاح‌طلبانه از طرف مجلس ششم تکمیل شود. این شمائید که بدلیل برخورداری از اهرم‌های قدرت قانونگذاری، می‌توانید و باید بی هیچ درنگی دست به کار شوید و به وعده‌هایی که به میلیونها مردم تشنه آزادی اصلاحات داده‌اید، عمل کنید.

در این راستا، اتخاذ تدابیر قانونی توسط شما برای حل مسایل فوری زیر از اولویت ویژه برخوردار است:

ـ تأمین فعالیت آزادانه همه احزاب و سازمانهای سیاسی.

ـ آزادی زندانیان سیاسی و منع پیگرد نیروهای سیاسی.

ـ تشکیل کمیته حقیقت یابی ملی برای رسیدگی به قتل‌های زنجیره‌ای.

ـ تضمین انتشار آزادانه مطبوعات و لغو همه قوانین و مقررات آزادی‌ستیزانه که مانع از آزادی مطبوعات هستند.

ـ تغییر قانون انتخابات و لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان.

ـ الغا قوانین مغایر با اصل برابر حقوقی زنان با مردان.

ـ تأمین شرایط بازگشت مهاجرین سیاسی.

ـ انحلال دادگاه ویژه روحانیت و دادگاههای انقلاب و رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی در دادگاههای عام با حضور هیئت منصفه.

ـ تغییر قوانین و ساختار قوه قضائیه جهت تطبیق آنها با موازین حقوق بشر بر پایه برابر حقوق شهروندان.

ـ پیگیری سیاست خارجی صلح جویانه و مبتنی بر منافع ملی و اقدام برای برقراری رابطه سیاسی با آمریکا.

ما فدائیان خلق ایران (اکثریت)، اعلام می‌کنیم که از هر گام شما در این راستاها پشتیبانی خواهیم کرد و در همانحال با تأکید مستمر بر مسئولیت شما در عمل به خواسته‌های فوری مردم و تحقق وعده‌هایی که داده‌اید، شما را با [illegible]

کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
نهم اسفندماه ۱۳۷۸

قطعنامه سیاسی مصوب کنگره ششم

ما نمایندگان ششمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که نشستمان در روزهای ۷ تا ۱۱ اسفند ماه ۱۳۷۸ و یک هفته پس از برآمد تاریخی مردم در جریان انتخابات مجلس ششم برگزار شد، در پایان تصمیم گرفتیم نظر خود پیرامون برخی موضوعات مبرم را که در مرکز توجه میلیون‌ها نفر از ایرانیان است، اعلام نداریم و همگان را به مبارزه متحد برای تحقق آنها دعوت کنیم:

۱ ـ جمعی از فرزندان آزاده میهنمان توسط قوه قضائیه و بیدادگاه‌های تابعه آن، به زندان افکنده شده‌اند. گروهی در خطر مرگ قرار دارند که از جمله آنها دانشجوی مبارز اکبر محمدی در انتظار اعدام است. از تعدادی چون رفیق علی توسلی کوچکترین اطلاع رسمی در دست نیست و گروهی دیگر چون امیرانتظام، کدیور و عبدالله نوری به دلیل عقایدشان در زندان به سر می‌برند. کنگره این اعمال قوه قضائیه را محکوم می‌شناسد و خواهان آزادی بی‌قید و شرط همه زندانیان ایران است. کنگره حکم حصر خانگی آقای منتظری را که اکنون بیش از دو سال می‌گذرد، مغایر با حقوق بشر می‌شناسد و خواهان لغو فوری آن است.

۲ ـ عوامل وزارت اطلاعات به فرموده کسانی که هنوز نام آنان اعلام نشده، طی ۲۰ سال اخیر دست به قتل‌های فجیعی زده‌اند که در سال گذشته گوشه‌هایی از آن‌ها افشا شده است.

کنگره خواهان آن است که پرونده کامل این قتل‌های زنجیره‌ای فورا در اختیار وکلای مدافع مقتولان قرار گیرد، کمیته ملی حقیقت‌یاب در رابطه با پیگیری این پرونده تشکیل شود و کلیه آمرین و عاملین قتل‌ها در یک دادگاه علنی صالحه محاکمه شوند.

۳ ـ قانون احزاب باید در جهت انطباق با اعلامیه جهانی حقوق بشر و پذیرش حق فعالیت آزاد همه احزاب تغییر کند. کنگره از نمایندگان مجلس ششم می‌خواهد هر گونه مانع قانونی در راه آزادی و فعالیت احزاب سیاسی کشور را از میان بردارند.

۴ ـ مجلس شورای اسلامی با کمال تاسف در آخرین روزهای حیات خود شمار عظیمی از کارگران میهن ما را از شمول قانون کار محروم اعلام کرده است.

ما به شدت به این رای مجلس معترضیم و لغو فوری آن را طلب می‌کنیم، کنگره همدردی خود را با کارگرانی که سرنوشت آنها گرفتار رای مرتجعین ضد کارگر شده است اعلام و لغو فوری این مصوبه را از مجلس درخواست می‌کند. کنگره از نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس ششم می‌خواهد که با صراحت مخالفت خود با این مصوبه ضدکارگری را اعلام و از کارگران پشتیبانی کند.

۵ ـ کنگره خواهان آن است که پرونده دزدی‌های کلان بنیاد مستضعفان در دادگاه‌های صالحه هر چه زودتر گشوده شود. کنگره از مجلس ششم می‌خواهد با تصویب قوانین ضرور راه فساد و غارت اموال عمومی در بنیاد مستضعفان و دیگر نهادهای چپاولگر زیر نظر رهبری را مسدود و آنها را تحت نظارت و کنترل دولت قرار دهند.

۶ ـ کنگره هشدار می‌دهد که کندی پیشبرد روند اصلاحات داخلی و سیاست خارجی همراه با شتاب رشد بیکاری و تورم از یک سو اوضاع فاجعه‌بار مردم را بدتر و بدتر می‌کند و از سوی دیگر مردم را نسبت به تحولات مثبت دلسرد کرده و راه شکست‌خوردگان را برای میوه‌چینی می‌گشاید.

کنگره توجه اکید دولت آقای خاتمی را به شرایط طاقت‌فرسای معیشت مردم جلب می‌کند. کنگره از دولت انتظار دارد تورم و بیکاری افزاینده را در مرکز توجه قرار دهد.

۷ ـ در نیم قرن اخیر دولت ایالات متحده آمریکا رفتاری با کشور ما داشته که به اختلال جدی و سپس قطع روابط دو کشور پس از انقلاب و زیان‌های متقابل ناشی از وخامت روابط منجر گردیده است.

۸ ـ رفتار خصمانه حکومت ایالات متحده آمریکا علیه مردم ما و بر این زمینه اقدامات ماجراجویانه و غیرمسئولانه جمهوری اسلامی پس از انقلاب علیه این کشور، به قطع مناسبات دو کشور و زیان‌های متقابل ناشی از وخامت روابط منجر شده است. اگرچه اکنون اوضاع جهان و ایران دستخوش تحولات گردیده اما اختلالات جدی دو کشور همچنان لاینحل مانده است. به اعتقاد ما ابراز اراده از سوی دولت جمهوری اسلامی برای برقراری مناسبات با آمریکا و اقدام مثبت دولت آمریکا در آزاد کردن دارایی‌ها و [illegible] ایران نیاز لحظه است.

ششمین کنگره سازمان از دولت آقای خاتمی می‌خواهد که مذاکره مستقیم با دولت ایالات متحده را آغاز کند. کنگره هر گونه کارشکنی و توطئه علیه دولت از سوی مرتجعین برای جلوگیری از مذاکره را محکوم می‌کند. ▣

گزارش ششمین کنگره...

ادامه از صفحه ۵

عهده‌دار کار تنظیم پیامی از سوی کنگره خطاب به نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس ششم نیز شد. طرح پیام بالنسبه به سرعت تهیه و به کنگره ارائه شد. کنگره پیشنهاد هیات رئیسه دایر بر رای‌گیری تنها روی کلیت پیام را تایید کرد. به این ترتیب در نیمه کار کنگره پیام به نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس ششم از تصویب کنگره گذشت و در اختیار رسانه‌های فارسی‌زبان گذاشته شد. نتیجه رای‌گیری روی کلیت پیام: موافق ۷۸ درصد، مخالف ۱۰ درصد، ممتنع ۱۲ درصد.

اقدام دیگر «کمیسیون قطعنامه» تنظیم طرح قطعنامه سیاسی بود. این طرح در آخرین روز کنگره تنظیم شد و به اطلاع کنگره رسانده شد. کنگره طی قراری تنظیم و تصویب نهایی آن را به عهده شورای مرکزی منتخب خود گذاشت و آن را موظف کرد که با رسیدگی به مجموعه پیشنهادهای رسیده، سند را نهایی کرده و انتشار دهد. همچنین کنگره از شورای ششم خواست که گزارش کار خود در این باره و کیفیت آنرا به تشکیلات گزارش کند.

۵ ـ ابزار ساختاری، سازمانی ضرور برای برنامه عمل دوساله

گرچه این مورد در دستور پیشنهادی شورای پنجم کنگره منظور شده بود، اما امکان تدارک آن در دورهٔ فعالیت آن شورا فراهم نیامده بود. از این رو کار در این مورد نیز با اظهار نظر عمومی آغاز شد و به همین حدود نیز محدود ماند. سخنرانان پیشنهادهای متعدد و گاه بدیعی را برای برنامه عمل دوساله آتی سازمان مطرح کردند، اما پیشرفت بحث‌ها آشکار کرد که بدون انجام کار گسترده تخصصی و بدون اشراف جامع به امکانات و محدودیت‌ها، تنظیم سندی در این باره بیشتر می‌تواند به ابزاری دست و پاگیر شورای آتی تبدیل گردد. از این رو کنگره پیشنهادی دایر بر خارج‌کردن موضوع از دستور موافقت کرد و با صدور قراری مقرر کرد که مجموعه پیشنهادهای ارائه شده در اختیار شورای ششم گذاشته شوند. شورا موظف به رسیدگی به پیشنهادها و گزارشدهی به تشکیلات شد.

۶ ـ تصویب سند در باره مساله ملی در ایران

در این باره پیشتر توسط گروه کار امور ملیت‌ها طرح سندی تهیه و در کار شماره ۲۲۲ منتشر شده بود. این کار تدارکاتی با انعکاس نظرات موجود در سازمان پیرامون مساله ملی تکمیل شده بود. بی‌سبب نبود که کنگره بدون دشواری موفق به تعیین سند پایه و متعاقبا تصویب آن شد. غیر از طرح پیشگفته طرح دیگری به کنگره پیشنهاد نشده بود. از این رو مرحله تعیین سند پایه در واقع روشن‌کردن این نکته بود که آیا کنگره طرح مذکور را به عنوان سند پایه کار می‌پذیرد یا خیر، طرح به بحث موافق، مخالف و سپس به رای‌گیری گذاشته شد. طرح با ۸۵ درصد آرای موافق و بدون مخالف به عنوان سند پایه پذیرفته شد و پس از یک نوبت کار کمیسیونی بر روی آن به کنگره ارائه شد. نکته جالب در این نوبت از بررسی سند این بود که میهمانان کنگره از سایر نیروهای سیاسی نیز در بحث شرکت فعالی داشتند. هسته بحث در این نوبت «تعیین» ملیت‌های تشکیل‌دهنده مردم ایران بود. تصمیم کنگره این شد که سند نوبتی دیگر به کمیسیون احاله شود. کمیسیون با کار متمرکزتری بر روی سند، آن رابرای دومین بار به اجلاس کنگره ارائه کرد. پس از رسیدگی به پیشنهادهای رسیده و نیز تغییراتی که در سند وارد شده بودند، کلیت سند به رای کنگره گذاشته شد. ۶۹ درصد موافق، ۳ درصد مخالف و ۷۸ درصد ممتنع نتیجه رای‌گیری در مورد کلیت سند «تزهایی پیرامون مساله ملی در ایران» بود.

۷ ـ تصویب طرح در موضوع جوانان

مقدمتا باید تصریح کرد که حضور دو رفیق بسیار جوان، آراز ۱۸ ساله و نیشتیمان ۲۱ ساله، جوانترین‌هایی که ۶ کنگره سازمان به خود دیده است، و فعالیت و جنب و جوش چشمگیرشان، یکی دیگر از جهات ویژه کنگره ششم سازمان بود. موضوع جوانان بیشتر در دستور کنگره پیش‌بینی نشده بود و طرحی نیز در این باره وجود نداشت. از این رو با واردشدن این موضوع و بحث مقدماتی و انتخاب کمیسیون، که دو رفیق نامبرده نیز به عضویت در آن نایل شدند، کمیسیون در دستور کار خود را با جمع‌آوری پیشنهادها و تهیه طرح بر این پایه آغاز کرد و در مدت کوتاهی طرح خود را به کنگره ارائه کرد. فشردگی دستور کنگره موجب شده بود که روند ارائه طرح‌ها به کنگره به کیفیتی متفاوت از کنگره‌های پیشین صورت گیرد: مادام که کمیسیونی نیازی به طرح مساله‌ای به اجلاس کنگره برای تصمیم‌گیری کنگره نداشت، طرح‌های تهیه شده تنها به اطلاع کنگره رسانده می‌شدند و اعضای کنگره امکان ارائه پیشنهاد ایشان را به کمیسیون ذیربط می‌یافتند.

کمیسیون با کار بعدی روی پیشنهادها، سرانجام طرح نهایی خود را برای تصویب به اجلاس کنگره ارائه می‌کرد. این کیفیت در مورد طرح پیشنهادی کمیسیون جوانان نیز پیش رفت و نتیجتا تنها یک بار برای تصویب به اجلاس کنگره بازگشت. پیرامون کلیت سند رای‌گیری شده که با اکثریت قاطعی (۸۵٪) به تصویب رسید (شمارهٔ آرا موافق، مخالف و ممتنع در گزارش‌ها قید نشده است).

۸ ـ تدقیق طرح دستگاه رهبری

تجربه چندین ساله همواره تغییراتی را در ساختمان دستگاه رهبری ایجاب می‌کرده است. مشارکت نمایندگانی از سوی تشکیلات کشورها به عنوان عضو مشاور شورا، عنصری بود که در کنگره پنجم وارد دستگاه رهبری سازمان شد. تجربه دو ساله اخیر نیز به نوبه خود به بعضی تغییرات رهنمون شده بودند. این تغییرات در طرحی که پیشتر تهیه و به کنگره ارائه شده بود منعکس بودند. طرح مذکور سند مصوب کنگره پنجم را در پایه حفظ کرده بود. تغییرات وارده و آنچه متعاقبا توسط کمیسیون منتخب کنگره آورده شد متوجه تغییر در تعداد اعضای شورا، تفکیک بین مسئولیت هماهنگی شورا و مسئولیت هیات سیاسی ـ اجرایی و نیز تغییراتی متناسب با کیفیتی که کنگره ششم برگزار شد، یعنی کنگره یک به یک، بودند. در این موضوع، این موارد بحث چندانی را برنیانگیختند. بحث‌ها در این موضوع بیشتر بر پیشنهادهایی که سهمیه‌بندی (امتیاز مثبت) برای مشارکت زنان در ارگان‌های سازمان، و یا ایجاد تناسب بین ترکیب جنسی در ارگان‌ها و در کل سازمان، و فراهم‌آوردن شرایط برای حضور افرادی که پیشتر در ارگان‌های رهبری عضو نبوده‌اند در این ارگان‌ها متمرکز بود. در زیر این پیشنهادها و وضع آرا پیرامون آن‌ها گزارش شده‌اند.

پیشنهاد کمیسیون زنان به کنگره ششم:

ـ کنگره ششم اصل سهمیه‌بندی (امتیاز مثبت) برای زنان را می‌پذیرد. هدف این است که بین تعداد زنان و مردان در این ارگان‌ها تعادل بوجود آید؛

ـ هدف نهایی سهمیه‌بندی برای زنان، رسیدن به تساوی زنان و مردان در ارگان رهبری سازمان در آینده است؛

ـ در شرایط امروز، بر اساس پذیرش اصل سهمیه‌بندی، در صورت بودن کاندیدا، نسبت یک به چهار به عنوان مشارکت زنان پذیرفته می‌شود.

این پیشنهاد یک‌جا به بحث و رای‌گیری گذاشته شد و از زمره مواردی بود که کنگره تصمیم به افزودن تعداد سخنرانان موافق و مخالف گرفت. نتیجه رای‌گیری ۲۳ درصد موافق، ۲۳ درصد مخالف و ۵۵ درصد ممتنع.

پیشنهاد ۱۹ نفره:

ـ به منظور گسترش حضور رفقای زن در رهبری سازمان و جبران بخشی از بی‌توجهی و کم‌توجهی گذشته و تاکنونی ما به مساله زنان کشورمان و نقش رفقای زن در هیات سیاسی سازمان «حق رای ترجیحی» درخواست می‌شود:

به آرای رفقای زن نامزد رهبری سازمان به تعدد دو درصد کل رای‌های به صندوق ریخته شده رای ترجیحی اضافه گردد.

نتیجه رای‌گیری: پیشنهاد تصویب نشد (آراء شمارش نشده‌اند)

پیشنهاد رفیق پورنقوی:

به ترکیب تمامی ارگان‌های سازمان، نمایندگی‌ها و کمیسیون‌هایی که توسط ارگان‌های سازمانی ایجاد می‌شوند به لحاظ جنسی باید حداقل با ترکیب جنسی در کل سازمان تناسب داشته باشد.

نتیجه رای‌گیری: پیشنهاد تصویب شد (آرای مخالف و موافق شمارش نشده‌اند).

پس از این پیشنهاد رفیق بهزاد کریمی به قرار زیر مورد بحث و رای‌گیری قرار گرفت.

ـ حداقل یک پنجم اعضای شورای مرکزی باید از کسانی باشند که نخستین بار عضو شورای مرکزی می‌شوند.

پیشنهاد تصویب نشد (آرا شمارش نشده‌اند)

سرانجام پیشنهاد زیر از رفقا اسد، بیژن و کاوه به رای گذاشته شد.

ـ در ترکیب شورای مرکزی از نسبت برنامه‌ای پیروی خواهد شد و بر اساس آراء برنامه‌های مختلف در کنگره اعضای شورا برگزیده می‌شوند.

این پیشنهاد نیز پذیرفته نشد (آرا شمارش نشده‌اند).

کار رسیدگی به پیشنهادهای رسیدگی‌نشده که الزاما باید پیش از انتخابات رسیدگی می‌شدند به اتمام رسید و طرح دستگاه رهبری با تغییرات وارده در آن در کلیت به رای گذاشته شد. ۸۸ درصد موافق، ۴ درصد مخالف و ۸ درصد ممتنع بودند.

۹ ـ انتخابات

سند دستگاه رهبری، «شیوه انتخابات نسبی ساده» را برای انتخابات تعیین کرده و تعداد اعضای شورا را ۱۹ نفر منظور کرده بود. پس از بحث و رای‌گیری تصمیم بر این شد که هر رای‌دهنده حق دادن رای حداکثر به ۱۲ نفر را داشته باشد. پس از این نوبت به ثبت نام کاندیداها و متعاقبا معرفی آنها از خود شد. شمار قابل توجهی از اعضای کنگره که در بین‌شان «چهره‌های جوان» بسیاری وجود داشتند خود را برای عضویت در شواری مرکزی نامزد کرده بودند. برگه‌های آراء توزیع شدند و رای‌گیری آغاز شد. کار سنگینی هنوز پیش رو بود: شمارش آراء. این کار تا پاسی از چهارشنبه شب به درازا کشید و سرانجام ۱۹ نفر صاحبان بیشترین آراء که همگی بیش از ۵۰ درصد آراء را کسب کرده بودند توسط کنگره ششم و به عنوان اعضای شورای مرکزی انتخاب شدند. در بین اعضای شورا سه رفیق زن وجود دارند و ۶ نفر از جمله یک رفیق زن، کسانی هستند که برای نخستین بار به عضویت شورای مرکزی سازمان برگزیده می‌شوند.

کنگره با تبریک به اعضای شورای جدید از تدارک‌کنندگان و کسانی که در جریان کنگره زحمات بسیاری را بدوش کشیدند، و با تصویب قراری که تنظیم نهایی قطعنامه سیاسی در رسیدگی به پیشنهادها و قرارهای بررسی‌نشده را به شورای منتخب خود می‌سپرد، در دیروقت چهارشنبه شب خاتمه یافت. ▣

www.iran-archive.com

پیام‌های سازمان‌ها و احزاب ایرانی به کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیام حزب دمکراتیک مردم ایران

بخش‌هایی از سخنرانی رفیق بابک امیرخسروی در کنگره ششم سازمان.

رفقای محترم هیات رئیسه، رفقای کنگره و مهمانان عزیز!

قبل از هر چیز لازم می‌بینم مراتب سپاس خود را از دعوت ما برای حضور در کنگره ششم، صمیمانه ابراز کنم. برگزاری کنگره، چند روز پس از رویداد بزرگ ۲۹ بهمن را که در جریان آن، ملت بزرگوار و با درایت ایران حماسه‌ای بزرگ‌تر و پرمعناتر از دوم خرداد آفرید، به فال نیک می‌گیرم و امیدوارم پژواک آن در تصمیمات و سمت‌گیری‌های سیاسی کنگره شما شرایط ذهنی لازم را برای مشارکت موثرتر و کارآراتر در روند سیاسی داخل کشور فراهم آورد.

با سپاس فراوان از فرصتی که از وقت گرانبهای کنگره برای صحبت با شما عزیزان در اختیار من گذاشتید، چند کلامی در رابطه با رویداد بزرگ ۲۹ بهمن و وظایفی که به باور من در قبال ما، در مقام چپ‌های دمکرات و معتقد به مشی سیاسی مسالمت‌آمیز در تحولات سیاسی - اجتماعی قرار می‌دهد، به عرضتان برسانم: کسب آراء نزدیک به ۸۰٪ مردم از سوی جبهه دوم خرداد، به ویژه جبهه مشارکت ایران اسلامی که حامیان اصلی دولت محمد خاتمی و اصلاحات بنیادی هستند، خلاصه اشغال سنگر قوه مقننه به دنبال قوه مجریه، بی‌گمان شرایط نوینی را برای پیشبرد برنامه‌های توسعه سیاسی - فرهنگی و اقتصادی اصلاح‌طلبان و آزادی‌خواهان [illegible] فراهم آورده است. با این حال نباید دچار شیفتگی و باورهای شتابزده شد. پیروزی دوم خردادی‌ها در انتخابات مجلس ششم آغاز یک مرحله جدید، اما بسیار حساس یک مبارزه است که می‌باید با هوشمندی با آن مواجه شد. هنوز راه درازی در پیش است که چندان هم هموار نیست. نیروهای هیجده‌گانه جبهه دوم خرداد که در انتخابات به پیروزی دست یافتند، طیف گسترده و ناهمگون است. به هنگام از قوه به فعل درآوردن وعده‌های انتخاباتی، اختلاف‌ها و عوامل بازدارنده بروز خواهد کرد. جناح راست هنوز امکانات مهمی در اختیار دارد و به سادگی دست بر نخواهد داشت. چپ دمکرات و اصلاح‌طلب ایران می‌باید بر اساس اولویت‌ها و ممکن‌ها، برنامه مشخصی در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و تنش‌زدایی تدوین کند و نتایج کار خود را به داخل کشور برساند و در مطبوعات ایران مطرح سازد تا مشارکت مستقل و خاص ما در مباحث روز و مبتلابه کشور باشد.

به نظر من، در یک سال آینده مسائلی نظیر پیگیری قتل‌های زنجیره‌ای با تعمیم آن به سایر قتل‌های سیاسی، طرح لغو نظارت استصوابی، طرح انحلال دادگاه‌های ویژه و کلاً اصلاح نظام قضائی کشور، لایحه مطبوعات در جهت تحکیم آزادی بیان، اصلاح لایحه احزاب و برداشتن قید و بندهای موجود، طرح لایحه‌ای در دفاع از حقوق زن و کودک، موضوع تعریف جرم سیاسی، اقدام در جهت تحقق شعار ایران برای همه ایرانیان و و طرح لایحه‌ای در باره بازگشت مهاجران سیاسی به کشور با رعایت و احترام به حقوق مدنی و انسانی آنها، در زمره اولویت‌هاست. سود نیروهای چپ و دمکرات و اصلاح‌طلب در تحقق این خواست‌ها و تعمیق هرچه دمکراتیک‌تر آنها و پیشتربردن آنهاست. لذا ما باید از نیروهای اصلاح‌طلب و آزادی‌خواه درون جبهه دوم خرداد که در راه تحقق خواسته‌های بالا گام برمی‌دارند فعالانه حمایت کنیم. منظور من از حمایت فعال، داشتن دید انتقادی، ابتکار عمل و ارائه پیشنهادات مشخص در جهت دمکراتیزه شدن آنهاست. لذا حمایت توام با انتقاد سازنده و نه دنباله‌روی، محور مناسبات ما با اصلاح‌طلبان است.

هم اکنون وضع مادی و معیشتی مردم و اوضاع اقتصادی کشور و اشتغال به مرزهای خطرناک رسیده است. اگر جنبش اصلاح‌طلبی و حکومت محمد خاتمی نتوانند در آینده‌ای نه چندان دور، راه‌حل‌های مناسبی برای مشکلات اقتصادی و مالی کشور و امر اشتغال بیابند، خطر دلسردشدن و رویگردانی همین مردم و شکست این جنبش در انتظار اوست. چپ دمکرات اصلاح‌طلب که موضوع عدالت اجتماعی از پایه‌های فکری و بینشی اوست، وظیفه دارد در این [illegible] طرح‌های مشخص و عملی ارائه دهد و برای تحقق آنها فشار بیاورد.

سازمان شما و حزب ما سال‌هاست که با زحمات فراوان جبهه جمهوری‌خواهان آزادی‌خواه را به وجود آورده و منشور آن را تدوین و تصویب کرده است. متاسفانه در سال‌های اخیر فعالیت آن چندان چشمگیر نبوده است. به نظر ما، در شرایط کنونی احیاء دوباره آن و تعمیم آن به برخی دیگر از سازمان‌های ملی نظیر نهضت مقاومت ملی و جبهه ملی و دیگر سازمان‌هایی که واقعاً به تحولات آرام و مشی مسالمت‌آمیز مقیدانند، از کارهای مبرم مشترک ماست.

امیدوارم تصمیمات و اسناد کنگره ششم، در این زمینه نیز راهگشا باشد.

رفقای گرامی!

از حوصله‌ای که برای شنیدن عرایض من نشان دادید سپاسگزارم و از طرف هیات نمایندگی حزب دمکراتیک مردم ایران موفقیت‌تان را در کارهای کنگره و در پیکار برای آزادی و عدالت اجتماعی از صمیم قلب آرزومندیم. زیرا حزب ما به سازمان فدائیان خلق ایران(اکثریت) به گونه حزب واقعاً برادر و متحد درازمدت و استراتژیک خود می‌نگرد و هیچ‌گاه از کوشش در راه تحکیم آن کوتاهی نخواهد کرد. ▣

پیروز و پایدار باشید

پیام سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران به کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

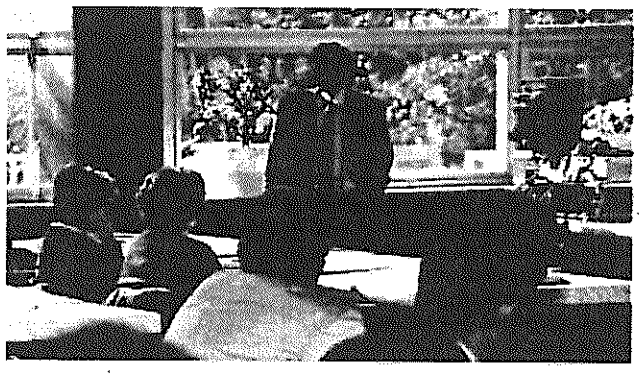

رفقای عزیز!

بدین وسیله برگزاری ششمین کنگره سازمانتان را به شما تبریک می‌گوئیم و موفقیت شما را در انجام این امر مهم آرزو می‌کنیم.

ششمین کنگره سازمان شما در یکی از حساس‌ترین شرایط سیاسی در جامعه ما برگزار می‌شود و از این نقطه‌نظر نیز توجه هرچه مسئولانه‌تر نسبت به تحولات اخیر و اتخاذ سیاست روشن در برابر آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

جامعه ما در طول چند سال گذشته تحولات مهمی را پشت سر گذاشته است. جنبش مردم در مبارزه با استبداد گام‌های مهمی به جلو برداشته و توازن قوا را در هر روز بیشتر از روز پیش به نفع خود تغییر داده است. گسترش دامنه جنبش‌های دمکراتیک، تاثیر خود را در دخالت آگاهانه مردم در انتخابات تحت کنترل رژیم و به شکست‌کشاندن [illegible] ساخت و در تداوم خود، رژیم را وادار نمود که مسئولیت قتل‌های سیاسی سال‌های اخیر را به عهده بگیرد و حمله سازمان‌یافته به کوی دانشگاه که در واقع آغاز یورش برنامه‌ریزی‌شده‌ای علیه جنبش رو به رشد دانشجویی بود، محکوم کند و حداقل در حرف وعده مجازات عاملین آن را بدهد.

از مهمترین تحولات سال‌های اخیر، علاوه بر گسترش دامنه مبارزات دمکراتیک، هم‌چنین استفاده همه‌جانبه مردم از وسائل و ابزارهای مختلف در مبارزه با جمهوری اسلامی بوده است. از انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد سال ۷۶ به بعد، مقاومت مردم کشور ما در مقابل استبداد مذهبی حاکم، ابزار کارآمد دیگری را با موفقیت به کار گرفته است. با حرکت غیرمترقبه دوم خرداد، جنبش مردم نه فقط یک گام اساسی در اعلام حضور امکان عملی تاثیرگذاری بر تحولات سیاسی و دخالت در تغییر صف‌بندی‌ها را با استفاده از رای خود در انتخابات کشف کرده و در ضددمکراتیک‌ترین انتخابات نیز از حق دمکراتیک خود در حد ممکن آن به نحو احسن بهره جسته است. انتخابات شوراها و بخصوص انتخابات ششمین دوره مجلس، یکی پس از دیگری، جهت‌گیری‌ها و اهداف مبارزات مردم را، با تبدیل هر دوی این انتخابات، به میدان تسویه حساب با عوامل و حامیان سرسخت استبداد، به نمایش گذارده‌اند.

جناح‌های مختلف رژیم، هر کدام از نقطه نظر منافع خود در حفظ حکومت اسلامی، حضور مردم در انتخابات را، دلیلی بر حمایت توده‌ها از نظام دانسته و به تفسیر این حضور پرداخته‌اند. عوامل اصلی استبداد، با هر وسیله‌ای در تقلای زدودن آثار آن برآمده‌اند. جناحی که از نعمت حضور مردم متمتع بوده است، در تلاش توجیه اهداف محدود خود به نام اهداف مردم با توجه به همسویی‌های خود با آن برآمده است.

اما شرکت گسترده مردم در انتخابات تحت کنترل رژیم حاکم، با توجه به رای قاطع آنها، در برابر عوامل و نهادهای حافظ استبداد، مفهومی جز اعلام انزجار از حکومت مذهبی ندارد. مردم کشور ما با انتخاب جناح به اصطلاح اصلاح‌طلب رژیم، قبل از همه رای نه خود به عاملین بیست سال حکومت سیاه جمهوری اسلامی را برجسته‌تر می‌کنند، آنها با این کار به جمهوری اسلامی اصلاح‌شده، رای نمی‌دهند، بلکه با نفی دو دهه سلطه سیاه آن، انزجار خود از ادامه حیات آن را به نمایش می‌گذارند. مردم با گوشت و پوست خود لمس کرده‌اند که حکومت مذهبی جمهوری اسلامی مغایر با هر نوع دمکراسی و تحولات دمکراتیک در جهت اعاده حق آن‌ها در تعیین سرنوشت جامعه است. این آن واقعیتی است که نیروهای چپ، مترقی و آزادی‌خواه، در تلاش برای تقویت جنبش مردم، توضیح جهت‌گیری‌ها و اتخاذ سیاست در قبال آن باید مدنظر قرار دهند. این نیروها، مجاز نیستند دفاع مردم از رفرم‌ها را، به دفاع از جناح به اصطلاح رفرمیست حکومت اسلامی تقلیل دهند و خود به دنبال این توهم روانه شوند. آنها ضمن درک اهمیت این رفرم‌ها در تغییر شرایط به نفع مردم، باید بر مغایرت ذاتی حکومت مذهبی با رفرم‌های دمکراتیک و حقوق اولیه مردم انگشت تاکید گذاشته و از خواست برداشتن مانع جمهوری اسلامی بر سر راه اعاده حق حاکمیت مردم دفاع کنند.

امید ما آن است که کنگره شما نیز با عطف توجه به این واقعیت به اتخاذ سیاست در قبال تحولات جاری در کشورمان پرداخته و با صراحت آن را اعلام دارد. ▣

با آرزوی موفقیت و درود به همه شرکت‌کنندگان

هیات اجرایی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

پیام جبهه ملی ایران - آمریکا، سوئد و هلند

دوستان و همرزمان گرامی
نمایندگان شرکت‌کننده در کنگره و رفقای عزیز

سازمان‌های جبهه ملی ایران در آمریکا، سوئد و هلند ششمین کنگره سازمان فدائیان خلق اکثریت را به تمام اعضا، فعالین و رهبری تبریک و تهنیت می‌گوید.

ما خوشوقتیم که به سازمانی پیام تبریک موفقیت می‌فرستیم که در حال مبارزه برای استقرار آزادی و دمکراسی در ایران است.

مردم وطن ما، سال‌ها و روزهای سخت و تاریخی‌ای را می‌گذرانند. و این روزهای خطیر وظایف سنگینی را برای آنها که احساس مسئولیت اجتماعی می‌نمایند تعیین می‌نماید.

سازمان شما راه بسیار طولانی و دشواری را در راه مبارزه برای احراز آزادی در ایران پیموده است. راهی که پستی و بلندی‌های بسیاری در مسیر داشته است. سازمان شما را بسیاری از فعالین سازمان جوانان جبهه ملی ایران در زمان فعالیت مجدد در سال‌های ۳۹ تا ۴۳ ساختند. احمدزاده‌ها، سرمدی و چندی دیگر در سازمان‌های جبهه ملی ایران شکل سیاسی یافتند و بالاخره بیژن جزنی در صف فعالین جبهه ملی سوم به فعالیت پرداخت.

آنچه امروز در ایران می‌گذرد حضور توده‌های وسیع مردم در مبارزه است، اکثریت زنان و مردان جوان برای کسب آزادی به پا خاسته‌اند. حوادث در سال اخیر نشان داد که مردم آگاه حاضر در مبارزه می‌دانند که چه می‌خواهند و در عمل رهبران مبارزه را به جلو می‌رانند. دیکتاتوری مذهبی حاکم در شرایط ورشکستگی اقتصادی نمی‌تواند در مقابل مبارزات مردم بایستد، و این خود سبب رشد و نضج مبارزات مردم می‌شود. مبارزات آزادی‌خواهانه مردم، خودی و غیرخودی، ندارد. مبارزات آزادی‌خواهانه مردم برای کسب همه آزادی‌هاست و برای همه شهروندان ایرانی می‌باشد. مبارزات آزادی‌خواهانه ۲۲ میلیونی برای آزادی اندیشه است، برای آزادی فردی است، برای آزادی زنان است، برای آزادی اجتماعات است، برای آزادی احزاب است، برای آزادی داشتن عقیده و مذهب است. این مبارزات تنها برای آزادی این یا آن دسته و گروه مذهبی علاقمند به حفظ سنت‌های مذهبی و حفظ رژیم با تمام کاستی‌های آن، فقط از جهات حقوق بشر و آن هم از نوع اسلامی آن نمی‌باشد. برای آزادی دگراندیشان نیز هست، برای ایرانی است که یک زن هم بتواند رئیس جمهور شود. برای ایرانی است که هر شهروند یا هر دین و آئین و عقیده‌ای بتواند رئیس جمهور شود. این حرکت تشبث برای حفظ قانون اساسی سراسر تبعیض و عدم تساوی حقوق شهروندان نیست. این حرکت برای نگهداشتن اجباری زنان در چادر نیست. برای اجرای قانون قصاص و برای حفظ افراد غیرمسئول نیست. این حرکت برای درهم ریختن نهادهای غیرقانونی و غیردمکراتیک متشکله در مملکت است که عمده درآمد مملکت را در خود نگهداشته و مسئولیت در برابر هیچ مقامی ندارد، این حرکت برای درهم‌شکستن دهها گروه غیرقانونی است که مردم را به زیر مهمیز نگهداشته‌اند. بالاخره این حرکت برای درهم‌شکستن دیکتاتوری و برقراری آزادی، برای همه شهروندان است.

ما باید مطالعه کنیم که چگونه می‌توانیم در خدمت مبارزات مردم کشور قرار گیریم، ما می‌توانیم و وظیفه داریم که مبارزات مردم را به طور شایسته‌ای در جهان امروز منعکس نماییم. ما می‌توانیم و وظیفه داریم که چهره کریه دیکتاتوری مذهبی با تمام اشکالش را به دنیا بشناسانیم. ما می‌توانیم و وظیفه داریم که قوانین دست و پاگیر انتخابات و حضور نهادهای مذهبی در انجام نادرست و غیردمکراتیک آن را بیش از پیش برملا نماییم و وظیفه داریم که نظرات و آرا دگراندیشان و «غیرخودی»ها و غیرمذهبی‌ها را به گوش مردم جهان بخصوص ایرانیان خارج از کشور برسانیم. ما باید از تمام وسائل موجود برای انجام این منظور استفاده نمائیم.

سازمان ما بسیار امیدوار است که این نهضت، نهضت آزادی‌خواهی و استقرار دمکراسی در ایران به پیروزی خواهد رسید.

حضور و گسترش نام دکتر محمد مصدق در نهضت دانشجویی و نهضت آزادی‌خواهی کنونی در ایران، خود نشان‌دهنده این است که مردم به دنبال حفظ حکومت مذهبی در ایران نیستند. بدون جهت نیست که نهضت دانشجویی را به خاک و خون می‌کشند و افراد و رهبرانش را به زندان می‌اندازند و محکوم به اعدام می‌کنند. این فشارها به آن جهت است که می‌بینند جوانان ایران و روشنفکران حکومت مذهبی نمی‌خواهند بلکه حکومت قانون می‌خواهند، آزادی و دمکراسی می‌خواهند. عناصری که در این قانون اساسی و در این حکومت یافت نمی‌شود.

ما آرزو داریم که همه نیروهای مترقی بتوانند در یک صف علیه ارتجاع ایستاده و مبارزه نمایند. ما دست و آغوش خود را برای یک اتحاد منطقی برای همه آزادی‌خواهان و روشنفکران دمکرات ایران باز نموده‌ایم.

برای رسیدن به این منظور احتیاج به ایجاد جمعی است تا نمایندگانی از همه گروه‌های دمکرات و آزادی‌خواه که این ضرورت را درک کرده‌اند می‌باشد تا مضامین این حرکت را روشن کرده و هر چه زودتر در این راه گام‌برداریم.

ما پیشنهاد می‌کنیم که روابط خود را برای ایجاد و شرایط چنین اتحادی هر چه بیشتر نزدیک نمائیم و بکوشیم که وحدت و اتحاد عمل ما در خدمت پیشبرد حرکت آزادی‌خواهی و ایجاد دمکراسی در ایران قرار گیرد. ▣

برای راهتان موفقیت و برای کنگره شما پیروزی آرزو داریم.

پیام سازمان جمهوری‌خواهان ملی ایران به کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دوستان و همرزمان، کنگره شما در زمانی برگزار می‌شود که مردم ایران با شرکت گسترده خود در ششمین انتخابات مجلس قانون‌گذار ایران دست رد به سینه تاریک‌اندیشان و انحصارطلبان نظام حاکم زدند و خواهان تسریع روندی شدند که به مردم‌سالاری، آزادی، دمکراسی و به تبع آن احیای قانون اساسی ملت، اجرای قانون، آزادی مطبوعات و اجتماعات بیانجامد.

ما از هم‌اکنون می‌توانیم بر آن باشیم که این انتخابات در تغییر چشمگیر توازن قدرت میان خشونت‌گرایان و اصلاح‌طلبان بازتاب خواهد یافت. و این خود زمانی اقبال عمل خواهد یافت، که مبارزه همسو و هدفمند نیروهای سیاسی داخل و خارج کشور با مبارزه مشترک برای آزادی به شکل‌گیری نهادهای لازم برای گذار به دمکراسی و تسهیل شرایط مبارزه یاری رساند.

در این راستا ما امیدمندیم که کنگره سازمان شما به پاسخ‌های راهگشا دست یابد و همکاری مشترکمان با دیگر آزادی‌خواهان هرچه زودتر به حضور ثمربخش در صحنه جامعه و سیاست ایران بیانجامد. ▣

با درود از طرف شورای مرکزی،
مهران براتی
جمعه، ۲۵ فوریه ۲۰۰۰

www.iran-archive.com

پیام‌های سازمان‌ها و احزاب ایرانی به کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیام حزب دمکرات کردستان ایران به کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)،

رفقای گرامی،

برگزاری کنگره ششم سازمان‌تان را به شما و همه نمایندگان شرکت‌کننده در آن تبریک می‌گوئیم و برای کنگره‌تان صمیمانه آرزوی موفقیت در پیشبرد وظائف محوله می‌باشیم.

رفقا، کنگره شما در شرایطی برگزار می‌شود که مردم کشورمان در روند جنبش آزادی‌خواهانه و عدالت‌طلبانه توانمند خود، هر روز گام‌های استوارتری برمی دارند و با هر گام عرصه‌ها و سنگرهای تازه‌تری را از چنگ دشمنان درمی آورند. در مبارزه بین مردم آزادی‌خواه و حاکمان آزادی‌ستیز، مردم کشور ما با استفاده از امکانات رژیم و شکاف‌های درون حاکمیت، نه تنها نبردی تاریخ‌ساز را در راستای بدست گرفتن سرنوشتشان به پیش می‌برند، بلکه شکاف‌های درون حاکمیت ارتجاعی را بطور روزافزون عمیق‌تر می‌سازند. در برابر جنبش توفنده مردم، جناح‌های درون حاکمیت جهت حفظ نظام، دو راه متفاوت را چاره‌ساز می‌دانند. جناح انحصارگر همچنان سرکوب و خشونت را تنها روش می‌بیند. جناح دیگر، در عین تلاش برای حفظ نظام، تغییر در روش‌های تاکنونی و همسویی نیم‌بند با پاره‌ای از مطالبات ابتدایی مردم را چاره می‌شناسد. در واقع جناح اخیر با تاکتیک جهت‌دادن به مبارزات مردم و کشاندن آن به کشمکش‌های درون حاکمیت، می‌خواهد [illegible] برهاند و در نهایت جنبش را به انحراف از اهداف واقعی خود، که درهم کوبیدن رژیم جمهوری اسلامی و استقرار نظام دمکراتیک بجای آن است، بکشاند. دم‌زدن از آزادی، جامعه مدنی و حکومت قانون در زیر سایه قانون اساسی رژیم ولایت فقیهی، از طرف این جناح تنها در چهارچوب این تاکتیک قابل فهم است. والا، همه می‌دانیم که قانون اساسی در تضاد کامل با دمکراسی و حقوق شهروندی شهروندان است. خوشبختانه مردم میهن ما، بویژه روشنفکران، زنان و جوانان دیگر حاضر نیستند فریب «رنگ عوض‌کردنها» و «ژست دمکرات‌مابانه بخود گرفتنها» را بخورند. آنها با تجارب و آموزش‌هایی که از یکی از سیاه‌ترین دوران تاریخ کشورمان دارند، نه تنها میان مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی و تلاش برای اصلاحات تناقضی نمی‌بینند، بلکه آنرا مکمل یکدیگر ارزیابی می‌کنند. جنبش مردم ما، بویژه در سال‌های اخیر دلیل روشنی است در اثبات این مدعا. لذا جا دارد که آن بخش از نیروهای اپوزوسیون که چشم امید به معجزه این جناح دوخته‌اند، بجای عدم صراحت و قایم‌باشک سیاسی و اعتقاد به این امر که تحول سیاسی در کشور ما فقط و فقط در چارچوب روابط، تحولات و مناسبات نیروهای حاکم قابل تحقق است، به فاکتور مردم و جنبش آنان توجه بکنند و معجزه را بدست آنان قابل تحقق بدانند.

و اما در مورد مسئله ملی در ایران: بدون شک در مرحله تاریخ‌ساز کنونی کشورمان که مبارزه علیه واپسگرایی و استبداد مشخصه‌های برجسته آن است، یکی از شاخص‌های اصلی در برآورد دمکرات‌بودن هر سازمان و نیروی سیاسی کشور، موضع‌گیری آنان در قبال برابری حقوق همه خلق‌های تشکیل دهنده کشورمان است. در این زمینه تزهایی را که رفقای گروه خلق‌ها در سازمانتان، تحت عنوان «تزهایی در رابطه با مسئله ملی» اخیراً در نشریه کار ارایه کرده بودند، نه تنها مایه دلگرمی و نشانگر حسن مسئولیت این رفقا در برابر آینده [illegible] آنها از این امر است. زیرا یکی از شروط بسیار مهم استقرار دمکراسی در کشور کثیرالمللهای مثل ایران، تامین حقوق برابر برای همه خلق‌های میهن ما است. امید است که این تزها در کنگره شما تصویب و در آینده عملاً از طرف سازمان پیگیری گردند.

در خاتمه دست شما را می‌فشاریم و برایتان برگزاری کنگره‌ای پربار، با اتخاذ تصمیمات مفید در راستای آرمان‌های مردم کشورمان را آرزومندیم ▣

با درودهای گرم رفیقانه
دفتر نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در خارج از کشور
پاریس، ۲۵ فوریه ۲۰۰۰

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

در بخش هایی از پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آمده است:

رفقای گرامی!

به نمایندگی از حزب توده ایران، گرم‌ترین درودهای اعضا و هواداران حزب توده ایران را به شما، شرکت‌کنندگان در ششمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و از طریق شما به تمامی اعضا و هواداران فدائیان(اکثریت) تقدیم می‌دارم.

رفقا!

مردم جهان در آستانه قرن بیست و یکم میلادی، تماشاگر نتایج و آثار شوم «نظم نوین جهانی»اند که در سال‌های پس از سقوط سوسیالیسم در اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی، از طریق خشونت محض امپریالیسم، به آنان تحمیل شده است. گرچه این «نظم نوین»، در لفافه شعارهای فریبنده، نظیر همکاری بین‌المللی، دمکراسی، آزادی و حقوق بشر، پیچیده شده است، اما محتوای آن چیزی جز نقض فاحش منشور سازمان ملل، نقض قوانین بین‌المللی و دور تازه‌ای از زورگویی نظامی، جنگ و خونریزی نیست. جنگ‌های خونین در اروپا، خاورمیانه و آفریقا، با شرکت مستقیم کشورهای امپریالیستی، میلیون‌ها تن را با ویرانی، مرگ و قحطی مواجه کرده است. امپریالیسم جهانی، همانگونه که در رابطه با بحران یوگسلاوی نشان داد، آمادگی تحمل هیچ‌گونه استقلال عملی را از سوی دیگر کشورها ندارد و هرگونه چالشی را با جنگ و [illegible]

در کنار این تحولات، سوسیال دمکراسی حاکم در کشورهای پیشرفته سرمایه داری نیز، با همسوشدن هرچه بیشتر با نیروهای راستگرا و محافظه‌کار، در تقابل با منافع طبقه کارگر و زحمتکشان در این کشورها، و نیز ادامه سیاست‌های نواستعماری در قبال کشورهای در حال توسعه، گام‌های بلندی برداشته است.

رفقای گرامی!

کنگره شما در مقطع پراهمیتی از تاریخ معاصر میهنمان برگزار می‌شود. مبارزه توده‌های زحمتکش و ستمدیده برای رهایی از ستم و سرکوب رژیم «ولایت فقیه» اوج تازه‌ای گرفته است. حضور گسترده مردم در صحنه پیکار توانسته است مرتجعان و انحصارگرایان حاکم را وادار به عقب‌نشینی‌هایی بکند و راه را برای تحولات مهم‌تر بگشاید. آنچه را که به جرات می‌توان و باید گفت، این است که، نقش مستقیم نیروهای چپ در بسیج و سازماندهی چنین حرکت توده‌ای هم‌سنگ با توان و موقعیت تاریخی آن نبوده است و حرکت‌های کنونی مردم در کل، از آگاهی و تجربه‌اندوزی دردآور خود آنها در سال‌های پس از انقلاب شکوهمند ۵۷ ریشه گرفته است. عامل عمده در ایجاد چنین وضعیتی پراکندگی سنتی نیروهای چپ، دمکراتیک و ترقی‌خواه، بر اساس پیش‌داوری‌های ذهنی و غالباً غیرضروری بوده است.

رفقا!

حزب ما، با شناخت دقیق از تاریخچه مبارزه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و پیکار فدائیان در سه دهه گذشته در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی میهن، خواهان ایجاد ارتباطات نزدیکتر و برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های مشترک در جهت کمک به مبارزات خلق‌های میهن، بوده است. حزب ما، برغم تفاوت مشخص دیدگاه‌ها در گذشته و حال، راستای عمده سیاست‌های شما را با آماج‌های برنامه‌ای حزب توده ایران، در مبارزه برای تحقق خواست‌های زحمتکشان، مشترک دانسته و معتقد بوده است که، باید بر اساس نقاط اشتراک، از جمله پیکار در راه آزادی میهن از [illegible] تنظیم سیاست مشترک مبارزاتی برداشته شود.

رفقا!

تحولات سالیان اخیر میهن ما، عینی‌بودن این تحلیل را به اثبات رسانده است که، مبارزه برای «طرد رژیم ولایت فقیه» عمده‌ترین صحنه پیکار برای برون‌رفت از بحران همه جانبه سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور است. حمایت زحمتکشان، جوانان و زنان، قربانیان اصلی سیاست‌های رژیم ولایت فقیه، از کاندیداهای طرفدار اصلاحات دمکراتیک، و جواب نه قاطع به مهره‌های منفور ارتجاع، و به ویژه پاسخ روشن آنان به باندبازی‌های هاشمی رفسنجانی، نشان‌دهنده پختگی و درایت توده‌هاست که در سه سال گذشته مصمم و بی‌تزلزل در راه آرمان‌های والای آزادی و استقرار یک حکومت مردمی رزمیده‌اند. توده‌های مردم با بهره‌برداری هوشمندانه از اوضاعی که اختلافات عمیق ناشی از بحران همه‌جانبه کشور، در راس حاکمیت ایجاد کرده است، توانسته‌اند مهر خود را دگربار بر تحولات کشور بزنند. حزب توده ایران، همچنان معتقد است که، جنبش مردمی در مبارزه خود برای آزادی‌ها، می‌تواند و باید از تضادهای موجود بین جناح‌های حاکمیت بهره‌برداری کند، و مخالف دامن زدن به ایجاد هرگونه توهمی پیرامون آنها در میان توده‌ها است.

مبارزه ما مدافعان سوسیالیسم علمی در راه آزادی، ادامه پیگیر سنت‌های ارزشمند تاریخ مبارزاتی ما است. مارکس و انگلس، بنیان‌گذاران نظریه سوسیالیسم علمی، بنیان‌های دمکراسی را میراث ارزشمند جامعه انسانی می‌دانستند، که وظیفه دفاع از آن و تحویل آن به نسل‌های آینده، به طبقه کارگر محول شده است.

حزب توده ایران، در پیگیری چنین مبارزه تاریخی است که، با طرح منشور آزادی و پیشنهاد جبهه ضددیکتاتوری، دعوت خود از نیروهای دمکراتیک کشور برای یک مبارزه همه‌جانبه بر ضد رژیم ولایت فقیه را تکرار کرده است. ما به ضرورت چنین اتحادی، همچون پیش‌شرط اصلی یک تحول دمکراتیک در کشور، معتقدیم.

رفقای گرامی

کمیته مرکزی حزب توده ایران، توفیق شما را در تدوین خطوط سیاست مبارزاتی سازمان خواهان است. با این امید که کنگره کنونی بتواند در راستای مبارزه مشترک نیروهای چپ تصمیمات مشخص و کارآیی را اتخاذ کند.

با گرامی‌داشت یاد همه شهدای راه آزادی
با درود به همه مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی
زنده باد سوسیالیسم!

دستگاه سرکوب همچنان پرکار است

دیوان عالی جمهوری اسلامی، حکم اعدام اکبر محمدی از فعالین جنبش دانشجویی را تأیید کرده است. این اقدام در گرماگرم انتخابات مجلس صورت گرفت. همچنین دستگاه قضائی جمهوری اسلامی سه نفر به اسامی سیروس ذبیحی مقدم، منوچهر خلوصی و هدایت‌الله کاشف نجف آبادی را به مرگ محکوم کرده است، این سه نفر به جرم بهائیت به مرگ محکوم شده‌اند.

شعبه ۲۷ دادگاه انقلاب اسلامی نیز، بدون تشکیل جلسات محاکمه و صرفاً با اتکا به بازجویی‌های انجام‌شده، بهرام نمازی (۶۵ ساله) را به ۱۵ سال، خسرو سیف (۶۶ساله) را به ۱۳ سال و فرزین مخبر (۶۰ ساله) را به اتهام «فعالیت در حزب غیر قانونی ملت ایران»، «فعالیت علیه نظام و اخلال در امنیت داخلی» و در مورد بهرام نمازی «توهین به مقام رهبری» محکوم کرد.

نامه کمیسیون جوانان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

به: عالیجناب موریس دانبی کاپیتورن
فرستاده ویژه کمیسیون بشر سازمان ملل متحد!همانگونه که اطلاع دارید پس از حمله بسیار خشن و وحشیانه نیروهای انتظامی و مامورین سریس مخفی جمهوری اسلامی ایران به خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران، اعتراضات دانشجویی در ایران اوج گرفت و نیروهای دولتی و گروه‌های فشار تعداد زیادی(بنا به آمار دولتی قریب ۱۶۰۰ نفر) از دانشجویان را دستگیر کردند. پس از این رویدادها که به جنبش ۱۸ تیر دانشجویان معروف شد، بسیاری از دانشجویان و جوانان دستگیر شدند و تحت فشار و شکنجه قرار داده شدند تا آنان را به اعتراضات دروغ و نمایشات تلویزیونی بکشانند. جوانان و دانشجویان دستگیر شده در تبریز نیز به شدت تحت فشار قرار گرفتند و تعدادی از آنها به زندان‌های طویل‌المدت محکوم شدند. این دانشجویان به احکام داده شده اعتراض کردند که نامه‌های اعتراضی آنان در روزنامه‌های ایران نیز بازتاب وسیعی پیدا کرد. آنچه که اکنون اهمیت یافته و دخالت فوری شما را می‌طلبد، خطری است که جان دانشجویان زندانی، به ویژه آقای اکبر محمدی را تهدید می‌کند. روزنامه‌های صبح‌امروز و اخبار اقتصاد که در ایران منتشر می‌شوند در تاریخ چهارم دی ماه خبر دادند که ایشان به اعدام محکوم گردیده و حکم اعدام برای تایید به دیوان عالی کشور فرستاده شده است. طبق آخرین خبر انتشار یافته در ایران، حکم اعدام آقای اکبر محمدی به تایید دیوان عالی کشور رسیده است و هر آن امکان دارد که این حکم به اجرا درآید. علاوه بر این تاکنون چندین بار مقامات دادستانی انقلاب تهران اعلام کرده‌اند که گروهی از دستگیرشدگان حوادث تیر ماه به اعدام محکوم شده‌اند. به نظر بسیاری این امر برای سنجش حد اعتراضات صورت می‌گیرد تا در صورت مقتضی بودن شرایط، دانشجویان و دیگر مبارزین زندانی را برای ترساندن دیگران اعدام کنند. ما مصراً از شما می‌خواهیم از همه امکاناتی که خود در اختیار دارید استفاده کنید و دولت جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهید تا از اعدام آقای اکبر محمدی خودداری کنند و نیز همه دانشجویان و جوانان دستگیر شده را آزاد کنند.

با تقدیم احترام
دبیر دپارتمان جوانان سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۵ مارس ۲۰۰۰

پیام حزب کمونیست کانادا

ادامه از صفحه ۱۲

را از یک وضعیت تدافعی به موضع حمله هدایت نمود. مبارزه علیه متمرکز شدن سرمایه، در حال رشد و پیشروی است.

اما از جمله دیگر مسائل محوری در کانادا مسئله کِبِک است. دولت فدرال کانادا به جای یافتن یک راه‌حل دمکراتیک در این قضیه به وضع قوانین علیه فرانسه‌زبانان یک تهدید جدی در ایجاد ناامنی و گسترش اعتراضات خشونت‌بار را دامن می‌زند. راه‌حل دمکراتیک این قضیه کوشش در راه ایجاد یک قانون اساسی نوین است که در آن ایالت کِبِک با رفع تبعیضات کنونی با حق خودمختاری کامل به رسمیت شناخته شود. این چنین حقوقی باید متضمن حق داوطلبانه شراکت کِبِک با بقیه مردم کانادا مانند مردمان اصلی و بومی و انگلیسی‌زبانان باشد.

کمونیست‌های کانادایی، هم در کِبِک و هم در قسمت‌های انگلیسی‌زبان سعی در اتحاد نیروهای زحمتکش دارند. چنین اتحادی تنها متضمن یک کانادای دمکراتیک با آینده سوسیالیسم است.

رفقا در خاتمه، ما صمیمانه‌ترین درودهای خود را به کنگره ششم شما ابراز می‌داریم و موفقیت‌های روزافزون شما را در ادامه کارتان در جهت برقراری دمکراسی و سوسیالیسم در ایران خواهانیم.

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم
زنده باد همبستگی پرولتاریای جهانی
زنده باد روابط دوستانه و صمیمانه مابین سازمان فدائیان خلق ایران(اکثریت) و حزب کمونیست کانادا

با درودهای رفیقانه
الیزابت رولی
مسئول کمیته اجرایی حزب کمونیست کانادا

www.iran-archive.com

نگاهی به صحنه سیاسی کشور بعد از انتخابات مجلس

تاکتیک‌ها و وظایف

بهروز خلیق

انتخابات مجلس شورا

برجسته‌ترین مشخصه انتخابات دوره ششم مجلس شورا، مشارکت و گزینش آگاهانه اکثریت مردم بود. این انتخابات هم جنبه سلبی و هم جنبه ایجابی داشت. مردم با دقت تحسین‌برانگیزی از میان هزاران کاندیدا، مدافعان اصلاحات سیاسی را برگزیدند و دست رد بر سینه اقتدارگرایان و خشونت‌طلبان زدند. آنها رفسنجانی را که «استوانه» نظام است، به رتبه سی‌ام راندند. «نه» مردم به رفسنجانی در حقیقت «نه» به نظام سیاسی ولایت فقیه بود. مردم در این گزینش عناصر تازه‌نفس و ناشناخته ولی مدافع اصلاحات سیاسی را بر چهره‌های شاخص نظام ترجیح دادند.

در این انتخابات اکثریت مردم به لیست جبهه مشارکت رای دادند. اما آنها با دقت تمام لیست کاندیداتوری این جبهه را سنجیدند و دست به تصفیه زدند. فائزه هاشمی که در لیست جبهه مشارکت، کارگزاران و مجمع روحانیون مبارز بود و بیشترین رای را در دوره قبل انتخابات کسب کرده بود، حذف کردند، علی‌اکبر محتشمی را که هم در لیست جبهه مشارکت و هم در فهرست انتخاباتی روزنامه‌نگاران دوم خرداد بود، کنار نهادند، کروبی را که در طیف سنتی چپ مذهبی قرار دارد، به ردیف‌های آخر راندند. گزینش‌ها و تصفیه‌ها نشان می‌دهد که مردم باردیگر به «گذشته» نه گفتند و بر تداوم اصلاحات سیاسی تاکید نمودند.

رای مردم به جبهه مشارکت از یک سو مشخصه رشد گرایش تحزب در کشور و از سوی دیگر نشانه پتانسیل بالای تحول‌طلبی در جامعه و خواست مردم برای ژرفش و شتاب‌گرفتن اصلاحات است. برنده اصلی انتخابات جبهه مشارکت اسلامی است. این [illegible] و سراسری روئید.

انتخابات مجلس شورا بار دیگر نشان داد که جنبش آزادیخواهانه و اصلاح‌طلبانه، جنبشی مردمی است و از یک پایگاه اجتماعی وسیع برخوردار است. مردم با فراهم شدن کوچکترین امکان برای مشارکت‌شان در سرنوشت سیاسی کشور، مهر خود را بر آن می‌زنند و اراده‌شان را دایر بر جایگزینی ساختار سیاسی دمکراتیک بجای ساختار سیاسی اقتدارگرا نشان می‌دهند. نکته برجسته دیگر در انتخابات نقش جوانان و زنان است. آنها علاوه بر رقم کمی‌شان، در کار تبلیغی و تهییجی، در تاثیرگذاری بر اعضا خانواده‌ها و آگاه کردن مردم نقش زیادی دارند. می‌توان گفت که جوانان و زنان در سه انتخابات اخیر بر نیرو و نقش خود پی‌برده‌اند و آگاهانه وارد عرصه انتخابات می‌شوند و خواست خود را پیش می‌برند.

صحنه سیاسی بعد از انتخابات مجلس شورا

اکنون بطور آشکاری در حکومت قدرت دوگانه شکل‌گرفته است. قوه مجریه و مقننه دست اصلاح‌طلبان حکومتی است و آنها از پایگاه اجتماعی وسیعی برخوردار هستند. ارگانهای قهر، بنیادهای اقتصادی، بخشی از نهاد روحانیت و ... با جناح اقتدارگراست. با انتخابات مجلس شورا، توازن در «بالا» بهم خورده و دیگر نمی‌توان از جناح غالب و مغلوب صحبت کرد.

قدرت دوگانه و تعادل موجود در جامعه و حکومت شکننده است و بنظر می‌رسد که در طولانی مدت، امکان دوام آن وجود ندارد. این وضعیت بحران‌زاست و زمینه‌ساز اقدامات حاد و غیر مترقبه می‌باشد.

در انتخابات اخیر نیروهای خشونت‌طلب ضربه کاری خوردند. دست آنها از مجلس کوتاه شد و متحدان آنها ضعیف‌تر گشته و امکانات‌اشان برای پیشبرد مقاصد خود از کانالهای باصطلاح قانونی محدودتر شده است. احتمال آشوب‌آفرینی از جانب آنها وجود دارد. این نیروها احتمالا شانس خود را برای بازگرداندن وضعیت سیاسی به قبل از دوم خرداد امتحان خواهند کرد، گرچه ممکن است با شکست جدی مواجه شوند.

پیروزی اصلاح‌طلبان حکومتی در انتخابات به‌معنی تثبیت اصلاحات سیاسی در کشور نیست. در سه سال گذشته عمده قوای نیروهای آزادیخواه و اصلاح‌طلب متوجه دفع توطئه‌ها و تشنج‌آفرینی‌های اقتدارگرایان و خشونت‌طلبان بود. اکنون مسئله پیشبرد اصلاحات سیاسی و نهادی‌کردن مردم‌سالاری در دستور قرار گرفته است. پیشبرد اصلاحات و سرعت‌گرفتن آن مقاومت جدی را در قطب مقابل سازمان خواهد داد. بویژه اینکه پیشرفت اصلاحات بیش از گذشته با نظام سیاسی ولایت فقیه تماس برقرار خواهد کرد و سمت مبارزه در سطح جامعه بیشتر متوجه آن خواهد شد. بهمین خاطر نیروهای مدافع اصلاحات با مسئله شکل‌گیری مقاومت و احتمالا آشوب‌آفرینی در ماههای آتی روبرو خواهند بود و لازمست از هم‌اکنون تاکتیک‌های ضرور برای مقابله با آن اتخاذ گردد.

از سوی دیگر با پیشرفت اصلاحات می‌توان گفت که در آینده در ترکیب نیروهای سیاسی درون حکومت و جامعه تجزیه و ترکیب‌های جدیدی صورت گیرد و جابجایی‌هایی انجام پذیرند و بالنتیجه صف‌بندی‌های جدیدی بوجود آید.

از هم‌اکنون می‌توان شکاف در بین طیف نیروهای اقتدارگرا را مشاهده کرد. بخشی از آنها در موضع پذیرش شکست و نقد مواضع‌اشان قرار دارند و در جهت بازسازی گام برمی‌دارند (سخنان محمد جواد لاریجانی و محبیان). بخش دیگر هم‌چنان بر روش‌های پیشین پای‌می‌فشرند (مصوبات اخیر مجلس شورا و ...).

بنظر می‌رسد در صفوف کارگزاران نیز انشقاق شکل‌گرفته است و بین دو گرایش موجود در صف کارگزاران، اختلافات شدت یافته است. تضعیف موقعیت رفسنجانی و شکست کارگزاران در انتخابات باین امر کمک کرده است. احتمال نزدیکی بخشی از جناح اقتدارگرا که تا حدودی به مبارزه قانونی و رقابت سیاسی تن می‌دهد با بخشی از کارگزاران و حزب توسعه و اعتدال بر محور رفسنجانی وجود دارد.

[illegible] شکستن است. جریان سنتی چپ مذهبی با پیشرفت اصلاحات سیاسی و فرهنگی در مراحل بعدی، ناسازگاریهایی نشان خواهد داد. احتمال جدایی بخشی از آنها در روند اصلاحات سیاسی و مقاومت در مقابل پیشرفت آن و حتی همسویی با جریان اقتدارگرا وجود دارد. در مقابل، امکان نزدیکی جبهه مشارکت و دفتر تحکیم وحدت با جریانهای سیاسی خارج از حکومت رو به افزایش است.

در بین نیروهای اپوزیسیون نیز تفکیک‌های بارزی که تاکنون شکل گرفته، تشدید خواهد شد. موضع و موقعیت جریانهای سیاسی که مشی سیاسی خود را بر پایه اصلاحات سیاسی و فرهنگی در کشور پی‌ریخته‌اند، تقویت شده و بخشی از نیروهایی که موضع بینابینی داشتند، از مشی سرنگونی فاصله گرفته و به مشی اصلاحات می‌پیوندند. طرفداران خشونت و مشی سرنگونی در سطح جامعه و در بین روشنفکران منزوی‌تر شده و به تقابل با مردم کشیده می‌شوند.

به‌نظر می‌رسد بعد از انتخابات اخیر، امکانات جدیدی برای حضور نیروهای سیاسی خارج از حکومت فراهم خواهد آمد و طیف نیروهای سیاسی حاضر در صحنه سیاسی کشور وسیعتر خواهد شد. در عین حال با پیشرفت اصلاحات سیاسی، بازترشدن فضای سیاسی کشور و نهادینه شدن مردم‌سالاری، نقش نهادهای مدنی از جمله احزاب، تشکل‌های مستقل و دمکراتیک بیشتر خواهد شد.

اما پیشرفت اصلاحات بدرجاتی منوط به پای‌بندی اصلاح‌طلبان به شعارها، برنامه‌ها و وعده‌هایی است که در جریان انتخابات به مردم داده‌اند. مردم به اصلاح‌طلبان حکومتی بویژه جبهه مشارکت اعتماد کرده‌اند. آنها باید نشان دهند تا چه حد شایسته اعتماد مردم هستند.

وظایف و تاکتیک‌ها

۱ - پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس ششم در عین حالیکه امکانات جدیدی برای پیشبرد اصلاحات سیاسی و فرهنگی فراهم آورده است ولی بمعنی هموار شدن راه تحقق اصلاحات نیست. اکنون مسئله انجام اصلاحات سیاسی، ژرفش و گسترش آن در دستور قرار گرفته است. اما پیشرفت اصلاحات به تشدید مقاومت اقتدارگرایان و خشونت‌طلبان منجر خواهد شد و توقف اصلاحات و کندشدن آن بمعنی مرگ اصلاحات سیاسی در کشور خواهد بود. از یکسو ضروریست که سیاستها بر پایه تداوم، ژرفش و گسترش اصلاحات سیاسی پی‌ریزی شود و از سوی دیگر سیاست‌هایی را باید پیش‌گرفت که مقاومت مخالفین کم‌اثر و یا خنثی گردد. بر این پایه لازمست اقدامات زیر صورت گیرد:

- جهت‌گیری برای نهادینه کردن مردم‌سالاری و متشکل‌کردن مردم در سازمان‌های سیاسی و تشکل‌های صنفی و دمکراتیک
- فراهم‌آوردن شرایط مساعد برای حضور سیاسی احزاب سیاسی غیرحکومتی در کشور
- تلاش برای فاصله انداختن بین اقتدارگرایان و خشونت‌طلبان، پیشبرد این فرهنگ که هر نیروی سیاسی در کشور در صورت پای‌بند بودن به قوانین دمکراسی، پیشبرد مبارزه مسالمت‌آمیز و رقابت سیاسی می‌تواند همانند دیگر نیروها در صحنه سیاسی کشور حضور داشته باشد
- قبل از اینکه خشونت‌طلبان فرصت‌یابند که آشوب برپا کنند، لازمست از یک‌سو پرونده قتل‌های زنجیره‌ای را پی‌گیری کرد و از کانال این پرونده، باند جنایت‌کاران را منحل نمود.

در این رابطه تشکیل کمیته حقیت‌یاب توسط مجلس شورا امری است ضرور و در خدمت هدف فوق.

پیشرفت و تعمیق اصلاحات با موقعیت‌های سیاسی و منافع مادی، رانت‌های سیاسی و اقتصادی اقتدارگرایان تماس برقرار خواهد کرد. آنها با برخورداری از قدرت، ثروت اندوخته‌اند و موقعیت و منزلتی در نهاد قدرت سیاسی کسب کرده‌اند. با تضعیف قدرت آنها و با ژرفش اصلاحات سیاسی، منابع قدرت اقتصادی آنها در معرض خطر قرار خواهد گرفت. باید انتظار مقاومت شدید و برهم زدن رقابت سیاسی را داشت. برای مقابله با این وضعیت از قبل باید آمادگی پیدا کرد. در این [illegible] کرد که آنها اطمینان پیدا کنند که سیاست «انتقام‌گیری» پیش نخواهد رفت و از سوی دیگر بسیج توده‌ای از طریق تشکل‌ها و برداشتن موانع شکل‌گیری آنها و در صحنه نگه‌داشتن مردم (و در مواردی مناسب تظاهرات میلیونی و آرام مردم) انجام گیرد. وجه دیگر این تاکتیک‌ها می‌تواند جلب نظر هرچه بیشتر نیروهای نظامی و انتظامی به امر اصلاحات سیاسی و برخوردار کردن آنها از امتیازهای اصلاحات سیاسی در کشور باشد.

حمایت بین‌المللی از اصلاحات سیاسی و فرهنگی، هم می‌تواند در کاهش مقاومت‌ها موثر افتد.

۲ - با عدم حضور احزاب سیاسی در صحنه سیاسی کشور، از انتخابات دوم خرداد تا انتخابات مجلس شورا، بار اصلی مبارزه با اقتدارگرایان و خشونت‌طلبان و مبارزه برای آزادی بیان و مطبوعات بر دوش مطبوعات مستقل و منتقد بود. این وضع قابل دوام نیست. تداوم این وضعیت می‌تواند به پیشرفت اصلاحات سیاسی و به مطبوعات آسیب برساند. این امر هم بزیان مطبوعات است و هم بزیان نهادی شدن دمکراسی در کشور. این وظیفه باید به احزاب سیاسی منتقل شود.

اگر فاصله بین دوم خرداد و انتخابات، مرحله شکوفایی و یکه‌تازی مطبوعات مستقل و منتقد بود و آنها صحنه سیاسی کشور را گرفته و در صف مقدم مبارزه قرار داشتند، در مرحله بعد از انتخابات، باید احزاب سیاسی چنین نقشی را ایفا کنند و مطبوعات در جایگاه خودشان قرار گیرند. اکنون تحزب و حضور احزاب سیاسی به مسئله مبرم تبدیل شده است.

در شرایط جدید، یکی از وجوه مهم مبارزه نیروهای آزادیخواه و اصلاح‌طلبان باید متوجه جا انداختن ضرورت تحزب در جامعه و برداشتن موانع موجود در سر راه احزاب سیاسی کشور باشد.

۳ - جنبش آزادیخواهی و اصلاح‌طلبی به مرحله «اثباتی» یعنی نهادینه کردن مردم سالاری پا گذاشته و دروه شعارهای کلی بسپایان رسیده است. اکنون ارائه برنامه و راهکارها به یکی از وظایف مهم نیروهای آزادیخواه و اصلاح‌طلب فراروئیده است.

جنبش آزادیخواهانه و اصلاح‌طلبانه با وجود پیروزی در انتخابات دوره ششم، هنوز راه دشوار و پر پیچ و خمی در پیش دارد. نیروهای اقتدارگرا و خشونت‌طلب تا آخرین سنگر جنگ خواهند کرد. ▣

«منافع و امنیت ملی» وسیله یا دغدغه واقعی؟

پاسخی به آقای حمیدرضا جلایی‌پور

منافعی به نام «منافع ملی» قطعا وجود دارد اما موضوع بر سر این است که اولا چگونه می‌توان این منافع را تشخیص داد و بر سر آن به یک توافق حداکثر فراگیر دست یافت به طوری که این منافع چماقی برای سرکوب نشود و دوم این که جایگاه این منافع را در ارتباط با مفهوم عام حقوق بشر و اصول دموکراتیک تعریف کرد و این اصول عام انسانی را قربانی آن نساخت.

آقای حمیدرضا جلایی‌پور در مقاله‌ای زیر عنوان «چرا امنیت ملی حتی مقدم بر مطالبات اصلاحی است» در روزنامه عصر آزادگان مورخ ۱۸ اسفند ماه، «سیاست‌های ستون نگاه ملی» روزنامه عصرآزادگان را توضیح داده است. دلیل نگارش این مقاله ظاهرا پاسخ به خوانندگان و نویسندگانی است که احساس می‌کنند تنها مقالاتی با یک جهت‌گیری معین در این روزنامه درج می‌شود.

احکام اساسی مقاله آقای جلایی‌پور چنین است:

«راهبرد روزنامه در امور قومی و ملی مبنی بر «راهبرد پلورالیسم سیاسی و فرهنگی» است و مخالف ترویج راهبرد فدرالیسم است. بدین معنا که اولین شرط برای دفاع از حقوق افراد، گروه‌ها و اقوام را در این می‌داند که کلیه اقدامات بر مبنای قانون اساسی و در قالب نهادهای جمهوری اسلامی باشد».

«روزنامه به سه دلیل (نظریه‌های مسلط در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی و ویژگی‌های منحصر به فرد ایران) با کاربرد راهبرد فدرالیسم در برخورد با مسایل ملی و قومی مخالف است».

«آیا چاپ بعضی از مقالات رسیده با استناد [illegible] راهبرد فدرالیسم)، این سوال را به ذهن متبادر نمی‌کند که روزنامه به آزادی اندیشه اعتقاد ندارد؟ در پاسخ می‌گوییم اینجا روزنامه است با برد روزانه موثر در سطح کشور، اینجا کلاس درس نیست که در موضوعی را بتوان در جمعی محدود به بحث گذاشت. لذا گردانندگان نشریه به آزادی اندیشه اعتقاد دارند ولی در مورد مطالب مربوط به امور قومی و ملی که در ربط مستقیم با امنیت ملی و منافع ملی است خود را صرفا مقید به رعایت راهبرد پلورالیسم می‌داند و نه راهبرد فدرالی. تعجب نکنید، نه فقط در امور قومی، حتی در طرح مطالبات جنبش اصلاحی، به امنیت ملی تا آن‌جا اهمیت می‌دهیم که رعایت آن را بر طرح مطالبات اصلاحی مقدم داریم».

«بنابر این روزنامه به بحث و نقد در امور قومی و ملی همچون گذشته تا آن‌جا ادامه می‌دهد که کمکی باشد به نهادینه شدن «راهبرد پلورالی» در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی، نه ناکجاآباد «فدرالی»».

آقای جلایی‌پور و همکارانشان در عصر آزادگان حق دارند آن‌چه را نمی‌پسندند در نشریه خود چاپ نکنند، اما در این جا جلایی‌پور احکامی صادر کرده است که باید در مورد آن‌ها به بحث پرداخت.

چه کسی مرز منافع ملی را تعیین می‌کند؟ آقای جلایی‌پور در این زمینه حتی احتیاج به بحث با مخالفین ندارد و تشخیص خود را برابر با منافع ملی قرار داده است! کسانی که تحولات سیاسی ایران را دنبال می‌کنند با چنین شیوه‌هایی به خوبی آشنایی دارند. اگر چنین روشی پسندیده باشد و پذیرفته شود که هر کس به تشخیص خود و گروه خود مرز منافع ملی را تعیین کند، آنگاه تفاوت آقای جلایی‌پور با دیگرانی که بنا بر همین ادعا هر صدای مخالفی را خفه می‌کنند، شاید تنها در آن باشد که مرزهای آقای جلایی‌پور کمی گسترده خواهد بود و نه چیز بیشتر!

امنیت ملی و مصالح عالی نظام، غالبا واژه‌هایی هستند که به مدد آن‌ها مانع ابراز عقاید آزادانه می‌شوند و آزادی بیان را سرکوب می‌کنند. هیچ دلیلی ندارد که بپذیریم متوسل شدن آقای جلایی‌پور به چنین واژه‌ها و مفاهیمی به منظور دیگری صورت گرفته است!

دلایل جلایی‌پور برای ستیز با فدرالیسم و منافع ملی بر سه پایه استوار است: نظریه‌های مسلط بر علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی و ویژگی‌های منحصر به فرد ایران. دلایل اول و سوم ایشان مطلقا بی‌پایه است. چرا وی در شرایطی که بحث و گفتگو را نیز پیرامون این موضوع ممنوع اعلام کرده است، از دیگران می‌خواهد همان «قرائتی» را از «نظریه‌های مسلط بر علوم سیاسی و جامعه‌شناسی» و «ویژگی‌های منحصر به فرد ایران» داشته باشند که وی دارد؟ اتفاقا آن‌ها نیز که فدرالیسم را راه‌حل مطلوبی برای حل مساله ملی در ایران می‌دانند به همین نظریه‌های مسلط و ویژگی‌های منحصر به فرد تکیه می‌کنند.

اما در مورد دلیل دوم یعنی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. شاید برای کسی که بخواهد با آقای جلایی‌پور در این چارچوب وارد گفتگو شود، دشوار نباشد اصولی را در این قانون بیابد که به استناد آن‌ها «بیان عقیده» آزاد است و به هیچ دلیل از جمله «منافع ملی» نباید آزادی عقیده را مورد تعرض قرار داد. با این حال نیک روشن است در چالش در چنین میدانی آقای جلایی‌پور دست پرتری خواهد داشت.

اما خوب است به دلایل کسی که با این قانون اساسی مخالف است نیز گوش کنیم. برپایه این دلایل، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیست سال پیش در شرایطی اساسا متفاوت با امروز و به صورتی غیردموکراتیک به تصویب رسیده است و در شرایطی بسیار غیردموکراتیک‌تر مورد بازنگری قرار گرفته است. برابر قرار دادن این قانون با منافع و امنیت ملی به معنای آن است که راه هرگونه انتقاد و اصلاح در آن بسته شود. در صورتی که اکنون شاهدیم بحث‌های بسیار مهمی در مورد ضرورت بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی به منظور انطباق آن با اصول جهانی [illegible] در جریان است. با دلایلی که جلایی‌پور به میان آورده است تکلیف همه کسانی که با این قانون مخالف هستند پیشاپیش روشن خواهد شد و بدون لزوم طرح دلایلشان، آن‌ها مخالفین منافع و امنیت ملی معرفی و لابد سرکوب خواهند شد. همان‌طور که تاکنون چنین بوده است.

از همه این مسایل نباید چنین نتیجه گرفت که چیزی به نام منافع ملی ایران وجود ندارد. چنین منافعی قطعا وجود دارد اما موضوع بر سر این است که اولا چگونه می‌توان این منافع را تشخیص داد و بر سر آن به یک توافق حداکثر فراگیر دست یافت به طوری که این منافع چماقی برای سرکوب نشود و دوم این که جایگاه این منافع را در ارتباط با مفهوم عام حقوق بشر و اصول دموکراتیک تعریف کرد و این اصول عام انسانی را قربانی آن نساخت.

مساله ملی یا به تعبیر جلایی‌پور «شکاف‌های قومی» در ایران یک مساله بسیار جدی است که با منافع و امنیت ملی ایران بطور تنگاتنگ گره خورده است. برای دست‌یافتن به راه‌حلی صحیح در این مورد، نه آن‌گونه که جلایی‌پور عمل می‌کند، یعنی ممنوع کردن گفتگو بلکه با یک بحث باز و وسیع می‌توان به نتیجه‌ای مطلوب رسید. واقعیت این است که امروز بسیاری از روشنفکران ایران از جمله روشنفکران وابسته به ملیت‌های مختلف و بسیاری از احزاب و سازمان‌های سیاسی، فدرالیسم را شیوه مناسب حل مساله ملی در ایران می‌دانند و دلایل خود را نیز در این خصوص دارند. چنین مساله‌ای را نمی‌توان در «کلاس‌های درس» به گفتگو گذاشت و به نتیجه رساند. راه‌حل‌های گوناگونی که امروز در مورد مساله ملی در ایران پیشنهاد می‌شود باید در یک بحث دموکراتیک و بدون توسل به بهانه‌هایی نظیر «مخدوش کردن منافع ملی» مورد ارزیابی قرار گیرد و در نهایت نیز ملیت‌های ساکن ایران خود تصمیم بگیرند چه سیستمی را برای زندگی در کشور واحدی به نام ایران انتخاب خواهند کرد. بسیاری معتقدند که تنها با اتکا به چنین روشی می‌توان منافع ملی ایران را بطور پایدار و خدشه‌ناپذیر حفظ و تحکیم نمود و از آن دفاع کرد.

چنین راه‌حلی منوط به آن است که پذیرفته شود سلاح و خشونت از مناسبات میان ملیت‌های ساکن ایران و همچنین مناسبات حکومت مرکزی با آنان حذف شود و آقای جلایی‌پور در این زمینه مطلقا اظهارنظری نکرده است! ▣

www.iran-archive.com

کار

چهارشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۷۸ - ۱۵ مارس ۲۰۰۰ دوره سوم - شماره ۲۲۸

KAR. No. 228 Wednesday 15. Mar . 2000

G 21170 D

«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

شماره فاکس: Fax: 0049 - 221 - 331 82 90

شماره تلفن: 0049 - 221 - 9322136

آدرس کار در اینترنت: http://www.fadai.org

آدرس پست الکترونیکی: fadai.aksariyat@magnet.at

تک فروشی: معادل ۴ مارک آلمان

بهای اشتراک: اروپا: شش ماهه ۵۵ مارک؛ یک ساله ۱۰۲ مارک

سایرکشورها: شش ماهه ۶۲ مارک؛ یک ساله ۱۱۵ مارک

Verleger: I.G.e.v

آدرس: I.G.e.v
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

دارنده حساب: I.G.e.v

شماره حساب: 22 44 20 32

کد بانک: 37 05 01 98

نام بانک: Stadtsparkasse Köln

فرم درخواست اشتراک کار

اشتراک جدید ☐ تمدید اشتراک ☐ شماره اشتراک:

مدت اشتراک: شش ماهه ☐ یک ساله ☐ تاریخ:

نام: Name:.....

نشانی: Address:.....

.....

.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا نمبر)

به آدرس کار پست کنید!

سفر وزیر امورخارجه‌ی آلمان به ایران

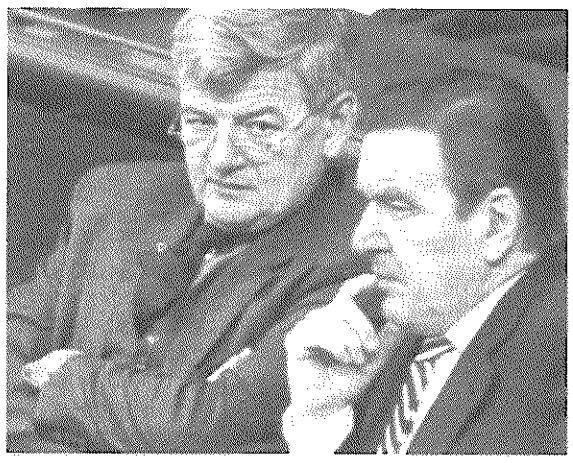

یوشکا فیشر در کنار شرودر صدراعظم آلمان

یوشکا فیشر وزیر امورخارجه‌ی آلمان هفته‌ی گذشته سفر دوروزه‌ئی به ایران داشت. وی در این سفر علاوه بر همتای ایرانی خود خرازی با خاتمی نیز دیدار داشت و با وی درباره‌ی گسترش روابط سیاسی و اقتصادی گفتگو کرد. فیشر در جریان این گفتگوها دموکراتیزه شدن و توسعه‌ی صنعتی ایران را شانس بزرگی برای ایجاد ثبات در منطقه و برقراری صلح جهانی دانست و ضمن پشتیبانی از پیشنهاد «گفتگوی تمدن‌ها» توسط خاتمی از وی خواست که از آلمان دیدار کند.

در جریان این سفر جمهوری اسلامی قول داد که از نامزدی نماینده‌ی آلمان در صندوق بین‌المللی پول حمایت کند و فیشر نیز اعلام نمود که آلمان مایل است با استفاده از امکاناتش با جمهوری اسلامی در عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی همکاری کند. وی در گفتگوهایی که با کمال خرازی وزیر امور خارجه داشت بر ضرورت افزایش تبادل هیأت‌های متقابل و استمرار رایزنی‌ها تأکید کرد و در جواب به پیشنهاد خرازی دائر بر امکان همکاری مشترک در زمینه‌ی صنایع نفت، انتقال انرژی و سرمایه گذاری مشترک دوجانبه و چندجانبه در امور تولیدی، به تمایل شرکت‌های صنعتی و تجاری آلمان برای سرمایه گذاری و مشارکت در طرح‌های اقتصادی و صنعتی ایران اشاره کرد.

یوشکا فیشر پس از مذاکرات با مقامات ایرانی در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی شرکت کرد و در آنجا اعلام کرد که از جمله موارد مورد بحثش با مقامات ایرانی موضوع خلع‌سلاح و صلح در خاورمیانه، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و حقوق بشر بوده است. وی بسیار سیاستمدارانه در پاسخ به این سوال که در مورد دو مسئله‌ی پناه‌دادن به مجاهدین و کمک‌های آلمان به عراق در طول جنگ چه نظری دارید اظهار داشت که اگر تنها همین دو مسئله بود خیلی خوشحال می‌شدم. وی در ادامه اعلام کرد در صورتی که شرکت‌های آلمانی در حین جنگ به عراق کمک کرده باشند این کار غیرقانونی بوده و دولت آلمان آن را محکوم می‌کند و در رابطه با مجاهدین نیز افزود که دولت آلمان با تروریسم مخالف است و از آن حمایت نمی‌کند و تروریست‌ها را از خاک آلمان اخراج خواهد کرد.

یوشکا فیشر در رابطه با دادگاه میکونوس و زندانی بودن کاظم دارابی گفت: «این‌ها تصمیمات قوه‌ی قضائیه است. در یک کشور قانونمند افرادی کشته شدند و دادگاهی براساس قانون رأی داده است. قوه‌ی قضائیه و مجریه از یکدیگر جدا هستند و ما فقط باید سعی کنیم در چهارچوب امکانات مربوط با یکدیگر بحث و تبادل نظر کنیم.»

در دومین روز اقامت فیشر در ایران ۱۵۰ نفر از مصدومین شیمیایی در اعتراض به فروش سلاح شیمیایی توسط شرکت‌های آلمانی به عراق در طول جنگ در مقابل سفارت آلمان در تهران تحصن کردند و خواستار محکومیت و تعطیلی شرکت‌های سازنده‌ی سلاح شیمیایی و پرداخت غرامت از طرف آنها شدند. تحصن‌کنندگان پس از دریافت پیام کمال خرازی که در آن از آنان خواسته بود به تحصن خود پایان دهند و تأکید کرده بود که موضوع اعتراض آنان در گفت‌وگوهای دوطرف مورد بررسی قرار خواهد گرفت، تحصن خود را پایان دادند.

پیام کمال خرازی این نگرانی را ایجاد می‌کند که به گفتگو نشستن در مورد اعتراضات به فروش سلاح‌های شیمیایی به عراق در طول جنگ به عنوان حربه‌ای برای معاملات سیاسی دیگر از جمله آزادی کاظم دارابی (که در نشریات ایران از او به عنوان «زندانی سیاسی» نام برده می‌شود) و بی‌ثمر کردن نتایج دادگاه میکونوس، همانند معامله‌ی قبلی دو دولت در آزادسازی متقابل هوفر و خرسند، مورد سوءاستفاده قرار گیرد. ▣

پیام‌های سازمان‌ها و احزاب سیاسی به کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیام حزب سبزهای فرانسه به کنگره ششم

دوستان عزیز، برگزاری کنگره شما حدوداً چند روز بعد از انتخابات ششمین دوره مجلس قانون‌گذاری در ایران خودبه‌خود دارای اهمیت ویژه می‌باشد. این انتخابات که دارای اهمیت استراتژیک بود و بین نیروهای هوادار اصلاحات از یک طرف و نیروهای ارتجاعی از طرف دیگر صف‌بندی ایجاد گردیده است.

شرایط نوین و داده‌های جامعه ایران دیگر مثل گذشته نیست.

جمعیت ایران دوبرابر شده و ۶۰٪ ایرانیان کمتر از بیست سال دارند و هیچ سیستم حکومتی دیگری را به چشم خود ندیده‌اند. جوانان ایران خواهان تحولات جدی می‌باشند. این نیروی جوان خواست‌های خود را وسیعاً در ماه ژوئیه ۱۹۹۹ بیان و اعلام کردند که دیگر خواهان ادامه حیات تحت رژیم‌های توتالیتر نیستند.

سرانجام مبارزه برای دست‌آوردهای دمکراتیک یک آزمایش بزرگ برای نیروهای اصلاح‌طلب در حکومت خواهد بود. این نیروها اگر نتوانند برای آزادی‌های پایمال شده و حقوق دمکراتیک مردم دست به اقدامات جدی بزنند و جلوی نیروهای سرکوب قد علم کنند، قادر نخواهد بود این محبوبیت خود را حفظ کنند.

برخورد به حقوق زنان و حقوق خلق کرد از مسائل خیلی جدی می‌باشند. برابری حقوق زنان در نظام تمامیت‌گرای فعلی در ایران غیرقابل تحمل است.

ژاکوبنیسم افراطی که هر نوع حقوق خلق‌ها را نفی می‌کند مختص رژیم ایران نیست. در ترکیه و عراق شاهد برخورد رژیم‌های-این دو کشور در رابطه با خلق کرد ساکن آنها که فقط با اعمال خشونت پاسخگوی خواست‌های آنها است. نیروهای مترقی و دمکرات ایرانی هم باید حمایت از این مبارزات را در دستور کار خود قرار دهند.

بدون پذیرش خودمختاری، بدون قبول فدرالیسم، ایران همیشه با این خطر مواجه خواهد بود که بین دو شکل دیکتاتوری فعلی جمهوری اسلامی و یا قبلی یعنی دیکتاتوری ساواک - شاه دور بزند.

دوستان عزیز:

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) وارث یک سنت مبارزاتی چپ ایرانی است و این از افتخاراتش است. سازمان شما در حال مدرنیزه کردن پایه‌ها و اساس این چپ در جامعه ایران است. برای تکمیل این نوسازی توجه جدی به فمینیسم و اکولوژی از اهمیت جدی برخوردار می‌باشد. اکولوژی سیاسی اگر یک واقعیت سیاسی در ایران امروز نباشد، ولی مسائل حیاتی را در کشور شما مطرح می‌کند که جمعیت آن در ۵۰ سال آینده دوبرابر خواهد شد. این مسئله معضلات جدی محیط زیستی شهری خیلی جدی علی‌الخصوص بعد از جنگ ایران و عراق و جنگ خلیج را برای کشور شما و منطقه که با باران‌های اسیدی و مواد خطرناک دیگر و همچنین مسئله حیاتی آب که یک مشکل اساسی ژئو پولتیک در منطقه خاورمیانه خواهد بود را در بر دارد. مطمئن هستیم که شما با اتحاد و همکاری با نیروهای اکولوژیست(هوادار محیط زیست) که حتماً در دمکراسی آینده ایران اظهار وجود خواهند کرد، وارد همکاری‌های جدی خواهید شد.

همکاری ما در اروپا باهم می‌تواند در راستاهای یاد شده بالا موثر باشد.

دوستان عزیز!

با امید به اینکه بتوانیم به عنوان مهمان در کنگره آتی سازمان شما که بطور کاملاً علنی در تهران برگزار شود، شرکت کنیم.

زنده باد همبستگی بین‌المللی

با تقدیم احترامات برادرانه

پاتریک فربیان، رئیس کمیسیون بین‌المللی حزب سبزها

فوریه ۲۰۰۰

پیام حزب کمونیست فرانسه

به رهبری سازمان فدائیان خلق ایران(اکثریت)

از طرف دپارتمان سیاست بین‌المللی -اروپا

بدین وسیله شادی و مسرت و سلام برادرانه خود را برای بیست‌ونهمین سال تولد و تاسیس سازمان شما و برگزاری ششمین کنگره سازمانتان اعلام می‌کنیم.

در جریان کامل مبارزه نیروهای دمکرات ایرانی به ویژه سازمان شما فدائیان خلق ایران - اکثریت برای دمکراسی و آزادی و عدالت اجتماعی در ایران، قرار داریم.

این مسائل که هسته مرکزی انتخابات اخیر ششمین دوره مجلس قانون‌گذاری ایران نیز می‌باشد، محور اصلی مبارزه برای امیدها و آرزوها و آماج مردم ایران است که بیشتر از بیست سال اختناق سیاسی و اجتماعی رژیم دیکتاتوری را تحمل کرده‌اند.

حزب کمونیست فرانسه به شما اطمینان می‌دهد که در این مبارزه از شما حمایت می‌کند و خود را در کنار شما احساس می‌کند.

یک بار دیگر همبستگی خود را به شما اعلام می‌کنیم و برایتان آرزوی موفقیت داریم.

حزب کمونیست فرانسه

۱۶ فوریه سال ۲۰۰۰

پیام حزب سبزهای سوئد

تبریکات حزب سبز سوئد به سازمان فدائیان خلق ایران(اکثریت)

حزب سبز سوئد آرزوی برقراری آزادی، دمکراسی و حقوق بشر در ایران را دارد. آخرین نتایج انتخابات در ایران نشان داد که کشور به سمت قانون و دمکراسی می‌رود. در روز ۱۸ فوریه مردان و زنان ایرانی برای تغییرات و رفرم به پای صندوق‌های رای رفتند.

امیدواریم که این فقط آغازگر شروع رفرم و پروسه آن باشد. حکومت ضددمکراتیک و مذهبی رو به پایان است. باید برنامه‌ای نو برای انتخاب نمایندگان واقعی بوسیله مردم و برای مردم ارائه دهند.

حزب سبز در سوئد آرزوی موفقیت برای حاضرین در کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و آرزوی موفقیت در کار و پیکار برای دمکراسی و حقوق بشر در ایران دارد.

از طرف حزب ـ ارسلا مولار

پیام حزب کمونیست کانادا

رفقای گرامی:

از طرف حزب کمونیست کانادا، صمیمانه‌ترین شادباش‌های خود را به مناسبت برگزاری ششمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران(اکثریت) ارسال می‌داریم و آرزوی موفقیت راهتان در جهت توسعه دمکراسی و بازیابی حقوق دمکراتیک مردم ایران و پیروزی سوسیالیسم برای توده‌های مردم را داریم.

شما در شرایط بسیار حساس و پیچیده‌ای در کشورتان کنگره خود را برگزار می‌کنید. مبارزه در راه قانونی کردن فعالیت احزاب که از طرف رژیم غیرقانونی اعلام شده است، از اهم کارهای حساس در این کنگره است. آنطور که مطلعیم از جمله اهداف شما در حال حاضر همچنین طرد جریان ضداصلاحات و خشونت‌طلب از حاکمیت است. در این راه افزایش همبستگی و پشتیبانی جهانی در دفاع از نیروهای مدافع دمکراسی در کشورتان از اهمیت اساسی برخوردار است. کمونیست‌های کانادائی در حمایت و پشتیبانی از این خواست مردم شما و نیروهای مترقی از هیچگونه اقدامی کوتاهی نمی‌نمایند. شما پشتیبانی تمامی احزاب کمونیست و نیروهای مترقی در جهان را در پشت سر دارید.

به این جهت روابط بین ما به عنوان حزب کمونیست کانادا و شما به عنوان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) یک رابطه زنده و صمیمانه خواهد بود.

ما اعتقاد داریم که تعادل قوا در سطح بین‌المللی به نفع زحمتکشان است. حزب کمونیست کانادا اعتقاد به ایجاد جبهه متحد دمکراتیک ضدامپریالیستی به مثابه یک استراتژی فوری در جهت طرد امپریالیسم و ارتجاع جهانی دارد.

حزب کمونیست کانادا امیدوار است با تشکیل جبهه مردمی قدرتمندی متشکل از تمامی نیروهای انقلابی و مترقی کشورهای جهان این مبارزه را پیش برد.

در حال حاضر در کانادا مبارزه برای دمکراسی و مخالفت با لیبرالیسم نو در جریان است.

در مبارزات سیاتل هزاران کانادایی از اتحادیه‌ها و سازمان‌های مترقی مردمی در اعتراض به فعالیت‌های سازمان تجارت جهانی حضور گسترده داشتند. به نظر ما سیاتل نقطه عطف مبارزات مردمی علیه جهانی شدن سرمایه است که ما

ادامه در صفحه ۱۰

www.iran-archive.com